

الكتاب: الصلاة في الكتاب والسنة (فارسي)

المؤلف: محمد الريشهري

الجزء:

الوفاء: معاصر

المجموعة: فقه الشيعة من القرن الثامن

تحقيق: ترجمة : عبد الهادي مسعودي / إعراب : مرتضى خوش نصيب

الطبعة: الأولى

سنة الطبع:

المطبعة: دار الحديث

الناشر: مؤسسة دار الحديث الثقافية

ردمك: ٩٦٤-٥٩٨٥-٥٧-٩

ملاحظات:

الصلاة
في الكتاب والسنة
همراه با ترجمه فارسى محمد محمدي رى شهرى مترجم: عبد الهادى مسعودي

محمدي ري شهري، محمد، ۱۳۲۵ -
الصلاة في الكتاب والسنة همراه با ترجمه فارسي / مؤلف: محمد محمدي ري
شهري،

مترجم: عبد الهادي مسعودي. - قم: دار الحديث، ۱۳۷۷.
۲۵۷ ص + ۱۷۲ ص.

پاورقي به صورت پي نوشت وص ۲۳۹ - ۲۵۶
اين كتاب بخشي از دايرة المعارف ميزان الحكمه است كه به صورت مستقل منتشر
و ترجمه شده است.

۱. احاديث شيعه - صلاة. ۲. احاديث اهل سنت - صلاة ۳. قرآن - منتخبات.
الف. عنوان. ب. عنوان: نماز در كتاب و سنت. ج. مسعودي، عبد الهادي، ۱۳۴۳
- مترجم.

۸ ص ۳ م / ۵ / BP ۱۴۱ ۲۱۸ / ۲۹۷
شابك: ۹ - ۵۷ - ۵۹۸۵ - ۹۹۶۴ - ۵۷ - ۵۹۸۵ - ۹۶۴ : ISBN
الصلاة في الكتاب والسنة
با ترجمه فارسي

مؤلف: محمد محمدي ري شهري
تحقيق: دار الحديث

اعراب: مرتضى خوش نصيب

مترجم: عبد الهادي مسعودي

ويراستار: سيد حسن اسلامي

ناشر: دار الحديث

چاپخانه: دار الحديث

ليتوگراف: تيزهوش

نوبت چاپ: اول

شمارگان: ۳۰۰۰

قيمت: ۱۴۵۰ تومان

تلفن: ۳۱۵۷۵، ۷۱۰۴۸۷، ۹۲۹۲۲۱ - ۰۲۱ + نماير: ۷۱۹۱۹۰ ص. پ:

۳۷۱۸۵ / ۳۴۱۸

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

(۳)

بسم الله الرحمن الرحيم در باره این ترجمه

در باره این ترجمه

مقصود از ترجمه موسوعه بزرگ " میزان الحکمه " ارائه بهترین و پاکیزه ترین ترجمه نیست، چرا که این کار نشدنی و ادعای آن گزافه گویی است. آنچه درباره وفاداری و زیبایی ترجمه گفته اند و ضرب المثلی که این دو صفت را در شاهد ترجمه کرد نیامدنی می داند، بیش از هر چیز در باره احادیث شریف معصومان (علیهم السلام) صادق است که زیباترین و رساترین گفته ها را به زبان آورده اند

و سخنانشان گرچه فروتر از سخن خالق، اما بسی فراتر از سخن مخلوق است تنها هدف ترجمه این مجموعه آن است که زمینه آشنایی بیشتر با متن اصلی فراهم شود و تشنه کامان بتوانند، نه از طریق جوباره‌ای که مستقیماً از آن آبشخور معرفت سیراب گردند. اگر بدین هدف دست یافته باشیم که زهی شادکامی واگر نه، همت خوانندگان نکته سنج، بدرقه راهمان خواهد بود و ما را از خطاهای بیشتر باز خواهد داشت.

زحمت ترجمه کتاب الصلاة بر دوش جناب حجة الاسلام والمسلمین عبد الهادی مسعودی بوده است و ایشان کوشیده اند برای معانی بلند و مضامین والای احادیث، جامه مناسبی در زبان پارسی بیابند و در این کار نهایت توان

علمی و ذوق زبانی خود را به کار گرفته اند. سعی ایشان مشکور باد. همچنین ناگزیر از یاد کرد زحمات فاضل گرانقدر مرتضی خوش نصیب هستیم که با اعراب گذاری متن عربی، به سهولت ترجمه و تصحیح آن یاری رساندند و نیز برادران مصحح و بخش انتشارات آقایان حیدر وائللی، محمد باقر نجفی و محمد ضیاء سلطانی که بی کوشش آنان، این کار به سامان نمی رسید.

والله الهادی الی صواب السبیل
واحد ترجمه مرکز تحقیقات دار الحدیث
سید حسن اسلامی

بسم الله الرحمن الرحيم
مقدمه ء مؤلف

سپاس تنها خداوند و پروردگار جهانیان را سزاست و درود و سلام بر بنده برگزیده اش، محمد و خاندان پاک وی و همه یاران نیکویش. مسلمانان، کوشش های فراوانی را به نماز، اختصاص داده و کتاب های ارزشمند بسیاری پیرامون آداب و رمز و راز آن نگاشته اند، ولی هنوز کتابی که این فریضه بزرگ الهی و مسائل آن را تحلیل کند و از دیدگاه احادیث فریقین، شیعه و اهل سنت، جایگاه والای آن و نقش سازنده آن را نشان دهد، در کتابخانه اسلام، جای نگرفته است.

کتاب حاضر که بخشی از موسوعه بزرگ میزان الحکمه به شمار می رود، به صورت مستقل نشر می یابد، تا این جای خالی را پر نماید. این کتاب با روش جدید و نظمی نو و در پرتو هدایت آیات کریمه قرآن و احادیثی که محدثان شیعی و سنی نقل کرده اند، به مهمترین مسأله هایی که جامعه اسلامی بدان نیاز دارد می پردازد. امید داریم که مسلمانان، در هر سوی جهان اسلام از آن بهره گیرند، مخصوصاً جوانانی که مشتاق شناخت حکمت و رمز و راز و آداب و آثار و برکات این فریضه الهی اند و با الهام گرفتن از این راز خوشبختی، کمکی برای

خودسازی خویش، می جویند.
در پایان، لازم می بینم که از همه برادران عزیز مرکز تحقیقات دار الحدیث
که در تألیف این مجموعه گرانب ها، مرا یاری کردند، سپاسگزاری کنم، بویژه
برادر بزرگوار مرتضی خوش نصیب که مسئولیت اصلی این کار را بر دوش
داشته و برادران رسایی و احسانی فر که نمودن نشانی ها و منابع دیگر حدیث را
بر عهده داشته اند. خداوند بهترین پاداش را به آنان در دنیا و آخرت عطا
فرماید.

محمدی ری شهری

آذرماه ۱۳۷۵

برابر با شعبان ۱۴۱۷

المدخل
پیش گفتار

بسم الله الرحمن الرحيم نماز، نخستین واجب الهی است که خداوند سبحان بر مردم مقرر داشته (۱) و

فریضه ای است که پیشتر از همه فرائض دیگر، باید آن را آموخت (۲)، نخستین عمل انسان است که در آن نظر می شود و نخستین چیزی است که از آن بازخواست می گردد، اگر مقبول افتد بقیه اعمال هم پذیرفته می شود و اگر رد شود، دیگر اعمال هم رد می شود (۳).

نماز ستون دین، استواری و سیمای آن است. جایگاه آن در دین، مانند سر در کالبد است و حکایت آن، حکایت ستون خیمه است (۴). نماز، بهترین دستور دین، برترین اعمال و محبوب ترین آن ها نزد خدای سبحان (۵) و برترین وسیله ای است که متوسلان برای نزدیک شدن به او بدان چنگ زده اند (۶) و معراج مؤمن است (۷).

(۱) بنگرید به فصل پنجم کتاب.

(۲) بنگرید به فصل پنجم کتاب.

(۳) بنگرید به فصل پنجم کتاب.

(۴) بنگرید به فصل پنجم کتاب.

(۵) بنگرید به فصل پنجم کتاب.

(۶) بنگرید به فصل پنجم کتاب.

(۷) ناگفته نماند که عبارت " نماز معراج مؤمن است " با وجود آن که مشهور شده است و ما آن را در پیش از

سی جا و در کتابهایی با موضوعات گوناگون یافته ایم ولی منبعی که آن را به پیامبر یا امامان نسبت دهد، سراغ نداریم. افزون بر این، هیچ يك از کتابهای حدیث اهل سنت و بیشتر کتابهای حدیث شیعه، جز آنچه در قرنهای اخیر تدوین گشته، همچون روضة المتقین و بحار الانوار، نوشته مجلسی اول و دوم (قدس سرهما) و رواشع سماویه، نوشته محقق داماد (قدس سره) آن را نقل نکرده اند، پس می توان گفت: این عبارت

روایت نیست بلکه از سخنان عالمان متأخر ماست.

نماز، شیطان را می راند (۱)، بر تکبر و سرکشی راه می بندد، از زشتی و ناپسندی باز می دارد (۲)، کبر و دیگر زنگارهای روح را مزداید (۳)، بدی ها را می برد (۴) و جان را پاک می سازد (۵).

نماز، کلید هر نیکی است (۶)، چهره و دل بدان روشن می شود (۷) و جان با آن به اطمینان می رسد (۸)، رحمت را فرو می آورد (۹) و زشتی ها با آن زیبا می گردند (۱۰) و برای پیروزی در جهاد اکبر و اصغر از آن مدد می جویند (۱۱). نماز آخرین سفارش پیامبران، مخصوصا پیامبر خاتم، حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه وآله) است که در پایان وصیت خویش فرمود: نماز را، نماز را و آن را تا

بدان جا تکرار کرد که زبانش سنگین و سخنش بریده بریده گشت (۱۲). بی گمان، نماز بهترین وسیله برای سازندگی و سیر و سلوک به سوی خداوند متعال و هسته بنیادین حرکت تکاملی به سوی والاترین هدف انسانیت و جامعه نمونه بشری است. بسی درد و اندوه که عموم مردم و بلکه بسیاری از نخبگان، این جان مایه حیات و حرکت و شکوفایی را آن چنان که باید، نمی شناسند و خواص، آنچنان که شاید از آن بهره نمی گیرند، حال آن که آیات

-
- (۱) بنگرید به فصل بیست و هفتم کتاب.
 - (۲) بنگرید به فصل بیست و هفتم کتاب.
 - (۳) بنگرید به فصل دوم کتاب.
 - (۴) بنگرید به فصل بیست و هفتم کتاب.
 - (۵) بنگرید به فصل بیست و هفتم کتاب.
 - (۶) بنگرید به فصل بیست و هفتم کتاب.
 - (۷) بنگرید به حدیث ۴۵۶ و ۴۵۷ کتاب.
 - (۸) بنگرید به آیه ۲۸ از سوره رعد.
 - (۹) بنگرید به فصل بیست و هفتم کتاب.
 - (۱۰) بنگرید به فصل بیست و هفتم کتاب.
 - (۱۱) بنگرید به فصل بیست و هفتم کتاب.
 - (۱۲) بنگرید به فصل ششم کتاب.

قرآن کریم و سنت شریف بر نقش اعجاز گونه نماز در سازندگی فرد و جامعه، تأکید می‌ورزند.

افراد بسیاری سرمایه حیات و عمر را در اندیشه سازندگی و انجام تمرین‌هایی جهت یافتن راه تکامل، خرج کرده و در طلب مرشد راه، برخاسته و از ذکرها و وردها و ریاضتها، برای طی کردن منزلگاه‌های کمال و مراحل مکاشفه و عرفان، یاری جسته‌اند، ولی فراوان در دام مکارانی افتاده‌اند که از سیر و سلوک، جز نام آن هیچ نمی‌دانند و آن را وسیله نان خوردن و کسب شهرت و در بند کشیدن همه جانبه مریدان نادان خویش، ساخته‌اند.

ره‌پویان بیدار و مسلمانان روشن بین راستین می‌دانند که نماز، بهترین درس سیر و سلوک و خودسازی، نزدیکترین راه برای مبارزه با تهاجم فرهنگی دشمنان اسلام و نتیجه‌بخش‌ترین جهاد برای تحقق ارزش‌های انسانی و پیاده کردن معارف ناب اسلام در جوامع بشری است.

در سفارش اخلاقی گرانبهای امام خمینی - رضوان الله تعالی علیه - به فرزند عزیزش حاج سید احمد - ره - می‌خوانیم: که خودخواهی ریشه مصیبت‌های بشری است و کوشش برای درمان این ریشه تباهی است که جهاد اکبر نام دارد و پیروزی در این جبهه به اصلاح تمام گستره زندگی می‌انجامد.

امام پس از روشن کردن این مفاهیم، نماز را راه تحقق این پیروزی می‌بیند و می‌گوید:

"فرزندم، از خودخواهی و خود بینی به درآی که این ارث شیطان است، که به واسطه خود بینی و خود خواهی از امر خدای تعالی به خضوع برای ولی و صفی او جل و علا سرباز زد. و بدان که تمام گرفتاریهای بنی آدم از این ارث شیطانی است که اصل اصول فتنه است، و شاید آیه شریفه* (وقاتلوهم حتی لاتکون فتنه ویکون الدین لله)* (۱) در بعض مراحل آن، اشاره به جهاد اکبر و مقاتله

(۱) سوره بقره: ۱۹۳.

با ریشه فتنه که شیاطین بزرگ و جنود آن، که در تمام اعماق قلوب انسان ها شاخه و ریشه دارد، باشد. و هر کس برای رفع فتنه از درون و برون خویش، باید مجاهده نماید. و این جهاد است که اگر به پیروزی رسید همه چیز و همه کس اصلاح می شود.

پسرم، سعی کن که به این پیروزی دست یابی، یا دست کم به بعضی مراحل آن. همت کن و از هواهای نفسانیه، که حد و حصر ندارد، بکاه، و از خدای متعال جل و علا استمداد کن که بی مدد او کس به جایی نرسد و نماز، این معراج عارفان و سفر عاشقان، راه وصول به این مقصد است. و اگر توفیق یابی و یابیم به تحقق يك ركعت آن و مشاهده انوار مکنون در آن و اسرار مرموز آن، ولو به قدر طاقت خویش، شمه‌ای از مقصد و مقصود اولیای خدا را استشمام نمودیم، و دور نمایی از صلاة، معراج سید انبیا و عرفا (صلی الله علیه وآله) را مشاهده کردیم، که خداوند

منان ما و شما را به این نعمت بزرگ منت نهد. " (۱)

آری، اگر کارگزاران مخلص در حکومت اسلامی که مشتاق حاکمیت ارزش های اسلامی هستند به آثار و برکت های نماز آن گونه که شایسته آن است، توجه می داشتند، بخش بزرگی از بودجه مبارزه با تهاجم فرهنگی را به زنده کردن نماز اختصاص می دادند و بلکه ردیف خاصی را در بودجه عمومی کشور برای ترویج و تعمیق فرهنگ نماز، این فریضه سازنده ناشناخته، قرار می دادند. در این کتاب، تبیین گستره نقش نماز را در سازندگی فرد و جامعه که از قرآن و حدیث گرفته شده، خواهید دید. نکته دقیق و مهم در این جا آن است که سازندگی فرد، مقدمه سازندگی اجتماع است و پایه خودسازی، یاد خداوند متعال است، همان گونه که امیر مؤمنان فرموده است: " ریشه اصلاح دل، اشتغال

(۱) امام در سنگر نماز: ۱۹۶ و ۱۹۷.

آن به یاد خداست " که از کلمات نغز آن حضرت است و جان کلام این که هدف نهایی انسان، دیدار خداست و رمز این دیدار، عشق و محبت او و کلید این رمز، ذکر و یاد خدای سبحان متعال است و نماز کامل ترین ذکر است.

بی گمان، یاد خدا، زندگی دل، خوراک جان، کلید انس و پدید آورنده کیمیای عشق و محبت حق - جل و علا - است. همانا عشق به خدا، پیوند عاشق را با هر چه جز معشوق است، می برد و این همان است که انقطاع نامیده می شود و در نخستین مرتبه آن، نفس اماره مسمیرد و زندگی عقلانی انسان آغاز می شود و در بالاترین مرتبه آن، دیده دل، به نور دیدار خدا، روشن می گردد و در این والاترین درجه است که اراده انسان در اراده حق - جل و علا - فانی می گردد و انسان، خلعت خلافت الهی و ولایت تکوینی می پوشد و کرامت های خارق العاده و اجابت دعا از او پدیدار می شود (۱).

مسألة اصلی این است که نماز هنگامی این آثار و برکات را دارد و انسان را در رسیدن به هدف نهایی اش دستگیری می کند، که به صورت حقیقی و همراه با شرط هایش، آنگونه که مقبول خداوند متعال است، آورده شود، نه کلمه هایی تو خالی و حرکت هایی ظاهری که مصداق این حدیث باشد: " خداوند نماز بنده ای را که دلش همراه تنش نیست، نمی پذیرد " (۲).

باری، پیرامون حضور قلب در نماز و وسیله های دستیابی به آن، گفتگو بسیار است، ولی تنها به دو نکته مهم که از عارفی بزرگ شنیده ام، می پردازم.

۱ - خود را در برابر نسیم رحمت پروردگار نهادن
غفلت های بی اختیار، هر اندازه فراوان باشد با نخستین وزش نسیم رحمت

(۱) بنگرید به " مبانی خداشناسی " از مؤلف: ۴۷۷ - ۴۹۰.

(۲) بنگرید به حدیث ۲۱۵ کتاب.

الهی، نابود می گردد. گاه نور خیر جرقه می زند و انسان در آن حال به خدا متوجه می گردد که اگر برای خاموش نشدن این بارقه الهی تلاش کند، شیطان او را رها می کند و به تدریج این پرتو نور افشان به نوری همیشگی و حضوری کامل می انجامد.

خسارت واقعی آن است که عوامل غفلت را به اختیار خود فراهم آوریم، چون همت شیطان آن است که ما را با دست خویش به غفلت اندازد و از نسیم های مهر پروردگار در روزگار، بهره نگیریم، همان گونه که روایت شده است: " بی گمان برای پروردگارتان در ایام روزگارتان، نسیم هایی است، هان، خود را در برابر آن نهید " (۱).

۲ - روی گرداندن از بیهودگی
بی گمان سرگرم شدن به کارها و گفتگوی بیهوده، از عوامل اختیاری غفلت و فراموشی است. کار بیهوده، اراده انسانی را در حفظ ارزش های انسانی و اسلامی سست می کند و توفیق ذکر و حضور در نماز را از او می گیرد، حال آن که

حضور قلب در نماز، بنیاد همه این ارزش هاست.
آن که موفق به حضور قلب کامل در نماز می گردد تنها از گناه دوری نمی کند، بلکه از همه کارهای بیهوده دوری می گزیند و شاید آوردن خشوع در نماز به همراه دوری از بیهودگی در سوره مؤمنون به این نکته اشاره دارد.
خداوند متعال می فرماید: " حتما مؤمنان رستگار شدند، همانان که در نمازشان فروتنند. و آنان که از بیهودگی روی گردانند ".
خدایا ما را از رستگاران قرار ده.

(۱) بحار الأنوار: ۸۳ / ۳۵۲.

فصل نخست

وجوب نماز

قرآن:

" نماز بر مؤمنان نوشته و واجب شده است. "

- امام باقر (علیه السلام): واژه " موقوتا " در آیه * (إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا

موقوتا) * به معنی " موجباً " است. یعنی نماز بر مؤمنان نوشته و واجب شده است. (۱)

- پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله) به کسی که از واجبات الهی پرسیده بود، فرمود: خداوند، بر

تو هفده رکعت [نماز] در هر شبانه روز واجب کرده است.

- بر من و امتم، پنج نماز نازل شده که بر امتهای پیشین نشده و بر امتی پس از من واجب نمی شود، زیرا پیامبری پس از من نمی آید.

- زراره: نمازهای واجب را از امام باقر (علیه السلام) پرسیدم. امام فرمود: پنج نماز در

شبانه روز.

- امام باقر (علیه السلام): خداوند [اصل] نماز را واجب کرد و پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله) آن را بر ده

گونه نهاد: نماز حاضر و مسافر، نماز خوف که خود سه گونه است، نماز

(۱) این حدیث مانند احادیث فراوان دیگری در مقام رد تفسیر " موقوتا " به (زمان معین) است. بنگرید به بحار الانوار: ۸۲ / ۳۴۰ / ۱۷ و ۳۵۲ / ۲۴ تا ۳۲.

خورشید و ماه گرفتگی، نماز دو عید [فطر و قربان] نماز باران و نماز بر
مرده.

- امام صادق (علیه السلام) به کسی که واجبات خداوند بر بندگان را پرسیده بود،
فرمود:

شهادت بر یگانگی خداوند و پیامبری حضرت محمد (صلی الله علیه وآله) و برپا
داشتن

نمازهای پنجگانه.

فایده:

نویسنده مجموعه فقهی بزرگ جواهر الکلام فی شرح شرائع
الاسلام می گوید: نمازهای هر شبانه روز پنج عدد است... و هیچ
اختلافی در وجوب آن ها در شبانه روز نیست، بلکه آن از ضروریات
دین است و نیازمند استدلال به قرآن و اجماع مسلمانان و سنت متواتر
پیامبر و امامان ره یافته (صلوات الله علیهم) نیست.

فصل دوم
حکمت نماز
قرآن:

" نماز را برای یاد من، به پا دار. "

- پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله): نماز واجب شده است... برای بر پا داشتن یاد خدا.

- امام علی (علیه السلام): خداوند ایمان را جهت پاک کردن از شرک، و نماز را برای دوری از کبر واجب کرد.

- هشام بن الحکم: از امام صادق پرسیدم: با اینکه نماز مردم را از کار و زندگی باز می دارد و تن هایشان را خسته می کند، چرا واجب شده است؟ امام فرمود: در آن، علت‌هایی نهفته است. اگر مردم بدون هیچ آگاهی و یادآوری از پیامبر اکرم رها شوند و تنها به همان رسالت نخستین و حضور قرآن در میان آنان بسنده شود، مانند امت‌های پیشین می گردند که به دین گرویدند و کتابهایی هم نوشتند و مردم را به دین خود فرا خواندند و حتی برای آن جنگیدند، اما با رفتنشان، دینشان هم رفت و اثری از آنان باقی نماند. حال آنکه خداوند تبارک و تعالی خواست که مردم حضرت محمد (صلی الله علیه وآله) را از یاد نبرند. از این رو نماز را بر آنان واجب کرد تا او را هر

روز، پنج بار یاد کنند و نام [مبارکش] را بر زبان آورند و به نماز و یاد خدا

فرمان داده شدند، تا غافل نگردند و او را فراموش نکنند مبادا یادش از خاطرها برود.

- امام رضا (علیه السلام): حکمت نماز، اقرار به ربوبیت خداوند عز و جل و شریک نگرفتن

برای اوست. ایستادن در پیشگاه جبروت الهی، با خواری و بیچارگی، افتادگی و اعتراف و درخواست بخشش گناهان گذشته است. صورت نهادن بر خاک در هر روز برای بزرگداشت خداوند جل جلاله است، تا به یاد او - نه فراموشکار و گردنکش که - فروتن و خوار و خواهان و مشتاق فزونی دین و دنیای خود باشد. افزون بر این ها، نماز، ذکر خداوند عز و جل و دوام آن در شب و روز است تا بنده، مالک و مدبر و آفریدگارش را از یاد نبرد و اگر نه سرکشی و طغیان می کند و این در یاد کردن پروردگار عز و جل و ایستادن در پیشگاهش نهفته است، که او را از سرپیچی نهی می کند و از انواع فساد باز می دارد.

- در تبیین حکمت نماز - : اطاعتی است که [خدا] آنان را بدان امر کرده و آیینی است که بر آن وادارشان ساخته است. در نماز بزرگداشت و گرامداشت خداوند و فروتنی بنده هنگام سجده است و اقرار به اینکه بالاتر از او، پروردگاری است که به عبادتش می پردازد و برایش سجده می کند.

فصل سوم
نماز پیش از اسلام
قرآن:

" پروردگارا، من [یکی] از فرزندانم را در دره ای بی کشت و زرع، نزد خانه ء محترم تو، سکونت دادم. پروردگارا، تا نماز را به پا دارند، پس دلهای برخی از مردم را به سوی آنان گرایش ده و آنان را از محصولات [مورد نیازشان] روزی ده، باشد که سپاسگزاری کنند. "

" و چون از بنی اسرائیل پیمان محکم گرفتیم که جز خدا را نپرستید و به پدر و مادر و خویشان و یتیمان و مستمندان احسان کنید و با مردم [به زبان] خوش سخن بگویید و نماز را بر پا دارید و زکات را بدهید، آنگاه، جز اندکی از شما، [همگی] روی برگردانید. "

" و آنان را پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما هدایت می کردند و به ایشان انجام دادن کارهای نیک و برپا داشتن نماز و دادن زکات را وحی کردیم و آنان پرستنده ما بودند. "

" و به موسی و برادرش وحی کردیم که شما دو تن برای قوم خود در مصر خانه هایی ترتیب دهید و سراهایتان را رو به روی هم قرار دهید و نماز برپا دارید و مؤمنان را مژده ده. "

" پس در حالی که وی [زکریا] در محرابش به نماز ایستاده بود، فرشتگان، او را

ندا در دادند که خداوند تو را به [ولادت] یحیی - که تصدیق کننده [حقانیت] کلمة الله [= عیسی] است و بزرگوار و خویششندار [= پرهیزنده از زنان] و پیامبری از شایستگان است - مژده می دهد ".
" و هر جا که باشم مرا با برکت ساخته و تا زنده ام به نماز و زکات سفارش کرده است. "

- خداوند تبارك و تعالی در مناجات پیامبرش موسی (علیه السلام) با او: پیوسته بر نماز مواظبت کن، که نزد من جایگاهی ویژه و عهدی محکم دارد.

- امام صادق (علیه السلام): لقمان به پسرش گفت: پسرکم، هنگامی که وقت نماز در رسید، به خاطر هیچ چیز، آن را به تأخیر مینداز و از آن آسوده خاطر شو که آن وام است.

فصل چهارم

فضیلت نماز

- پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله): نماز، نور است.
- نماز، نور مؤمن است، نماز نوری از خداوند است.
- نماز انسان، نوری در دل اوست. پس هر کس می خواهد، دلش را نورانی کند.
- نماز، دلیل روشن و آشکاری است.
- نماز پشت سر نماز بدون کار بیهوده در میانشان، در علیین نوشته شود.
- آگاه باشید که نماز، خوراک مهمانی خداوند در زمین است که برای شایستگان رحمتش در هر روز پنج مرتبه، آماده و گوارایش می سازد.
- هر چیز را زینتی است و زینت اسلام، نمازهای پنجگانه است و هر چیز پایه ای دارد و پایه مؤمن، نماز است و برای هر چیز، چراغی است و چراغ دل مؤمن، نمازهای پنجگانه است.
- خداوند عز و جل چیزی برتر از توحید و نماز را واجب نمی کند و اگر چیزی برتر بود، آن را بر فرشتگانش واجب می کرد که برخی در رکوع و برخی دیگر در سجودند.

- نماز، از دستورات دین و در آن، خشنودی پروردگار عز وجل نهفته و راه روشن پیامبران است.

- دینی که رکوع و سجود در آن نباشد، هیچ خیری ندارد.

- خداوند متعال فرموده است: نماز را بین خود و بنده ام دو نیمه کرده ام و آنچه بخواهد به او می دهم.

پس هنگامی که بنده می گوید: * (الحمد لله رب العالمین) * خداوند متعال می گوید: بنده ام مرا ستود. و هنگامی که گفت: * (الرحمن الرحیم) * خداوند متعال می گوید: بنده ام مرا ستایش کرد و هنگامی که گفت: * (مالك يوم الدين) * می گوید: بنده ام مرا بزرگ داشت (يك بار فرمود: بنده ام [امرش را] به من واگذارد) و هنگامی که گفت: * (ايك نعبد وايك نستعين) * می گوید: این میان من و بنده ام می باشد و آنچه خواست به او می دهم. پس هنگامی که گفت: * (اهدنا الصراط المستقیم) * می گوید: این برای بنده ام می باشد و آنچه خواست به او می دهم (۱).

فائده:

صاحب کتاب بزرگ جواهر الکلام في شرح شرائع الاسلام پس از نقل روایتهایی در فضیلت نماز می گوید: این فضیلت، اختصاص به نمازهای پنجگانه واجب ندارد، گرچه برخی خبرها مخصوص به آن هاست. بلکه گفته می شود منظور هر روایتی که واژه صلاة دارد آن ها هستند، چون معروف و رایج بوده و جز آن ها نماز دیگری را از بنده نمی خواهند، اما دقت در آنچه از پیشوایان رسیده که برخی صراحت هم دارند حکم می کند در این فضیلت، میان واجب و مستحب فرقی نگذاریم و هر دو را بهترین کار بدانیم.

(۱) در نقل تفسیر تبیان چنین آمده است: " بنده ام مرا بزرگ داشت. سپس فرمود: این برای من و بقیه برای اوست ".

فصل پنجم
ویژگیهای نماز
/ ۵

استواری دین

- پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله): نماز، ستون دین شماست.
- امام علی (علیه السلام): خدا را! خدا را! در باره نماز، که ستون دین شماست.
- پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله): برپا دارنده دین، نماز است.
- نماز، مانند ستون خیمه است، اگر ستون بر پا باشد، ریسمانها و میخها و پرده سود می رساند و هنگامی که ستون بشکند نه ریسمان سودی دارد و نه میخ و پرده.
- جایگاه نماز در دین، مانند سر در کالبد است.
- معاذ می گوید: پیامبر به من فرمود: آیا تو را از سر امر (اسلام) و ستون آن خبر نکنم؟ گفتم: چرا ای پیامبر خدا. حضرت فرمود: سر امر و ستون آن، نماز و قله اش جهاد است.

- امام صادق (علیه السلام): مردی به خدمت پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله) رسید و گفت: ای پیامبر خدا، مرا از اسلام آگاه کن، از اصل و فرع و قله و اوج آن. پیامبر فرمود: اصل آن، نماز و فرع آن، زکات و قله و اوجش، پیکار در راه خداوند متعال است.
- پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله): نشانه ایمان، نماز است (۱).
- هر چیز، سیمایی دارد و سیمای دین شما، نماز است.
- امام علی (علیه السلام): شش چیز از پایه های دین است: یقین خالص، نصیحت مسلمانان و بر پا داشتن نماز...
- امام باقر (علیه السلام): اسلام بر پنج چیز بنا شده است: نماز و زکات و روزه و حج و ولایت و به هیچ چیز چون ولایت دعوت نشده است.
- امام صادق (علیه السلام): سه چیز، سنگ بنای اسلامند: نماز و زکات و ولایت و هیچ يك جز به همراه بقیه درست نیست.

۱۵

بهترین دستور

- ابوذر: به پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) عرض کردم: شما مرا به نماز امر کردی، نماز

چیست؟ حضرت فرمود: بهترین موضوع است، هر که خواهد کم و هر که خواهد زیاد بخواند.

- پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله): خود را نجات دهید، عمل کنید و بهترین عملهایتان، نماز است.

- ابو امامه: مردی از انصار خدمت پیامبر اسلام رسید و گفت: فلانی زراعت کرده و محصولش دو برابر شده است (یا شبیه چنین چیزی). حضرت فرمود: چه می گویی؟ دو رکعت نماز مختصر، از همه این و از

(۱) در نقل تاریخ بغداد به جای "ایمان" "اسلام" است.

دنیا و آنچه در آن است برای تو، بهتر است.

- ابو هریره: پیامبر بر قبر شخصی تازه دفن شده، گذشت. پس فرمود: اگر این شخص بتواند دو رکعت نماز مختصر - از همانها که کوچک و اضافی مشمرید - بر اعمالش بیفزاید، برایش محبوب تر از بقیه دنیایان است.

- عبد الله بن عمرو: مردی به خدمت پیامبر آمد و از برترین کارها پرسید؟ پیامبر خدا فرمود: نماز. سپس گفت: دیگر چه؟ فرمود: نماز. باز گفت: دیگر چه؟ گفت: نماز - تا سه بار - . پس از آن که همچنان بر پرسش خود پای فشرده، پیامبر گرامی فرمود: پیکار در راه خدا.

- امام علی (علیه السلام): برترین وسیله ای که متوسلان بدان چنگ زده اند: ایمان به خدا

و پیامبرش، پیکار در راه خدا، کلمه اخلاص که فطرت است، و کامل خواندن نماز که دین می باشد.

- خدا را! خدا را! در باره نماز، که بهترین کار و ستون دین شماست.

- امام صادق (علیه السلام): محبوبترین کارها نزد خدای عز و جل، نماز است و آن آخرین سفارش همه پیامبران است.

- از سفارشهای لقمان به پسرش این بود: روزه ای که تو را از نماز باز می دارد، نگیر، چون نزد خدا، نماز محبوب تر از روزه است.

- فرمانبرداری خدای عز و جل، خدمت او در زمین است و هیچ خدمتی برابر با نماز نیست. از این روست که فرشتگان، زکریا را در حالی ندا دادند که در محراب به نماز ایستاده بود.

- معاویه بن وهب: از امام صادق (علیه السلام) پرسیدم: برترین وسیله تقرب بندگان به خدایشان و محبوب ترین آن نزد خدا چیست؟ حضرت فرمود: پس از معرفت، برتر از این نماز، چیزی نمی شناسم. نمی بینی که بنده شایسته

خدا، عیسی بن مریم (علیه السلام)، گفت: " خدا مرا تا زنده ام به نماز و روزه سفارش کرده است. "

/ ۵

روشنی چشم پیامبر (صلی الله علیه وآله)

- پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله): روشنی چشم من، در نماز نهاده شده است.
- جبرئیل به من گفت: نماز را محبوب تو ساخته اند. پس هر اندازه می خواهی از آن، برگیر.

- خداوند متعال، روشنی چشم مرا در نماز نهاده است و آن را محبوب من ساخته، همانگونه که خوراک برای گرسنه و آب برای تشنه گوارا گشته است. همانا گرسنه پس از خوردن غذا سیر و تشنه پس از نوشیدن آب، سیراب می گردد، ولی من از نماز سیر نمی شوم.

- هنگامی که آیه " نماز را در دو سوی روز به پا دار " نازل شد - فرمود:
دوست ندارم به جای نماز، آنچه خورشید بر آن متابد، داشته باشم.

/ ۵

نخستین واجب الهی

- پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله): نخستین چیزی از دین، که خدا بر مردم واجب کرد

و آخرین چیزی که باقی می ماند، نماز است.

- نخستین چیزی که خدا بر امتم واجب کرد، نمازهای پنجگانه است.
- ابن اثیر: نخستین دستور اسلام که خداوند مقرر کرد، پس از اقرار به یگانگی خداوند و دوری از بتها، نماز بود. هنگامی که نماز بر پیامبر واجب شد، جبرئیل نزد او در بالای شهر مکه آمد و برایش پاشنه پا را در گوشه ای از دره بر زمین کوبید، چشمه ای جوشید و جبرئیل پیش

روی پیامبر وضو گرفت، تا چگونگی طهارت برای نماز را نشان دهد. پس پیامبر همچون او وضو گرفت. سپس جبرئیل برخاست و با آن [وضو] نماز خواند و پیامبر هم با او نماز گزارد.

- ابن شهر آشوب: در مدتی که پیامبر در مکه بود، هیچ عبادتی تشریح نشد مگر طهارت و نماز که بر او، واجب و برای امت، سنت (مستحب مؤکد) بود. پس از معراج و در سال نهم بعثت، نمازهای پنجگانه واجب شد. هنگامی که پیامبر به مدینه هجرت کرد، در شعبان سال دوم هجرت، روزه واجب گشت، قبله تغییر کرد و زکات فطریه و نماز عید نیز واجب شد - فریضه نماز جمعه در سال نخست هجرت جایگزین نماز ظهر شده بود - سپس زکات دارایی ها واجب شد. پس از آن حج و عمره و حلال و حرام و منع و اجازه و استحباب و کراهت و نیز جهاد و ولایت امیر مؤمنان مقرر شد.

- هنگامی که پیامبر سی و هفت ساله شد، خواب می دید، کسی او را فرستاده خدا خطاب می کند، اما نمی توانست پذیرد. مدتی طولانی این چنین سپری شد تا روزی در میان کوهها، هنگام شبانی گله ابو طالب، نگاهش به شخصی افتاد که او را فرستاده خدا خطاب می کرد. از او پرسید: کیستی؟ گفت: من جبرئیل هستم. خداوند مرا به سویت روانه کرده تا تو را فرستاده خود قرار دهد. پس پیامبر خدیجه را از موضوع آگاه کرد. خدیجه گفت: ای محمد. امیدوارم که این گونه باشد. سپس جبرئیل بر پیامبر نازل شد و برای او آبی از آسمان آورد و به او وضو و رکوع و سجود را آموخت و آن گاه که پیامبر چهل ساله شد، چگونگی نماز را بدون وقفهای آن به او یاد داد. پس پیامبر در هر وقت، نمازهای دو رکعتی می خواند.

- جبرئیل پیام خداوند را به پیامبر رساند... سپس جبرئیل نزد پیامبر می آمد و جز با اجازه اش به او نزدیک نمی شد. روزی نزد پیامبر در بالای مکه

آمد، پاشنه پایش را در گوشه ای از دره به زمین کوبید. چشمه ای جوشید.
جبرئیل وضو ساخت و پیامبر طهارت گرفت و نماز ظهر را خواند و آن
نخستین نمازی بود که خداوند واجب کرد.

/ ۵

نخستین آموزش واجب

- ابو مالك اشجعی از پدرش: نماز، نخستین چیزی بود که پیامبر
به افراد تازه مسلمان، می آموخت.
- پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله) - هنگام فرستادن معاذ به یمن - فرمود: تو بر
کسانی وارد

می شوی که اهل کتابند. پس باید نخستین چیزی که آنان را بدان
می خوانی، بندگی خداوند باشد. سپس هنگامی که خدا را شناختند،
آگاهشان کن که خداوند پنج نماز در شبانه روز بر ایشان واجب کرده است.

/ ۵

نخستین مورد بازخواست

- پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله): نماز ستون دین و نخستین عمل انسان است که
در

آن منگرنند. پس اگر صحیح بود، اعمالش را می بینند و اگر صحیح نبود،
بقیه کارهایش دیده نمی شود.

- نخستین چیزی که در روز قیامت، بازخواست می شود، نماز است. پس
هر کس پاسخ داد، مرحله های بعد بر او آسان می شود و هر کس پاسخ
ندهد، بر او سخت می گردد.

- روز قیامت که در رسید، بنده را می خوانند و نخستین چیزی که از او
می خواهند، نماز است. اگر آن را درست بیاورد [که رستگار شده است]
و گر نه در آتش انداخته می شود.

- نخستین عمل انسان که در روز قیامت محاسبه می شود، نماز است. پس اگر نیکو بود، رستگار و کامیاب می گردد و اگر باطل بود، محروم و زیانکار می شود.

- هنگامی که بنده در پیشگاه خداوند می ایستد، نخستین چیزی که از او می خواهند نماز است. پس اگر پاکیزه بود بقیه اعمالش هم پاکیزه می گردد و اگر پاکیزه نبود، اعمال دیگرش هم پاکیزه نمی شود.

- امام باقر (علیه السلام): نخستین چیزی که از بنده بازخواست می شود، نماز است.

پس اگر پذیرفته شد، بقیه [اعمال] هم پذیرفته می شود (۱).

(۱) همین حدیث از امام صادق (علیه السلام) نقل شده و دنبال آن چنین آمده است: " و اگر برگردانده شد، دیگر اعمالش هم برگردانده می شود ".

فصل ششم

ترغیب به برپا داشتن نماز

قرآن:

" نماز برپا دارید، و زکات بدهید و با رکوع کنندگان رکوع کنید. "

" و این که نماز برپا دارید و از او بترسید و هم اوست که نزد وی محشور خواهید گردید. "

" پروردگارا، مرا برپا دارنده نماز قرار ده و از فرزندان من نیز. پروردگارا، و دعای مرا بپذیر. "

" همان کسانی که چون در زمین به آنان توانایی دهیم، نماز برپا می دارند و زکات می دهند و به کارهای پسندیده دستور می دهند و از کارهای ناپسند باز می دارند و فرجام همه کارها از آن خداست. "

" ای کسانی که ایمان آورده اید، رکوع و سجود کنید و پروردگارتان را پرستید و کار خوب انجام دهید، باشد که رستگار شوید. "

" و نماز برپا دارید و زکات بدهید و از پیامبر [خدا] پیروی کنید، باشد که مورد رحمت قرار گیرید. "

" به سویش توبه کنید و از او پروا بدارید و نماز برپا دارید و از مشرکان مباشید. "

- پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) - در گفتارش به اسامه - : پیوسته نماز بخوان که آن برترین

کار بندگان است. چون نماز سر دین و ستون و تارك آن است.

- ام سلمه: پایان بخش وصیت پیامبر خدا، این بود: نماز را، نماز را و کنیزانتان. آن را تکرار کرد تا آنجا که زبانش سنگین و سخنش بریده بریده شد.

- انس: هرگاه پیامبر از رفتار مردی خوشش می آمد، او را به نماز فرمان می داد.

- امام علی (علیه السلام): شما را به نماز سفارش می کنم. آن است که ستون دین و نگهدارنده اسلام است. پس، از آن غفلت نکنید.

- امام باقر (علیه السلام): ابوذر می گفت: ای طالب علم، نماز بخوان پیش از آن که فرصتهایت از دست برود.

- بکر بن محمد الازدی: در پیش امام صادق (علیه السلام) نشسته بودم که ابو بصیر از

ایشان راجع به حورالعین پرسید و گفت: فدایت شوم، آنان از مخلوقات دنیایی اند یا از مخلوقات بهشتی؟ امام فرمود: تو را به این ها چه کار؟ بر نماز مواظبت کن. همانا آخرین چیزی که پیامبر اکرم بدان سفارش و ترغیب کرد، نماز بود.

فصل هفتم
مواظبت بر نماز
قرآن:

" بر نمازها و نماز میانه مواظبت کنید و خاضعانه برای خدا به پا خیزید. "

" و این خجسته کتابی است که ما آن را فرو فرستادیم، کتابهایی را که پیش از آن آمده تصدیق می کند. و برای اینکه [مردم] ام القری [= مکه] و کسانی را که پیرامون آنند هشدار دهی. و کسانی که به آخرت ایمان می آورند، به آن نیز ایمان می آورند، و آنان بر نمازهای خود مواظبت می کنند. "

" و آنان که بر نمازهایشان مواظبت می کنند. آنانند که وارثانند. "

- امام صادق (علیه السلام): در باره آیه " و آنان که بر نمازهایشان مواظبت می کنند "

فرمود: یعنی بر وقتها و حدود نماز (۱).

- انس: هنگام وفات پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله)، در کنارش بودیم. پس به ما گفت: در

باره نماز، تقوای الهی پیشه کنید، در باره نماز، تقوای الهی پیشه کنید - تا سه بار -.

- پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله): بیشتر هم و غمت، نماز باشد که آن، سر اسلام پس از پذیرش دین است.

(۱) معنی حدود نماز در فصلی با همین نام (فصل دوازدهم) خواهد آمد.

- مواظبت بسیار شخص بر انجام نمازها، در دیندار بودنش کفایت می کند.
- هنگام یاد کردن نماز - فرمود: هر کس بر نماز مواظبت ورزد، روز قیامت برایش نور و حجت و نجات از آتش می شود و هر کس مواظبت نورزد نه نور است و نجات و نه حجت.
- هر کس به سوی نماز بشتابد، از این رو که مترسد به آن نرسد، خداوند بهشت را برایش واجب می گرداند و هر کس آن را ترك کرده کار دیگری را مقدم دارد، تا يك سال با عمل دیگری بهشت را در نمی یابد.
- پرچم برافراشته اسلام، نماز است، پس هر کس به آن دل بسپارد و آن را با واجبات و مستحباتش انجام دهد، با ایمان است.
- پنج چیز است که هر کس همراه با ایمان بیاورد، وارد بهشت می شود: هر کس بر نمازهای پنجگانه مواظبت ورزد، بر وضوء و رکوع و سجود و وقتهای آن و...
- هر گاه کسی از شما به نماز بر می خیزد، به مناجات با پروردگارش برخاسته است. پس بنگرد، چگونه با او مناجات می کند.
- نماز ترازو است، هر کس تمام بیاورد، تمام می برد.
- نماز پیمانانه یا ترازو است - هر کس تمام بیاورد، تمامش می دهند و هر کس کم گذارد، بدانید که خداوند در باره کم فروشان چه نازل کرده است (۱).
- خداوند پنج نماز را بر بندگان واجب کرده است. پس هر کس آن ها را بیاورد بدون اینکه از روی سبک شمردن، کم بگذارد، خداوند تعهد می کند او را روز قیامت به بهشت ببرد.
- امام علی (علیه السلام): پیامبر خدا فرمود: نماز در چهار پاره نوشته می شود: پاره ای برای نیکو وضو گرفتن، پاره ای برای رکوع، پاره ای برای سجود و پاره ای

(۱) اشاره به آیه ویل للمطففین (سوره ۸۳، آیه ۱ - ۳).

برای خشوع است. گفته شد: ای پیامبر خدا، خشوع چیست؟ فرمود: فروتنی در نماز و این که بنده با همه دل به خدا رو کند. پس هنگامی که رکوع و سجودش را تمام آورد و دیگر بخشها را هم کامل کرد نماز با نوری درخشنده به سوی آسمان اوج می گیرد، درهای آسمان برای آن گشوده می شود و [خطاب به نمازگزار] می گوید: مرا حفظ کردی، خدا تو را حفظ کند و فرشتگان می گویند: خدا بر صاحب این نماز درود فرستد. و هنگامی که بخشهای نماز را تمام نیاورد، نماز با تاریکی بالا می رود و درهای آسمان بر روی او بسته می شود و [خطاب به نمازگزار] می گوید: مرا تباه کردی، خدا تو را تباه گرداند و نماز را به صورتش مکوبند.

- عقیل خزاعی: امیر مؤمنان، هرگاه برای جنگ آماده می شد، چند کلمه ای به مسلمانان سفارش می کرد و می گفت: به نماز پایبند باشید و بر آن مواظبت کنید، آن را زیاد بجا آورید و بدان تقرب جویید که آن بر مؤمنان نوشته و مفروض است و این را کافران هم می دانند آنگاه که پرسیده می شوند: چه چیز شما را به دوزخ در آورد؟ می گویند: ما از نمازگزاران نبودیم.

- امام صادق (علیه السلام): محبوبترین بنده نزد خدای عز و جل، فردی است که د گفتارش

راستگو و بر نمازش مواظب باشد.

- ادریس قمی: از امام صادق (علیه السلام) نیکوهای ماندگار را پرسیدم. فرمود: نماز، پس بر آن مواظبت ورزید.

فصل هشتم
وقتهای نماز
قرآن:

" نماز را از زوال خورشید تا نیمه شب بر پا دار و نیز نماز صبح را که نماز صبح در حضور فرشتگان است. "

- زراره: از امام باقر (علیه السلام)، نمازهایی را که خدای عز و جل واجب کرده، پرسیدم فرمود: پنج نماز در شبانه روز. گفتم: آیا در قرآن آن ها را نام برده، بیان کرده و وقتشان را معین نموده است؟ فرمود: آری، خداوند متعال به پیامبرش فرمود: " نماز را از زوال خورشید تا نیمه شب بر پا دار " و دلوك همان زوال خورشید (هنگام ظهر) است و غسق الليل یعنی نیمه شب. پس میان این دو وقت، چهار نماز را نام برده، بیان کرده و وقت آن ها را تعیین کرده است. سپس خدای تبارك و تعالی فرمود: " و نماز صبح که نماز صبح در حضور فرشتگان است ". پس این هم پنجمین نماز. و خداوند متعال فرمود: " نماز را در دو طرف روز بر پا دار " و دو طرف روز، همان مغرب و صبح است و " نخستین ساعات شب " و آن نماز عشاء آخر است و فرمود: " بر نمازها و نماز میانه مواظبت کنید " و آن نماز ظهر است، نخستین نمازی که پیامبر خدا خواند و آن در میان روز و دو

نمازی است که در روز خوانده می شود: نماز صبح و نماز عصر.
- امام علی (علیه السلام) در نامه اش به محمد بن ابی بکر: شخصی وقتهای نماز را از

پیامبر خدا پرسید. پیامبر پاسخ داد: " جبرئیل نزد من آمد و وقت نماز ظهر (زوال خورشید) را به من نشان داد. پس آفتاب بر ابروی راستش بود و وقت [نماز] عصر را نشان داد. پس سایه هر چیز به اندازه خودش بود. و نماز مغرب را هنگام غروب خورشید خواند. سپس هنگامی که شفق ناپدید شد، نماز عشاء را گزارد و نماز صبح را در تاریکی پایان شب، در حالی که هنوز ستاره ها فراوان بودند، خواند، پس در این وقتها نماز بخوان و پیوسته با سنت شناخته شده و در راهی روشن باش.
- امام صادق (علیه السلام): هنگام [نماز] صبح، از دمیدن سپیده است تا اینکه صبح،

بیشتر آسمان را فرا بگیرد و سزاوار نیست عمدا از این وقت به تأخیر انداخت، ولی آن وقتی است، برای کسی که سرگرم شده یا فراموش کرده و یا خواب مانده است.
- هنگامی که خورشید فرود می آید، وقت (نماز) ظهر رسیده است تا اینکه به اندازه خواندن چهار رکعت نماز بگذرد. پس از آن، وقت مشترك نماز ظهر و عصر است تا به اندازه خواندن چهار رکعت نماز از خورشید بماند که در این هنگام، وقت نماز ظهر پایان می پذیرد و وقت نماز عصر باقی می ماند تا خورشید ناپدید شود.

فصل نهم

مواظبت بر وقت‌های نماز

- سعد بن ابی وقاص: از پیامبر، درباره آیه " آنان که در نمازشان سهل انگارند " پرسیدم. فرمود: آنان، کسانی‌اند که نماز را از وقتش به تأخیر می‌اندازند.

- پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله): هر کس نمازش را عمدا ترک کند، دینش را نابود کرده است

و هر کس در وقتش نخواند، در " ویل " داخل می‌شود، و " ویل " دره‌ای در جهنم است. همانگونه که خداوند متعال در سوره " رأیت " فرمود: " پس ویل برای نمازگزاران است، آنان که از نمازشان غافلند ".

- امام علی (علیه السلام): هیچ عملی نزد خداوند، محبوب‌تر از نماز نیست. پس هیچ کار

دنیایی شما را در وقت نماز به خود مشغول ندارد. که خداوند گروه‌هایی را سرزنش کرد و فرمود: " آنان که از نمازشان غافلند " یعنی آنان غافل بوده ، به وقت نمازها بی‌اعتنایی می‌کردند.

- امام باقر (علیه السلام) - درباره گفته خداوند عز و جل: " و آنان که بر نمازهایشان مواظبت

می‌کنند " فرمود: مقصود همین نماز واجب است که هر کس آن در وقتش بخواند، حقیقتش را بداند و کاری را بر آن مقدم ندارد، خداوند بی‌گناهی را منویسد و عذابش نمی‌کند و هر کس در غیر وقتش بخواند، حق نماز

را نداند و کارهای دیگر را بر آن مقدم کند، سرانجامش با خداست، اگر خواست مآمرزد و اگر خواست عذاب می کند.

- امام صادق (علیه السلام): در باره گفته خدای متعال: "خاضعانه برای خدا به پا خیزید"

فرمود: یعنی توجه انسان به نمازش و مواظبت بر آن، تا چیزی او را از نماز به خود سرگرم و مشغول ندارد.

- عبد الله بن مسعود: از پیامبر خدا پرسیدم: کدام کار نزد خدا محبوب تر است؟ فرمود: نماز اول وقت.

- همچنین گفتم: ای پیامبر خدا! کدام کار به بهشت نزدیکتر است؟ فرمود: نماز اول وقت.

- پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله): شفاعت من فردای [قیامت] به کسی که نماز واجب را از وقتش به تأخیر اندازد، نمی رسد.

- بیشترین چیزی که بر اتم از آن ترسانم پس و پیش کردن نماز از وقت آن است.

- قطب راوندی: پیامبر خدا فرمود: هرگاه خداوند، آفتی از آسمان فرو فرستد، حاملان قرآن و نگهبانان خورشید - یعنی نگهبانان وقت نمازها - و آباد کنندگان مساجد، از آن در امانند.

- امام صادق (علیه السلام): پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله) داخل مسجد شد و گروهی از اصحابش هم در آن بودند. فرمود: می دانید پروردگارتان به شما چه گفت؟ گفتند: خدا و پیامبرش داناترند. فرمود: پروردگارتان می گوید: هر کس این نمازهای پنجگانه واجب را در وقتش بخواند و بر آن مواظبت ورزد، مرا در روز قیامت می بیند و عهدی پیش من دارد که به جهت آن، او را به بهشت می برم. و هر کس آن ها را در وقتشان نخوانده و بر آن مواظبت نورزیده باشد، سرانجامش با من است، اگر خواستم عذابش می کنم و اگر خواستم او را مآمرزم.

- پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله): هیچ بنده ای نیست مگر اینکه میان او خداوند متعال

عهدی است، تا آنگاه که با شناختش از حق نماز، آن را در وقتش برپا دارد یا بر کارهای دیگر مقدم کند. پس اگر آن را از روی سبک شمردن حقش فرو گذارد و کارهای دیگر را بر آن مقدم بدارد، خداوند از این عهد برائت می جوید. سپس سرنوشتش با خداست، یا او را عذاب می کند و یا مآمرزد.

- ما روزگاری نگهبان شتران بودیم و اکنون نگهبان خورشید گشته ایم.
- بندگان برگزیده خداوند، کسانی هستند که خورشید و ماه و ستاره ها و سایه ها را برای ذکر خداوند، نگاهبانی می کنند.
- امام علی (علیه السلام): پیروان ما، نگهبانان خورشید و ماه و ستارگانند.
- در وصیتش هنگام وفاتش به امام حسن (علیه السلام) فرمود: پسرکم، تو را به نماز

در وقتش سفارش می کنم.

- بر [خواندن] نمازهای پنجگانه در وقتشان مواظبت کنید، که نزد خداوند جل و عز، جایگاهی ویژه دارد.
- در نامه اش به محمد بن ابی بکر فرمود: نماز را در وقت مقررش بخوان و برای آسوده شدن، آن را جلو و به جهت اشتغال به کاری، آن را به تأخیر مینداز و بدان که همه کارهایت تابع نمازت می باشد.
- امام سجاد (علیه السلام) - در دعایش هنگام فرا رسیدن ماه مبارک رمضان - :
خدایا، بر

محمد و خاندانش درود فرست و ما را در این ماه به اوقات نمازهای پنجگانه آگاه کن، به اجزاء و شروطش که معین کرده ای و به واجباتش که مقرر داشته ای و وظیفه هایی که واجب ساخته ای و وقتهایش که محدود نموده ای.

- هر کس به وقتهای نماز اهمیت دهد، از خوشیهای دنیا، بهره کامل نمی گیرد.

- امام باقر (علیه السلام): موسی هنگام گفتگو با خداوند چنین گفت: خدای من، پاداش

آن کس که نماز را در وقتش خوانده و دنیا او را به خود مشغول نساخته است، چیست؟ خداوند فرمود: ای موسی، آنچه خواسته به او می بخشم و بهشتم را بر او روا می سازم.

- هر شخص با ایمانی که بر نماز واجب مواظبت ورزد و آن ها را در وقتشان بخواند، از غافلان نخواهد بود (۱).

- امام صادق (علیه السلام): پیروان ما را در وقفهای نماز بیازمایید، که مواظبت بر نمازشان چگونه است.

- آن که حق را وصف می کند [و خود را پیرو آن می داند] با سه ویژگی شناخته می شود: به یارانش نگریسته می شود که کیانند؟ و به نمازش که چگونه است؟ و کی آن را می خواند؟

- برادرانتان را با دو ویژگی بیازمایید، اگر هر دو ویژگی در آن ها بود [چه بهتر] و گر نه دوری گزینید، دوری گزینید، دوری گزینید: مواظبت بر نماز در وقت و نیکی به برادران در سختی و آسانی.

- امام صادق (علیه السلام) - از پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله) در بیان کلام فرشته مرگ نقل شده

است - : بدانید که برای ما بازگشتی دوباره و دوباره به سوی شما خواهد بود. پس مراقب باشید. در شرق و غرب خانه ای نیست جز اینکه به اهل آن در هر روز پنج نوبت منگرم و به کوچك و بزرگشان از خود آنان داناترم و اگر می خواستم پشه ای را قبض روح کنم، تا پروردگرم دستور ندهد نمی توانستم.

سپس پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله) فرمود: تنها در وقفهای نماز به آن ها منگردد.
پس

(۱) گویا ناظر به آیه های " فویل للمصلین، الذین هم عن صلاتهم ساهون " باشد.

اگر از مواظبت کنندگان بر نماز در وقت بود، به او شهادت (لا إله إلا الله و أن محمدا رسول الله) را تلقین می کند و ابلیس را از او دور می سازد.
- امام صادق (علیه السلام): از خروس، پنج ویژگی را بیاموزید: مواظبتش بر وقتهای نماز و ...

فصل دهم
واداشتن خانواده به نماز
قرآن:

" و خانواده ات را به نماز فرمان ده و خود بر آن شککیا باش. ما از تو جویای روزی نیستیم، ما به تو روزی می دهیم، و فرجام [نیک] برای پرهیزگاری است. "

" و در این کتاب از اسماعیل یاد کن، زیرا که او درست وعده و فرستاده ای پیامبر بود. و خاندان خود را به نماز و زکات فرمان می داد و همواره نزد پروردگارش پسندیده بود. "

" ای پسرک من، نماز برپا دار و به کار پسندیده وادار و از کار ناپسند بازدار و بر آسیبی که بر تو وارد آمده است شککیا باش. این [حاکمی] از عزم در امور است. "

" پروردگارا، من [یکی از] فرزندانم را در دره ای بی کشت، نزد خانه محترم تو، سکونت دادم، پروردگارا، تا نماز به پا دارند، پس دلهای برخی از مردم را به سوی آنان گرایش ده و آنان را از محصولات [مورد نیازشان] روزی ده، باشد که سپاسگزاری کنند. "

- امام علی (علیه السلام): پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله) با خواندن نماز خود را به رنج می افکند،

با آنکه مژده بهشت شنیده بود. چون خداوند سبحان گفت: (و خانواده ات را به نماز فرمان ده و خود بر آن شککیا باش). پس خانواده اش

را به آن فرمان می داد و خود بر انجام آن شکیبایی می ورزید.
- عایشه: پیامبر [پاسی] از شب را نماز می خواند و در پایان، به من می گفت: برخیز و نماز وتر بخوان.
- پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله): برای داود پیامبر خدا ساعتی از شب بود که در آن، خانواده اش را بیدار می کرد و می گفت: ای خاندان داود! برخیزید و نماز بخوانید. همانا این ساعتی است که خداوند دعا را در آن اجابت می کند، مگر از ساحر و باجگیر.
- امام علی (علیه السلام): به پسرانتان، نماز را بیاموزید و هنگامی که به هشت سالگی رسیدند بر آن، مؤاخذه اشان کنید.

فصل یازدهم
فضیلت نمازگزار
قرآن:

" آنان که به غیب ایمان می آورند، و نماز بر پا می دارند، و از آنچه به ایشان روزی داده ایم انفاق می کنند. "

" و کسانی که به کتاب [آسمانی] چنگ در می زنند و نماز بر پا داشته اند، [بدانند که] ما اجر درستکاران را تباه نخواهیم کرد. "

" مردانی که نه تجارت و نه داد و ستد، آنان را از یاد خدا و بر پا داشتن نماز و دادن زکات، به خود مشغول نمی دارد و از روزی که دلها و دیده ها در آن زیر و رو می شود می هراسند. "

" در حقیقت، کسانی که کتاب خدا را می خوانند و نماز برپا می دارند و از آنچه بدیشان روزی داده ایم، نهان و آشکارا انفاق می کنند، امید به تجارتی بسته اند که هرگز زوال نمی پذیرد. "

" محمد (صلی الله علیه و آله) پیامبر خداست و کسانی که با اویند، بر کافران، سختگیر [و] با همدیگر مهربانند. آنان را در رکوع و سجود می بینی. فضل و خشنودی خدا را خواستارند. "

- پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله): نمازگزار هنگام نماز با پروردگارش - تبارک و تعالی -
مناجات می کند.

- امام حسن (علیه السلام): خداوند متعال می گوید: نمازگزار، با من مناجات می کند.

- پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله): نیکو حال تر از همه دوستانم، مؤمنی سبکبار است که

بهره ای فراوان از نماز دارد.

- هیچ کس وضویی کامل و نیکو نمی گیرد و سپس برای نماز به مسجد نمی آید، مگر اینکه خداوند با لطف و خوشی از او استقبال می کند، همچون خوشحالی خانواده شخص غائب هنگام ورودش.

- هیچ صبح و شبی نیست مگر اینکه قطعه های مختلف زمین به یکدیگر ندا می دهند: ای همسایه، آیا امروز، بنده ای صالح بر تو گذشته که نماز خوانده یا خدا را یاد کرده باشد؟ پس اگر بگویند: آری، آن را برایش فضیلتی می بینند.

- پروردگارتان از چوپانی که بر پاره سنگی در قله کوه برای نماز اذان می گوید و نماز می خواند خوشش می آید. سپس خدای عز و جل می فرماید: به این بنده ام بنگرید، از ترس من اذان می گوید و نماز می خواند، بنده ام را بخشیدم و او را به بهشت بردم.

- امام علی (علیه السلام): هنگامی که انسان در نماز است، کالبد و لباسش و هر چه در

اطراف اوست، تسبیح می گوید.

- امام سجاد (علیه السلام): نماز گزار تا آنگاه که در نماز است، در پیشگاه خدای عز و جل ایستاده است.

- امام باقر (علیه السلام): هنگامی که [نماز گزار] به قبله رو می کند، به خداوند رحمان

رو کرده است، جز او خدایی نیست.

- درباره گفته خداوند متعال (و یاد خدا بزرگتر است) - : یاد کردن خدا از اهل نماز بزرگتر از یاد کردن ایشان از خداست. آیا نمی بینی که او خود می فرماید: " مرا یاد کنید، شما را یاد می کنم "؟

فصل دوازدهم

حدود نماز

- امام علی (علیه السلام): حدود نماز چهار چیز است: شناخت وقت، رو به قبله بودن، رکوع و سجده و این ها، برای همه مردم عمومیت دارد، عالم باشند یا جاهل و نیز هر چه که به نماز مربوط است همچون افعال آن و اذان و و اقامه و غیر این ها. و چون خداوند دانست که بندگان نمی توانند حق همه این حدود را ادا کنند، تعدادی را واجب ساخت که همان چهار چیز است که ذکر شد و آنچه در آن چهار چیز از قرائت و دعا و تسبیح و تکبیر و اذان و اقامه و شبیه این هاست، سنتی موکد قرار داد. هر کس آن ها را دوست دارد، به نیکویی انجام می دهد، این بیان حدود نماز است.
- زراره: از امام باقر (علیه السلام) پرسیدم حدود بزرگ نماز کدامند؟ فرمود: هفت چیزند: وضوء، وقت، قبله، تکبیر آغازین، رکوع، سجده و دعا.
- امام صادق (علیه السلام): نماز، چهار هزار حد دارد.
- کراجکی از امام صادق (علیه السلام) - در پاسخ شخصی که از نماز و حدودش پرسیده بود - : نماز چهار هزار حد دارد که از تو بازخواست نمی کنند.

آن شخص گفت: از آنچه ترك كردنش روا نیست و نماز بدون آن کامل نمی شود، مرا آگاه کن. پس امام صادق (علیه السلام) فرمود: نماز کامل نمی شود مگر برای کسی که طهارتی کامل و همتی بلند دارد، بی وسوسه و انحراف. آن که شناخت پس ایستاد، اطمینان کرد پس استوار گشت. او میان امید و ناامیدی و شکیبایی و بتابی ایستاده گویی نویدش آماده و بيمش واقع گشته است. دارایی اش را بخشیده و به هدفش اندیشیده در راه خدا خون داده و از امر بی دلیل و برهان، کناره گزیده است. خود را به خاک افکنده و خوار می شمارد، رشته های توجه [به غیر] را مگسلد، به کسی یاری می رساند که قصدش کرده و به سويش شتافته و یاریش را طلبیده است. پس اگر چنین کرد، همان نمازی است که بدان امر و از آن آگاه شده است و این نماز است که از کار زشت و ناپسند باز می دارد. - امام رضا (علیه السلام): نماز، چهار هزار در دارد.

فصل سیزدهم

آداب نماز

- امام صادق (علیه السلام): نماز را نیکو بخوانید.

أ: آداب ظاهری

/ ۱۳

مسواك زدن

- پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله): دو رکعت [کسی که] مسواك زده، بهتر از هفتاد

رکعت

بدون مسواك است.

/ ۱۳

زینت کردن

قرآن:

" ای فرزندان آدم، نزد هر مسجد، زینتتان را بگیرید. "

- خیشمة بن ابی خیشمه: امام حسن بن علی (علیه السلام) هرگاه به نماز می ایستاد،

بهترین لباسش را می پوشید، پس به ایشان گفته شد: ای پسر فرستاده

خدا، چرا بهترین لباس را می پوشی؟ فرمود: خداوند متعال زیباست و زیبایی را دوست دارد. پس برای پروردگارم خود را زیبا می سازم، که می فرماید: " نزد هر مسجد، زینتتان را بگیرید " پس دوست می دارم که بهترین لباسم را به تن کنم.

- امام صادق (علیه السلام) - در پاسخ به پرسش ابوبصیر از معنی آیه " نزد هر مسجد، زینتتان را بگیرید " - فرمود: آن شانه کردن هنگام نماز واجب و مستحب است.

- پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله): محبوب ترین لباسها نزد خدا، لباس سفید است. پس با آن نماز بخوانید.

- زن نماز نخواند مگر اینکه زینتی در بر داشته باشد، از يك حلقه تا زیورهای گرانبهار، جز آنکه نیابد.

- امام علی (علیه السلام): زن، بدون زیور نماز نخواند.

- امام باقر (علیه السلام): لباسهای زینتی خود را برای نمازهای جمعه و عید بپوشید. فایده:

پنهان نماند که برخی روایتها، پوشیدن لباس زبر و غیر لطیف را در نماز مستحب دانسته اند. از این رو علامه مجلسی (ره) در بحار الانوار چند وجه جمع بیان کرده است که خلاصه آن ها را می آوریم. از آن جمله، اختصاص دادن اخبار پوشیدن لباس زبر به نمازهایی است که برای حاجتی مهم و یا دور کردن مصیبت و غمی بزرگ خوانده می شود، یا هر جا که مناسب نهایت فروتنی است. یا اینکه لباس خشن مخصوص به نمازهای در خلوت باشد و زینت برای نمازهایی که با حضور مردم خوانده می شود، همانگونه که از مضمون برخی روایات، به دست می آید و نیز محتمل است اخبار لباس خشن را بر تقیه حمل کنیم، چون چنین امری بین بدعت گذاران آن روزگار رایج بوده و پوشیدن لباس فاخر را بر امامان ما خرده می گرفته اند.

نتیجه سخن اینکه پوشیدن لباس فاخر در همه نمازها بهتر است، جز آنجا که روایتی تصریح به استحباب غیر آن دارد، چون ظاهر آیه و عموم احادیث چنین است.

۱۳ /

استفاده از بوی خوش

- عبد الله بن حارث: حضرت علی بن حسین (علیه السلام) شیشه مشکي در سجده گاهش داشت، که برای نماز از آن بر می گرفت و به خود می مالید.
- امام رضا (علیه السلام): سجده گاه امام صادق (علیه السلام) از بوی خوشش، شناخته می شد.

- امام صادق (علیه السلام): نماز شخص خوشبو، برتر از هفتاد نماز بدون بوی خوش است.

- دو رکعت نماز که شخص عطر زده می خواند، برتر از هفتاد رکعت نماز شخص عطر نزده است.

۱۳ /

انگشتر به دست داشتن

- امام علی (علیه السلام): پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله) بر ما درآمد و انگشتر نقره عقیق یمانی (۱) در

دست داشت. پس با ما نماز خواند و هنگامی که نمازش را به پایان برد، آن را به من داد و فرمود: ای علی، آن را در دست راست کن و با آن نماز بخوان. آیا نمی دانی که نماز با عقیق [برابر] هفتاد نماز است؟
- پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله): ای پسرکم، انگشتر یاقوت و عقیق به دست کن که خجسته

و مبارك است. هرگاه مرد در آن بنگرد چهره اش نورانی تر می گردد و

(۱) گویی " فسه " باشد و نه " فضة " یعنی: " انگشتری با نگینی از عقیق یمانی " .

نماز با آن [برابر] هفتاد نماز است.

/ ۱۳

رعایت اول وقت

- امام صادق (علیه السلام) - در باره آیه " آنان که از نمازشان غافلند " فرمود:
منظور به

تأخیر انداختن نماز از اول وقتش، بدون عذر است.

- یونس بن عمار: از امام صادق (علیه السلام) پرسیدم آیا آیه " آنان که از نمازشان غافلند " ناظر به وسوسه شیطان است؟ فرمود: نه، همه به این مصیبت گرفتارند. بلکه منظور این است که غافل شود و نماز اول وقت را از دست بدهد.

- پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله): برترین اعمال نزد خداوند، نماز اول وقت است.

- نمازتان را در اول وقت بخوانید که خدای عز وجل برایتان دو چندان می کند.

- امام صادق (علیه السلام): جبرئیل نزد رسول الله آمد و به ایشان وقتهای نماز را تعلیم

داد. سپس گفت... برترین وقت، اول آن است.

- پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله): اول وقت نماز، برتر از پایان وقت است، همچون برتری

آخرت بر دنیا.

- اول وقت، رضوان خداوند، میان وقت، رحمت خداوند و پایان وقت، عفو خداوند است.

- آیا از نماز منافق آگاهتان نکنم؟ نماز عصر را تا نزدیک غروب خورشید، به تأخیر می اندازد.

- عایشه: هیچ گاه ندیدم پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله)، نماز را به وقت دیگری اندازد تا

اینکه خدای عز وجل، قبض روحش کرد.

- امام علی (علیه السلام): کسی که پیش از در رسیدن وقت نماز، آماده نشود، آن را بزرگ نشمرده است.

- زراره: به امام باقر (علیه السلام) عرض کردم: خداوند نیکویت بدارد، کدام يك از آغاز، میان یا پایان وقت هر نماز، برتر است؟ فرمود: آغاز آن. همانا پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله) فرمود: خداوند عز و جل از کارهای نیک، آنچه را انجام گیرد، دوست می دارد.

- امام باقر (علیه السلام): بدان که اول وقت همیشه برتر است. پس هر اندازه می توانی در کار نیک شتاب کن.

- نمازی که در اول وقت بالا برود، سپید و نورانی به سوی صاحبش باز می گردد و می گوید: مرا حفظ کردی، خدا تو را حفظ کند. و هنگامی که در غیر وقتش و بدون حدودش بالا برود، سیاه و تاریک به سوی صاحبش باز می گردد و می گوید: مرا تباه کردی، خدا تو را تباه کند.

- امام صادق (علیه السلام): فضیلت اول وقت بر آخر آن برای انسان، بهتر از فرزند و دارایی اوست.

- هر نماز دو وقت دارد که از این دو، اول وقت برتر است و روا نیست کسی بدون دلیل در آخر وقت نماز بخواند، مگر به سبب عذری.

- هنگامی که وقت نماز در می رسد، درهای آسمان برای بالا رفتن اعمال، گشوده می شود. پس دوست ندارم عملی زودتر از عمل من بالا برود و نام کسی پیش از من در صحیفه (دفتر اعمال) نوشته شود.

- امام کاظم (علیه السلام): هنگامی که نمازهای واجب در اول وقت و با رعایت حدودشان، بر پا داشته می شوند، از شاخه بریده شده درخت آس (مورد) با همه عطر و بو و تازگیش، خوشبوترند. پس بر [نماز] اول وقت مداومت ورزید.

- امام رضا (علیه السلام): ای فلانی، هنگامی که وقت در رسید، نماز را [فوری] بخوان، که نمی دانی چه پیش می آید.

- ابراهیم بن موسی القزاز: از امام رضا (علیه السلام) چیزی را مطالبیدم و بر آن پای منفشردم. پس برای استقبال گروهی از طالبیان خارج شد که وقت نماز در رسید، پس به سوی کاخی در آنجا راه کج کرد و زیر درختی در نزدیکی کاخ فرود آمد در حالی که جز ما دو نفر، کسی نبود. پس به من فرمود: اذان بگو. گفتم: منتظر بمانیم تا دوستانمان به ما پیوندند؟ فرمود: خدا تو را پیامرزد، نماز را بدون دلیل از اول وقت به آخر وقت به تأخیر مینداز. در اول وقت، آغاز کن. پس اذان گفتم و نماز خواندیم.

/ ۱۳

نماز واجب را در مسجد خواندن

- جابر بن عبد الله: پیامبر گروهی را در نماز نیافت. پس گفت: چه چیز شما را از حضور در نماز باز داشته است؟ گفتند: به خاطر اختلافی که میان ما بوده است. حضرت فرمود: برای همسایه مسجد، نمازی نیست جز در مسجد.

- امام علی (علیه السلام): برای آن دسته همسایگان مسجد که تندرست و فارغند ولی

در نمازهای واجب حاضر نمی شوند، نمازی نیست.

- قاضی نعمان: حضرت علی (علیه السلام) فرمود: برای همسایه مسجد، نمازی نیست

جز در مسجد، مگر اینکه بیماری یا عذری داشته باشد. به حضرت گفته شد: ای امیر مؤمنان چه کسی همسایه محسوب می شود؟ حضرت فرمود آن که صدای اذان را می شنود.

- امام صادق (علیه السلام): نماز را در مسجد بخوانید.

- ابراهیم بن میمون از امام صادق (علیه السلام): به ایشان گفتم: مردی برای ما نماز می گزارد و ما به او اقتدا می کنیم. آن نزد شما محبوب تر است یا در مسجد خواندن؟ فرمود: مسجد نزد من محبوب تر است.

- امام صادق (علیه السلام): نماز مرد در خانه اش به جماعت، برابر بیست و چهار نماز

است و نماز مرد به جماعت در مسجد برابر چهل و هشت نماز [با پاداش] دو چندان شده در مسجد است.... همانا نماز فرادا در مسجد برابر بیست و چهار نماز است و نماز فرادا در خانه ات چون گرد و غبار، پراکنده و نابود می گردد و چیزی از آن به سوی خداوند بالا نمی رود. و هر کس از روی بی اعتنائی به مسجد، در خانه اش نماز جماعت بخواند، او و هر کس که با او نماز خوانده، نمازی ندارند، جز به سبب گرفتاری که از رفتن به مسجد باز می دارد.

۱۳ /

دعا کردن در آغاز نماز

- پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله) - در دعایش هنگامی که می خواست پس از تکبیر، نماز را

آغاز کند - : پاکدلانه به کسی روی آوردم که آسمانها و زمین را آفریده و من از مشرکان نیستم. نماز و عبادتم، زندگی و مرگم، برای پروردگار بی همتای جهانیان است و به این فرمان یافته ام و به آن تسلیم هستم. خدایا، تو پادشاهی و جز تو خدایی نیست. تو را تسبیح می کنم. تو پروردگار من هستی و من بنده توام. به خود ستم کردم و به گناهم اعتراف دارم. پس گناهانم را پوشان که هیچ کس جز تو، گناهان را نمی پوشاند. و به نیکوترین خویها، رهنمونم کن که جز تو به آن ها ره ننماید و خویهای زشت را از من دور ساز که جز تو دور نکند. آماده و حاضرم، من با تو و به سوی تو هستم و جز به سوی تو راه نجات و پناهی نیست. از تو آمرزش می طلبم و به تو باز می گردم.

- امام صادق (علیه السلام): امیر مؤمنان (علیه السلام) به یارانش می فرمود: هر کس که نماز بر پا

دارد و پیش از تکبیرة الاحرام بگوید: " ای نیکوکار، زشت کار نزد تو آمد و خود به نیکوکار فرمان داده ای که از زشتکار بگذرد. تو نیکوکاری و من زشتکار، پس به حق محمد و خاندانش بر محمد و خاندانش درود

فرست و از زشتیهایی که از من می دانی در گذر "، خدا می فرماید:
فرشتگان من، گواه باشید که او را بخشیدم و طلبکاران او [حقوق مالی و
غیر آن] را راضی ساختم.

- امام باقر (علیه السلام): هنگام رو کردن به سوی خداوند در نماز، کافی است که
بگویی: به کسی روی آوردم که آسمانها و زمین را آفریده، بر دین پاک
ابراهیم هستم، مسلمانم و از مشرکان نیستم. همانا نماز و عبادتم و
زندگی و مرگم برای پروردگار بی همتای جهانیان است و به این فرمان
یافته ام و بدان تسلیم هستم. و يك تكبير [برای آغاز نماز] کفایت می کند.
- امام صادق (علیه السلام): هنگامی که برای نماز برخاستی بگو: خدایا من محمد
(صلی الله علیه وآله) را

پیشاپیش نیازم، قرار می دهم و با او به سوی تو روی می آورم. پس مرا
در دنیا و آخرت به او آبرومند و از نزدیکان، قرار ده. نمازم را به او
پذیرفته و گناهم را به او آمرزیده و دعایم را به او روا شده، قرار ده. تو و
فقط تو آمرزشگر و مهربانی.

- هنگام آغاز نماز کف دستانت را بالا ببر و آن ها را کاملا بگشای. سه تکبیر
بگو و سپس بگو: " خدایا تو پادشاه حقیقی هستی، جز تو خدایی
نیست، تو را تسبیح می کنم، بی گمان به خود ستم کردم، پس گناهم را
پوشان که جز تو، کسی گناهان را نمی پوشاند ". پس دو تکبیر می گویی
و سپس بگو: " آماده و حاضر، نیکی در دستان توست و بدی به تو راه
ندارد. ره یافته آن است، که تو برایش ره نمودی. پناهگاهی از تو جز به
سوی تو نیست. منزّه و بخشاینده ای، مبارك و والایی، منزهی ای
پروردگار خانه ". پس دو تکبیر می گویی و پس از آن می گویی: " پاکدلانه
به کسی روی آوردم که آسمانها و زمین را آفریده، دانا به آشکار و نهان
است، مسلمانم و از مشرکان نیستم. همانا نماز و عبادتم و زندگی و
مرگم، برای پروردگار بی همتای جهانیان است و به این فرمان یافته ام و
بدان تسلیم هستم. " سپس از شیطان رانده شده به خدا پناه ببر و پس از

آن [سوره] حمد را بخوان.

- امام مهدی (علیه السلام) - به محمد بن عبد الله حمیری که از توجه برای نماز
پرسیده

بود :- هیچ يك از " توجه " ها واجب نیست. و سنت مؤکد در آن که
همچون اجماع و بدون اختلاف است، این است: " به کسی روی آوردم
که آسمانها و زمین را آفریده، بر دین پاک ابراهیم هستم و مسلمانم، بر
دین محمد و هدایت امیر مؤمنانم و از مشرکان نیستم. همانا نماز و
عبادت و زندگی و مرگم برای پروردگار بی همتای جهانیان است و به
این فرمان یافته ام و بدان تسلیم هستم. خدایا مرا از مسلمانان قرار ده، از
شیطان رانده شده به خداوند شنوا و دانا پناه می برم ". سپس سوره حمد
را می خوانی.

/ ۱۳

پناه جستن

- ابو سعید خدری: پیامبر (صلی الله علیه وآله) پیش از قرائت [حمد در نماز] چنین
می گفت:

از شیطان رانده شده به خداوند پناه می برم.

- حنان بن سدیر: نماز مغرب را پشت سر امام صادق (علیه السلام) خواندم. پس با
صدایی آشکار استعاذه کرد: " از شیطان رانده شده، به خدای شنوا و دانا
پناه می برم و از اینکه نزد من آیند به خدا پناه می برم. " سپس " بسم الله
الرحمن الرحیم " را آشکارا گفت.

/ ۱۳

آشکارا گفتن بسم الله

- پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله): جبرئیل نزد آمد و نماز را به من آموزش داد. پس
" بسم الله

الرحمن الرحيم " را آشکارا گفت.

- زيد بن علي: بر امام باقر (عليه السلام) وارد شدم. " بسم الله الرحمن الرحيم " را یاد کرد و گفت: می دانی در باره " بسم الله الرحمن الرحيم " چه نازل شده است؟ گفتم: نه. فرمود: همانا پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله) خوش صداترین مردم در خواندن قرآن بود. در صحن کعبه (۱) با صدای بلند نماز می خواند و عتبه بن ربیع و شیبه بن ربیع و ابو جهل بن هشام و گروهی از آنان به قرائت او گوش می دادند. و بسیار می شد که حضرت " بسم الله الرحمن الرحيم " را قرائت و صدای خود را به آن بلند می کرد. پس آن ها می گفتند: همانا محمد نام پروردگارش را تکرار می کند، آن هم چه تکراری. بی گمان خدایش را دوست دارد. پس فرمان می دادند کسی بایستد و به حضرت گوش بسپارد تا پس از خواندن بسم الله آن ها را برای شنیدن بقیه قرائت حضرت خبر کند. پس خداوند در این باره نازل کرد: " و چون در نماز پروردگارت را به یگانگی یاد می کنی " [یعنی چون] بسم الله الرحمن الرحيم، می گویی، " با نفرت پشت کنند ".

- امام صادق (عليه السلام): پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله) هنگامی که با مردم نماز می گزارد، " بسم الله الرحمن الرحيم " را آشکارا می گفت. پس منافقانی که در پشت سر حضرت بودند، صفهای نماز را ترك می کردند و هنگامی که پیامبر از بسم الله سوره می گذشت، به جایگاهشان باز می گشتند و به یکدیگر می گفتند: محمد نام پروردگارش را تکرار می کند، آن هم چه تکراری. بی گمان پروردگارش را دوست دارد. پس خداوند در این باره نازل کرد: " و چون در نماز پروردگارت را به یگانگی یاد می کنی، با نفرت پشت می کنند ".

- " بسم الله الرحمن الرحيم " سزاوارترین جزء نماز به آشکار کردن است. به سبب گفته خداوند عز وجل: " و چون در نماز پروردگارت را به یگانگی یاد می کنی، با نفرت پشت کنند ".

(۱) منظور از حیاط و صحن دور کعبه، همان مسجد الحرام است.

- خاندان حضرت محمد (صلی الله علیه وآله) بر آشکارا گفتن " بسم الله الرحمن الرحیم "،
اجماع کرده اند.

- صفوان جمال: چند روز پشت سر امام صادق (علیه السلام) نماز خواندم. " بسم الله

الرحمن الرحیم " را در نمازهایی که آشکارا خوانده نمی شود، آشکار می کرد و این را هم در هر دو سوره [حمد و سوره پس از آن] می کرد.
- امام رضا (علیه السلام): آشکار کردن " بسم الله الرحمن الرحیم " در همه نمازها، سنت است.

- رجاء بن ابی ضحاک - در توصیف نماز امام رضا (علیه السلام) :- " بسم الله الرحمن الرحیم " را آشکارا می گفت.

- امام عسکری (علیه السلام): نشانه های مؤمن پنج چیز است: پنجاه رکعت نماز (۱)،

زیارت اربعین، انگشتر به دست کردن، پیشانی بر خاک نهادن و آشکارا گفتن " بسم الله الرحمن الرحیم ".

/ ۱۳

آرامش تن

- پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله): از کمالات نماز، ساکن بودن اندام بدن است.

- هر کس از شما که به نماز می ایستد، اندام خود را ساکن سازد و مانند یهودیان کج نگردد که ساکن بودن اندام از کمالات نماز است.

- سالم بن عبد الله: عقبه بن عمرو گفت: چگونه که دیدم پیامبر نماز

می خواند، برایتان نماز نگزارم؟ گفتیم: چرا، پس برخاست و نماز

گزارد. هنگام رکوع، کف دستانش را بر زانوان و انگشتانش را در پشت

زانوها نهاد و بازوهایش را از زیر بغل دور ساخت تا تمام بدنش آرام

(۱) در سه منبع دیگر این حدیث، به جای " پنجاه "، پنجاه و یک رکعت آمده است. این اختلاف ناشی از چگونگی محاسبه نافله عشا است که به علت نشسته خواندن، آن دو رکعت، یک رکعت شمرده می شود.

گرفت. سپس سر بر داشت و ایستاد تا تنش آرام گرفت. سپس سجده کرد و بازوهایش را از زیر بغل دور ساخت تا اینکه بدنش آرام گرفت. سپس سرش را بلند کرد و نشست تا بدنش آرام گرفت و چهار رکعت این گونه خواند. سپس گفت: پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله) را دیدم این گونه نماز می خواند و همین گونه هم برای ما نماز می گزارد.

/ ۱۳

درنگ کردن

- در آنچه خداوند متعال به حضرت موسی بن عمران (علیه السلام) وحی کرد، آمده بود: ای موسی، توبه را پیش و گناه را به تأخیر انداز و هنگام به نماز ایستادن در پیشگاه من، درنگ کن.

- پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله): هر کس نماز را طول بدهد، خداوند در روز قیامت، روزی

که مردم برای پروردگار جهانیان مایستند، ایستادن را از او بر می دارد.

- امام صادق (علیه السلام): هنگامی که تنها نماز می خوانی، نماز را طول بده که عبادت

است.

/ ۱۳

بینی به خاک مالیدن

- پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله): کسی که بینش را همچون پیشانی به خاک نرساند، نماز

(کامل) ندارد.

- خداوند نماز کسی که بینش را به خاک نمی رساند، نمی پذیرد.

- ابن عباس: پیامبر (صلی الله علیه وآله) بر مردی که نماز می خواند، گذر کرد. او در سجده

پیشانیش را بر زمین می نهاد ولی بینش را نه. پس پیامبر فرمود: بینیت را بر خاک بنه، تا با تو سجده کند.

- پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله): سجده بر پیشانی واجب و بر بینی مستحب است.

- امام باقر (علیه السلام): پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله) فرمود: سجده بر هفت استخوان است: پیشانی، دو دست، دو زانو و دو انگشت شست پا. بینیت را نیز به گونه ای به خاک مسایی، ولی واجب، همین هفت عضو است و اما به خاک مالیدن بینی، سنتی از پیامبر خداست (۱).
فایده:

علامه مجلسی: بدان که فقیهان شیعه بر مستحب بودن به خاک مالیدن بینی اجماع کرده اند... و به این منظور هر جزء از بینی را به خاک برسانی کافی است.

ب: آداب باطنی

- پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله): دو نفر از امتم به نماز مایستند و رکوع و سجودی یکسان دارند، حال آنکه نمازهایشان به اندازه آسمان و زمین از هم دور است.
- امام حسن (علیه السلام): دو نفر در یک نمازند، حال آنکه پادشاهایشان به اندازه آسمان و زمین از هم فاصله دارد.

۱۳ /

حضور قلب داشتن

- پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله): ای مردم، همانا نماز گزار هنگام نماز، با پروردگار بزرگ و بلند مرتبه اش مناجات می کند. پس باید بداند چه می گوید.
- هر گاه بنده به نماز بایستد و گرایش و دلش به سوی خدا باشد، همچون روزی که از مادر زاده شده باز می گردد.
- هیچ یک از شما نیست که وضویی کامل بسازد، سپس برخیزد و دو رکعت نماز با توجه و حضور قلب بخواند، مگر اینکه آمرزیده و بهشت

(۱) در نقل "خصال" این حدیث، به پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله) منسوب نشده است.

برایش واجب می شود.

- هر کس دو رکعت نماز بگذارد و در آن به هیچ کار دنیایی نیاندیشد، خداوند گناهانش را مآمرزد.

- بنده نماز می خواند و يك ششم [يك سوم] و حتی يك دهم آن را هم نمی نویسند. از نماز بنده، فقط آنچه را که درك می کند می نویسند.

- از معصوم روایت شده است: برای تو از نمازت - جز آن مقدار که حضور قلب داری - چیزی نیست.

- پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله): دو رکعت نماز مختصر با تفکر، بهتر از يك شب به عبادت ایستادن است.

- از معصومان روایت شده است: دو رکعت نماز با تدبر، بهتر از يك شب به عبادت ایستادن با قلبی بی توجه است.

- پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله): خداوند نماز بنده ای را که دلش همراه تنش نیست، نمی پذیرد.

- امام باقر (علیه السلام) و امام صادق (علیه السلام): برای تو از نمازت، فقط آنچه که به آن توجه داری هست. پس اگر همه آن را به وهم و خیال بگذرانند یا از انجامش غفلت بورزد، نمازش را درهم می پیچند و به صورتش می زنند.

- امام صادق (علیه السلام): هر کس دو رکعت نماز بگذارد و بداند که چه می گوید، بی هیچ گناهی میان او و خدایش باز می گردد.

- امام باقر (علیه السلام): هنگامی که به نماز می ایستی، پیوسته باتوجه باش که از آن، فقط آنچه توجه داری به حساب می آید.

- امام صادق (علیه السلام): همانا من دوست دارم شخص با ایمان شما هنگامی که به نماز واجب می ایستد، دلش را به سوی خدا کند و به کار دنیایی مشغول ندارد. هیچ شخص با ایمانی در نماز دل به سوی خدا نمی کند مگر اینکه خداوند به او رو می آورد و دلهای مؤمنان را به او علاقمند می سازد، پس از آنکه خود نیز او را دوست دارد.

- هنگامی که به قبله رو کردی، دنیا را و آنچه در آن است و مردم را و آنچه در پی آنند، فراموش کن و به چشم دل، بزرگی خدا را نظاره کن و ایستادنت را در پیشگاهش - آن روز که هر کس از آنچه فرستاده آگاه می شود و به سوی مولای حقیقیش باز گردانده می شود - به یاد آر، ایستادنی بر یک پای ترس و یک پای امید. پس هنگامی که خدا را بزرگ دانستی (تکبیر گفتی)، آنچه را در میان آسمان برین و خاک زیرین است کوچک بشمار، بی گمان آن هنگام که خداوند از دل کسی که او را بزرگ شمرده اما از حقیقت آن امتناع دارد آگاه شود، می گوید: ای دروغگو آیا مرا گول می زنی؟ به عزت و جلالم سوگند، از شیرینی ذکرم محروم می سازم و از نزدیکی به درگاهم و شادمانی مناجاتم، مانع می شوم. و بدان که خدا به خدمت تو احتیاجی ندارد و از عبادت و دعای تو بی نیاز است و تنها برای این دعوت کرده که تو را ببخشاید و از مجازاتش دور کند و برکتهای رحمتش را به تو مژده دهد و راه رضایتش را به تو بنماید و در آمرزشش را بر تو بگشاید.

- از سنتهای ادریس: هنگامی که به نماز داخل شدید، فکر و ذکر خود را به آن مشغول کنید و خدا را با پاکی و خالی بودن از غیر بخوانید و مصلحت و سود خویش را با خواری و فروتنی و فرمانبرداری و بسچارگی از او بجوید.

/ ۱۳

فروتنی

قرآن:

" حتما مومنان رستگار شدند. آنان که در نمازشان فروتنند. "

- امام علی (علیه السلام) - در باره گفته خداوند: " آنان که در نمازشان فروتنند "

- فرمود:

منظور، فروتنی در دل است و این که مسلمانان را در سایه مهر خود بگیری و در نماز به این سو و آن سو رو نکنی.

- امام صادق (علیه السلام): هنگامی که نماز را آغاز کردی، فروتن باش و به نمازت توجه کن که خداوند می فرماید: " آنان که در نمازشان فروتنند "
- در باره گفته خداوند متعال: " آنان که در نمازشان فروتنند " - فرمود: فروتنی، پایین انداختن نگاه در نماز است.
- پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله): کسی که در نمازش فروتنی نکند، نمازی ندارد.
- امام علی (علیه السلام): پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله) مردی را دید که در نماز با ریشش بازی می کند.
- پس فرمود: اگر دلش فروتن می بود، اندامش نیز فروتن می شد.
- انسان باید در نمازش فروتنی کند، که اگر کسی دلش برای خدای عز و جل فروتن باشد، اندامش نیز فروتن می شود و با چیزی بازی نمی کند (۱).
- این گونه نیست که فقط نماز بخوانی و روزه بگیری و صدقه بدهی، بلکه چنین باید که نماز با دلی پاک و عملی مقبول خداوند و خشوعی استوار باشد.
- پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله): نگاهت را به سجده گاهت، بدوز.
- فروتن آن است که به راست و چپش پی نمی برد، تنها به سجده گاهش منگرد.
- امام باقر (علیه السلام): نگاهت را به پایین فرو انداز و به سوی آسمان بالا مبر. باید
- چهره ات درست رو به سجده گاهت باشد.

(۱) در نقل تحف العقول چنین آمده است: " که اگر کسی برای خدا در رکعتی فروتنی کند، در نماز با چیزی بازی نمی کند " .

- امام صادق (علیه السلام) - به کسی که پرسیده بود: آیا مرد در نماز می‌گرید؟ -
فرمود:

به به چه نیکوست، حتی اگر به اندازه سر مگس باشد.
- به کسی که پرسیده بود: آیا گریستن در نماز، آن را باطل می‌سازد؟ - : اگر
به سبب یاد بهشت و دوزخ بگرید، که برترین کار در نماز است و اگر به
سبب یاد کسی از مردگانش باشد، نمازش باطل است.
- به کسی که پرسیده بود مردی خودش را در نماز واجب گریان نشان
می‌دهد تا اینکه واقعا می‌گرید - : به خدا سوگند روشنی چشم است. و
فرمود: هنگامی که چنین شد، مرا نزد او یاد کن.

نماز خواندن مانند نماز خدا حافظی کننده

- پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله): مانند کسی که آخرین نمازش را می‌خواند، نماز
بگزار،

گویی او (خدا) را می‌بینی، پس اگر تو او را نمی‌بینی، او تو را می‌بیند.
- ابو ایوب: مردی نزد پیامبر (صلی الله علیه وآله) آمد و گفت: ای پیامبر خدا، به
من بیاموز و

مختصر کن. حضرت فرمود: هنگامی که به نماز ایستادی، همچون
کسی که آخرین نمازش را می‌خواند، نماز بگزار.

- پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله): در نماز، مرگ را به یاد آر که هر گاه انسان
مرگ را در نماز به

یاد آورد، سزایند است که نمازش را نیکو بگذارد و مانند کسی نماز
بخوان که گمان نمی‌برد جز آن، نماز دیگری بخواند.

- امام صادق (علیه السلام): هنگامی که نماز واجب می‌خوانی در وقتش بخوان،
همچون نماز کسی که خدا حافظی می‌کند و مترسد هیچ گاه بدان
بازنگردد. سپس نگاهت را به سجده گاهت بدوز، اگر می‌دانستی در
راست و چپ چه کسانی نماز را نیکو می‌گزاردی، پس بدان که در
پیشگاه کسی هستی که تو را می‌بیند و تو او را نمی‌بینی.

فصل چهاردهم تکبیر و آداب آن

- پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله): هر چیز گزیده ای دارد و گزیده نماز، تکبیر نخستین است.
- هر چیز آغازی دارد و آغاز نماز، تکبیر نخستین است. پس بر آن مواظبت ورزید.
- نماز، با طهارت گشوده می شود، با تکبیر گفتن آغاز می گردد و با سلام دادن پایان می پذیرد.
- امام باقر (علیه السلام): يك تکبیر، برای آغاز کردن نماز، کافی، سه تکبیر، بهتر و هفت تکبیر، بهترین است.

- امام علی (علیه السلام): هنگامی که این آیه بر پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) نازل شد: " ما به تو کوثر را بخشیدیم. پس برای پروردگارت نماز بخوان و نحر کن "، پیامبر فرمود: ای جبرئیل، این قربانی " نحر " که پروردگارم مرا به آن فرمان داده، چیست؟ جبرئیل گفت: آن، فرمان قربانی کردن نیست، بلکه دستور می دهد هنگام تکبیر در آغاز نماز و رکوع و سر از رکوع برداشتن، دستهای خود را بالا ببری که نماز ما و فرشتگان هفت آسمان چنین است. پیامبر فرمود: بالا بردن دست همان فروتنی است که خدای عز و جل فرمود: " برای

پروردگارشان فروتنی و خاکساری نکردند " (۱).
- علقمه بن وائل از پدرش: پشت سر پیامبر نماز خواندم، هنگام آغاز نماز تکبیر گفت و دستهایش را بالا برد و نیز هنگامی که خواست به رکوع برود و پس از رکوع (۲).
- امام علی (علیه السلام) - در وصف نماز پیامبر - : هنگامی که به نماز واجب می ایستاد

تکبیر می گفت و دستهایش را تا روبروی شانه هایش بالا می آورد و هنگامی که می خواست به رکوع برود و نیز پس از برخاستن چنین می کرد و هنگام نشستن در نماز، هیچ گاه دستهایش را بالا نمی آورد و هنگامی که از دو سجده بر می خاست دستهایش را تا شانه هایش بالا می آورد و تکبیر می گفت.

- امام صادق (علیه السلام): سفارش پیامبر به علی چنین بود: پیوسته دستهایت را در نماز بالا ببر و آن ها را (به طرف قبله) بچرخان (۳).

- امام علی (علیه السلام): بالا بردن دست در نماز، همان بندگی است.

- امام صادق (علیه السلام) - در باره کسی که پیش از رکوع و سجود و نیز پس از سر برداشتن، دستهایش را بالا می آورد - فرمود: آن بندگی است.

- بالا آوردن دستهایت در نماز، زینت آن است.

- منصور بن حازم: امام صادق (علیه السلام) را در آغاز نماز دیدم که دستهایش را تا برابر صورتش بالا آورد و کف هر دو دستش را رو به قبله کرد.

- هشام بن حکم: به امام کاظم (علیه السلام) عرض کردم: به چه علت بهتر است در

(۱) در تفسیر " الدر المنثور " و " ابن کثیر " پس از عبارت " هفت آسمان " آمده است: و برای هر چیز زینتی است و زینت نماز، بالا بردن دستها در هر تکبیر است. در تفسیر ابن کثیر عبارت " بالا بردن دست همان فروتنی... " نمی باشد.

(۲) در " دعائم " چنین آمده است: پیامبر خدا هنگام گفتن تکبیر نخستین نماز، دستهایش را تا روبروی گوشهایش بالا می آورد و نیز هنگام تکبیر رکوع و سر برداشتن از آن.

(۳) در " محاسن " آمده است: " همواره دستهایت را به سوی خدایت بالا ببر و (به طرف قبله) بچرخان "

آغاز نماز هفت تکبیر گفته شود؟ امام فرمود: ای هشام، همانا خدای تبارک و تعالی آسمانها را هفت، زمینها را هفت و حجابها را هفت عدد قرار داده است. پس هنگامی که پیامبر را به معراج برد و فاصله ای به اندازه دو سر کمان یا کمتر از آن داشت، حجابی از حجابهایش را زدود. پس پیامبر تکبیر گفت و آغاز به گفتن کلمه هایی کرد که در شروع نماز گفته می شود. سپس هنگامی که حجاب دوم زدوده شد، تکبیر گفت و همین گونه بود تا به حجاب هفتم رسید و هفت تکبیر گفت. بدین علت، هنگام آغاز نماز هفت تکبیر گفته می شود.

- امام رضا (علیه السلام): اگر گفته شود چرا در تکبیر دستها بالا آورده می شود؟ گفته

می شود: چون بالا آوردن دستها گونه ای دعا، انقطاع و خاکساری است و خدای عز و جل دوست داشت هنگام یاد او منقطع، خاکسار و خواستار باشیم. و نیز هنگام بالا آوردن دست ها، حاضر کردن نیت است و توجه دادن دل به آنچه می گوید.

فصل پانزدهم

آداب رکوع

- امام علی (علیه السلام): پیامبر هنگامی که رکوع می کرد، می گفت: خدایا برای تو

رکوع کردم و به تو ایمان آوردم و فرمان تو را بردم. تو پروردگار منی.

چشم و گوش و مغز و استخوانم، رگ و پی و آنچه پاهایم تحمل

می کند (همه تنم) برای پروردگار جهانیان فروتنی و تعظیم می کند.

- ابن عباس: پیامبر خدا هنگام رکوع، صاف و راست بود به گونه ای که اگر

بر پشت حضرت آب ریخته می شد، ثابت می ماند.

- امام صادق (علیه السلام): علی (علیه السلام) در رکوع صاف و معتدل بود. حتی

گفته می شود: اگر

بر پشت حضرت آب ریخته می شد، در همانجا می ماند و پائین

انداختن سر و شانه را در رکوع ناپسند می داشت.

- امام باقر (علیه السلام): هر کس رکوعش را کامل بگذارد، گرفتار وحشت قبر

نمی شود.

- هرگاه خواستی به رکوع به روی، در همان حال که ایستاده ای تکبیر بگو.

سپس رکوع کن و سه بار آرام و شمرده بگو: " خدایا برای تو رکوع کردم

و تسلیم تو هستم و به تو ایمان آوردم و بر تو توکل کردم و تویی

پروردگار من. دل و چشم و گوش و مو و پوست و گوشت و خون و استخوان و مغز و رگ و پیم، در برابر تو فروتن است بی هیچ امتناع و سرکشی و درماندگی. پروردگار بزرگم را تسبیح می کنم و مستایم ". در رکوع دو پایت را در يك ردیف و با فاصله يك وجب، می نهی و دو زانویت را در کف دستانت می گیری و دست راست را بر زانوی راست و پیش از دست چپت می گذاری و با سر انگشتانت برآمدگی زانویت را نیک در بر گیر. و هنگامی که انگشتانت را بر زانو نهادی، آن ها را از هم باز کن، کمر و گردنت را کشیده و صاف کن و نگاهت به میان دو قدمت باشد. سپس بگو: " خداوند به هر که او را مستاید. گوش می دهد ". و در حالی که راست ایستاده ای: " سپاس پروردگار جهانیان را که شایسته قدرت و کبریایی است، بزرگی، مخصوص به خداست که پروردگار جهانیان است ". صدایت را بدان بلند می کنی و سپس دستهایت را به تکبیر بالا می بری و به سجده می افتی.

– امام صادق (علیه السلام): هنگامی که سر از رکوع برداشتی، کمرت را راست کن، که هر کس چنین نکند نمازی ندارد (۱).

(۱) در " معانی الأخبار " چنین آمده است: " برای کسی که کمرش را در رکوع و سجودش راست نکرده، نمازی نیست ".

فصل شانزدهم

آداب سجده

- پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله): سجده بر هفت استخوان است: پیشانی، دو

دست (۱)، دو

زانو، دو انگشت شست [پا] و بینیت را نیز بر خاک می نهی (۲).

- محمد بن مسلم: امام صادق (علیه السلام) را دیدم هنگام سجده کردن، دستانش را

پیش از زانویش بر زمین می نهاد و هنگام برخاستن، زانویش را پیش از

دستانش بلند می کرد.

- امام صادق (علیه السلام): علی صلوات الله علیه هنگام سجود، سینه و شکمش را

بالای زمین نگه می داشت، همانگونه که شتر لاغر و باریک میان

سینه اش را بالا می دارد.

- زن هنگام سجده، ساعدهای دستش را [بر زمین] می گسترده.

- شایسته است نمازگزار پیشانیش را بر زمین بنهد و صورتش را به خاک

بمالد، که این کوچکی کردن برای خدای عز و جل و بزرگداشت اوست.

(۱) در نقل "خصال" به جای "دو دست"، "دو کف" آمده است.

(۲) در نقل "قرب الاسناد" چنین آمده است: "آدمزاده بر هفت استخوان سجده می کند: دو دستش،

دو

پایش، دو زانویش و پیشانیش".

- هرگاه بنده سجده کند و آن را طول دهد، ابلیس فریاد بر می آورد: ای وای!
او اطاعت کرد و من سرپیچی، او سجده کرد و من خودداری.
- امام کاظم (علیه السلام) - در نامه ای به یکی از یارانش - : هنگام نماز، سجده را
طول
بده.

فصل هفدهم

آداب رکوع و سجود

- پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله): همانا من از قرائت [قرآن] در رکوع و سجود، نهی شدم.

پس در رکوع، خداوند را بزرگ بشمارید و در سجود، بسیار دعا کنید، که سزاوار برآورده شدن است.

- ابوبکر حضرمی: امام باقر (علیه السلام) فرمود: می دانی حد رکوع و سجود چیست؟

گفتم: نه. فرمود: در رکوع سه مرتبه " سبحان ربی العظیم و بحمده " می گویی و در سجود سه مرتبه " سبحان ربی الاعلی و بحمده ". پس هر کس یکی کمتر بگوید، یک سوم نمازش را نیاورده است و هر کس دو تا کمتر بگوید دو سوم نماز را کم گذاشته است و هر کس تسبیح نکرد، نمازی ندارد.

- برید عجلی: به امام باقر (علیه السلام) عرض کردم: کدام یک بهتر است؟ قرائت بسیار

یا طول دادن رکوع و سجود؟ فرمود: طول دادن رکوع و سجود در نماز، بهتر است. آیا گفته خدای عز و جل را نشنیده ای: " پس آن اندازه که متوانید از آن (قرآن) بخوانید و نماز بر پا دارید ". منظور از برپا داشتن نماز، تنها طول دادن رکوع و سجده است.

- امام باقر (علیه السلام): هر کس در رکوع و سجود و قیامش بگوید: " خداوند بر محمد و خاندانش درود فرستد " خداوند (پاداشی) همچون رکوع و سجود و قیام برایش منویسد.

- امام صادق (علیه السلام): از خداوند پروا کنید و رکوع و سجود را نیکو بیاورید.

- زراره: از امام صادق (علیه السلام) شنیدم که می فرمود: سه چیز است که اگر شخص با ایمان بداند، سبب افزایش عمر و پایداری نعمتش می گردد. گفتم: آن ها چیستند؟ فرمود: رکوع و سجودش را در نماز طول بدهد و...

- امام صادق (علیه السلام): هنگام نشستن در نماز، بر طرف راست منشین، بلکه بر چپ بنشین و در سجده، کف دست را بر زمین بگستر و در رکوع برآمدگی زانوانت را در کف دستانت بگیر.

- هشام بن سالم: از امام صادق تسبیح در رکوع و سجود را پرسیدم، فرمود: (نماز گزار) در رکوع می گوید: " سبحان ربی العظیم " و در سجود می گوید: " سبحان ربی الاعلی ". تعداد واجبش يك تسبیح، سه بار سنت و فضیلت در هفت بار است (۱).

- معاویه بن عمار: به امام صادق (علیه السلام) عرض کردم: مختصرترین تسبیح در نماز چیست؟ فرمود: سه تسبیح شمرده می گویی: " سبحان الله، سبحان الله، سبحان الله "

- عبد الله بن سلیمان: از امام صادق پرسیدم کسی در رکوع یا سجود نماز واجب، پیامبر را یاد می کند، در همان حال صلوات بفرستد؟ فرمود: بلی، همانا صلوات بر پیامبر خدا همچون تکبیر و تسبیح می باشد و آن ده حسنه است، که هجده فرشته برای رساندنش بر یکدیگر پیشی می گیرند.

(۱) در نقل عوالی اللالی چنین آمده است: " هفت بار افضل است "

- سماعه: از ایشان (۱) پرسیدم آیا رکوع و سجود در قرآن نازل شده است؟ فرمود: بلی، گفته خدای عز و جل: " ای ایمان آورندگان، رکوع و سجود کنید ". پس گفتم: حد رکوع و سجود چیست؟ فرمود: آنچه از رکوع کفایت می کند، سه تسبیح است. می گویی: سبحان الله، سبحان الله، تا سه بار و هر کس که توان طول دادن رکوع و سجودش را دارد، آن دو را تا آنجا که می تواند با تسبیح و ستایش و بزرگداشت خداوند و دعا و زاری طول بدهد که بنده در سجده از هر وقت دیگر به پروردگارش نزدیکتر است. و اما امام هنگامی که برای مردم اقامه جماعت می کند، سزاوار نیست که نماز را با آنان طول بدهد، زیرا در میان مردم، اشخاص ناتوان و گرفتار هستند، همانا پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) هنگامی که با مردم نماز می خواند بر آنان

سبک می گرفت (۲).

- زراره: هر گاه زن به نماز می ایستد، دو پایش را کنار هم می نهد و میان آن دو فاصله نمی دهد و دستانش را به سبب پستانهایش به سینه مچسباند و در رکوع، بر بالای زانوانش و رانش می نهد تا زیاد خم نشود و سرینش بالا بیاید. در نشستن بر سرین بنشیند و نه آنگونه که مرد می نشیند و هنگامی که به سجده می رود زانوانش را پیش از دستانش بر زمین می گذارد و سپس چسبیده به زمین سجده می کند، در نشستن رانهایش را به هم مچسباند و زانوانش را از زمین بلند می کند و هنگام برخاستن نرم و آهسته بر می خیزد و نخست سرینش را بلند

(۱) دانشمندان حدیث شناس به این گونه احادیث " مضمّر " می گویند، زیرا راوی، گوینده سخن را با ضمیر یاد کرده است. تحقیقات گسترده، گوینده برخی از این احادیث را معین کرده است که در اینجا به احتمال فراوان امام صادق (علیه السلام) می باشد.

(۲) " استبصار " فقط از ابتدای حدیث تا " سه بار سبحان الله " را آورده است.

نمی کند.
- امام رضا (علیه السلام): اگر گفته شود: چرا تسبیح و رکوع و سجود واجب شده است؟

گفته می شود: به چند علت، از جمله اینکه بنده با افتادگی و فروتنی و بندگی و پرهیز و خواری و سرشکستگی و تواضع و نزدیکی به پروردگارش، به تمجید و تقدیس و بزرگداشت و سپاسگزاری آفریننده و روزی دهنده اش می پردازد، و برای اینکه تسبیح و سپاسگزاری نیز بکند، همانگونه که تکبیر و تهلیل کرده است و همچنین دل و ذهنش را به یاد خدا مشغول دارد و فکر و خیال و آرزوهایش، او را به سوی غیر خدا نکشانند (۱).

(۱) در "عیون اخبار الرضا (علیه السلام)" چنین آمده است: "چرا تسبیح در رکوع و سجود واجب شده است؟" و این درست تر می نماید.

فصل هیجدهم

آداب برخاستن از سجده

- اصبع بن نباته: امیر مؤمنان (علیه السلام) هر گاه سر از سجده بلند می کرد، می نشست

تا آرام گیرد، سپس بر می خاست.

- امام صادق (علیه السلام): هر گاه مردی سجده کرد و خواست برخیزد، با همه دستش

بر زمین تکیه نکند، بلکه (فقط) کف دستانش را بر زمین بگسترده بی آنکه نشیمنگاهش را بر زمین نهد (۱).

- امام کاظم (علیه السلام): هنگامی که سر از سجده دومت در نماز برداشتی، پیش از

برخاستن اندکی بنشین، سپس زانوانت را پیش از دستانت بر زمین بگذار و دستانت را باز کن و با تکیه به هر دو برخیز که این وقار مرد مؤمن فروتن در برابر پروردگارش است.

- امام صادق (علیه السلام): هر گاه علی (علیه السلام) از دو رکعت اول بر می خاست، می گفت: با

توانایی و نیروی تو بر مخیزم و می نشینم (۲).

- هر گاه از سجده بر مخیزی و می ایستی، بگو: "خدایا، پروردگارم با

(۱) یعنی چون پیران و ناتوانان بر نخیزد.

(۲) در "استبصار" چنین آمده است: "علی (علیه السلام) هر گاه از سجده بر می خاست و می ایستاد، می گفت...".

توانایی و نیروی تو بر مخیزم و می نشینم " و اگر خواستی بگو: " و رکوع و سجود می کنم ".
- هر گاه پس از پایان رکعتی بر مخیزی، بر کف دستانت تکیه کن و بگو:
" با توانایی خداوند و نیروی او بر مخیزم و می نشینم "، که علی (علیه السلام) این گونه می کرد.

فصل نوزدهم

قنوت و آداب آن

- براء بن عازب: پیامبر (صلی الله علیه وآله) نماز واجب نمی گزارد، جز اینکه در آن قنوت می خواند.

- امام باقر (علیه السلام): قنوت در هر نمازی (مشروع) است.

- قنوت در هر دو رکعت هست، واجب باشد یا مستحب.

- امام صادق (علیه السلام): هر کس از روی بی میلی قنوت را ترک کند، نمازی برای او نیست.

- صفوان جمال: چند روز پشت سر امام صادق (علیه السلام) نماز گزاردم. در همه نمازها قنوت می خواند، هم آن هایی که بلند و هم نمازهایی که آهسته خوانده می شود.

- امام صادق (علیه السلام): قنوت در نماز واجب، دعا و در وتر، استغفار است.

- پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله): آن که قنوتش را در دنیا بیشتر طول دهد، در توقفگاه روز قیامت آسوده تر است.

- طول دادن قنوت در نماز، سختی های مرگ را کاهش می دهد.

- هنگامی که ابوذر پرسید کدام نماز برتر است؟ فرمود: نمازی که قنوتش

طولانی باشد.

- از معصومان روایت شده است: برترین نماز، آن است که قنوتش طولانی باشد.

- امام باقر (علیه السلام): همه قنوتها، با صدای بلند خوانده می شود.

- اسماعیل بن فضل: از امام صادق (علیه السلام) درباره قنوت و آنچه در آن گفته می شود، پرسیدم. حضرت فرمود: هر آنچه خداوند بر زبانت جاری کرد و برای آن چیز خاصی نمی دانم.

- امام صادق (علیه السلام): کافی است در قنوت بگویی: "خدایا ما را بیامرز و بر ما

رحمت آور و به ما عافیت ده و از ما در دنیا و آخرت در گذر که تو بر هر کار توانایی".

- ابو بکر بن ابی سمال: نماز صبح را پشت سر امام صادق (علیه السلام) خواندم، هنگامی که در رکعت دوم، قرائتش را تمام کرد با صدایی نزدیک به بلندی صدای قرائتش گفت: "خدایا ما را بیامرز و بر ما رحمت آور و به ما عافیت ده و از ما در دنیا و آخرت در گذر که تو بر هر کار توانایی".

- قاضی نعمان: دعاهاى گوناگونی برای قنوت نماز صبح، از اهل بیت - درودهای خداوند بر ایشان باد - به ما رسیده است. این دعاها همگی زیبا هستند و از زیباترین آن ها این است که بگویی: خدایا ما از تو یاری می جوئیم و آمرزش می خواهیم و نیکیهایت را سپاس می گوئیم و کفران نمی کنیم. برایت فروتنی می کنیم و از آن که به تو کفر می ورزد، دوری مگزینیم. خدایا فقط تو را میپرستیم و برای تو نماز مگزاریم و

سجده می کنیم و به خدمت تو شتابانیم. به رحمت امید داریم و از عذابت هراسانیم که بی گمان به کافران می رسد. خدایا کافران و منافقان و منکران اولیایت - پیشوایان پاک خاندان پیامبرت - را عذاب کن و بر

آنان کیفر و سختی و خشم و عذابت را فرو فرست. خدایا کافران اهل کتاب و مشرکان را مجازات کن. خدایا مردان و زنان مؤمن را بیمارز و میان آنان را اصلاح کن و با هم الفتشان ده و ایمان و حکمت را در دل‌هایشان بنشان و آن‌ها را بر دین پیامبرت ثابت بدار و در برابر دشمنان تو و خودشان یاریشان کن. خدایا مرا همراه با آنان که ره نمودی ره بنما و سرپرستیم را همچون آنان که سرپرستیشان را پذیرفتی پذیر و در آنچه به من بخشیده‌ای برکت ده و در میان آنان که عافیت داده‌ای، عافیتم بخش و از قضای سوء خود، حفظم کن که تو حکم می‌رانی و بر تو حکمی نمی‌رود و آن که تو دوستش داری، خوار نمی‌شود و آن که تو دشمنش داری سربلند نمی‌گردد. تو مبارک و بزرگی، جز تو خدایی نیست، از تو آمرزش می‌خواهم و به تو باز می‌گردم و نیکویی را از تو ای پروردگار من، در دنیا و آخرت می‌طلبم و از تو می‌خواهم که با رحمتت ما را از عذاب جهنم حفظ کنی (۱).

(۱) در مصنف ابن ابی شیبہ این دعا را به حضرت علی نسبت داده و آن را تا " عذابت به کافران می‌رسد "

نقل کرده است.

فصل بیستم

تشهد و آداب آن

- سورة بن کلب: از امام باقر (علیه السلام) کمترین چیزی را که از تشهد کفایت می کند پرسیدم، فرمود: شهادتین (۱).

- امام صادق (علیه السلام): هر کس نماز بگذارد و بر پیامبر (صلی الله علیه وآله) صلوات نفرستد و آن را از روی قصد ترك کند، نمازی ندارد.

- پرداختن زکات (فطریه) روزه را تمام می کند، همچون صلوات بر پیامبر (علیه السلام) که تمام کننده نماز است. هر کس روزه بگیرد و زکات را از روی قصد نپردازد، روزه ای ندارد و هر کس نماز بگذارد و از روی قصد صلوات بر پیامبر (صلی الله علیه وآله) نفرستد، نمازی ندارد. همانا خداوند متعال پیش از

نماز به آن (زکات) پرداخته و فرموده است: "بی گمان رستگار شد کسی که زکات داد و نام پروردگارش را یاد کرده نماز گزارد".

- تشهد در (پایان) دو رکعت نخست چنین است: سپاس مخصوص خداست، گواهی می دهم که جز خدای یگانه خدایی نیست، همتایی ندارد و گواهی می دهم که محمد بنده و پیامبر اوست. خدایا، بر محمد

(۱) شهادت به یگانگی خدا و رسالت پیامبر.

و خاندانش درود فرست و شفاعتش را در حق امتش بپذیر و درجه اش
را رفیع کن.
- محمد بن ابی نصر: به امام رضا (علیه السلام) عرض کردم: فدایت شوم، همان
تشهد
رکعت دوم را در رکعت چهارم بگویم کفایت می کند؟ فرمود: بلی.

فصل بیست و یکم

سلام و آداب آن

- امام صادق (علیه السلام): هنگامی که در صف (نماز جماعت) هستی، سلامی بر طرف راست و سلامی بر طرف چپ بده، زیرا از سمت چپ کسی بر تو سلام می کند. و اگر امام بودی يك سلام رو به قبله بده.

- مفضل بن عمر: از امام صادق (علیه السلام) حکمت واجب شدن سلام را در نماز پرسیدم، فرمود: چون پایان دادن به نماز (و محرمات در هنگام انجام آن) است.

گفتم: به چه علت بر سمت راست سلام می دهد و بر چپ نمی دهد؟
فرمود: چون فرشته ای که بر نوشتن نیکوییها گمارده شده، در سمت راست و آن که بدیها را منویسد در سمت چپ است و نماز نیکوست و بدی در آن نیست. از این رو بر سمت راست سلام می دهد و نه چپ. گفتم: چرا گفته نمی شود: سلام بر تو و گفته می شود: سلام بر شما و حال آنکه فرشته سمت راست يك نفر است؟ فرمود: چون هم بر او و هم بر آنان که در سمت چپ هستند سلام می دهد و فرشته سمت

راست را با (اختصاص) اشاره به او برتری می بخشد...
گفتم: چرا مأموم سه سلام می دهد؟ فرمود: یکی، جواب سلام امام
جماعت است که برای او و دو فرشته اش می باشد و سلام دوم بر آنان
که سمت راست اویند و نیز دو فرشته گمارده شده بر او و سلام سوم بر
آنان که سمت چپ اویند و نیز دو فرشته گمارده شده بر او و آن که در
سمت چپ کسی نیست بر سمت چپش سلام نمی دهد، مگر اینکه
سمت راستش دیوار و چپش به طرف مأمومی باشد که پشت سر امام
است. پس در این حالت بر سمت چپش سلام می دهد.
گفتم: پس امام بر چه کسی سلام می دهد؟ فرمود: بر دو فرشته اش و
مأمومان. به فرشتگانش می گوید: به سلامت ماندن نمازم را از آنچه
تباهش می کند، بنویسید و به نمازگزاران پشت سرش می گوید: از
عذاب خدای عز وجل در سلامت و امان ماندید.

فصل بیست و دوم

کلیات آداب نماز

- علی بن یحیی بن خالد از طریق پدرش از عموی خود نقل می کند: با پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله) در مسجد نشسته بودم، مردی داخل شد و دو رکعت نماز

خواند، سپس نزد پیامبر آمد و سلام کرد، پیامبر که او را هنگام نماز زیر نظر داشت، پس از جواب سلام، به وی گفت: بازگرد و نماز بخوان که نماز نخوانده ای (و این کار تکرار شد) تا اینکه در نوبت سوم یا چهارم، آن مرد گفت: سوگند به آن که کتاب را بر تو فرو فرستاد، کوشش بسیار کردم و شوقم فزون گشته است، به من نشان ده و آگاهم کن. حضرت فرمود: هر گاه خواستی نماز بخوانی وضویی نیکو بساز. سپس رو به قبله کن و تکبیر بگو و پس از قرائت به رکوع برو تا اینکه در رکوع آرام گیری. سپس بلند شو تا اینکه راست بایستی. سپس به سجده برو تا اینکه در سجده آرام گیری. سپس برخیز تا اینکه آرام بنشینی. سپس به سجده برو تا اینکه آرام گیری. سپس برخیز. پس اگر نمازت را این گونه به پایان بردی تمام است و آنچه از این ها کم کردی، از نمازت کم گذارده ای.

- محمد بن عمرو بن عطا: شنیدم ابوحمید ساعدی در میان ده نفر از اصحاب پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله) که از جمله آنان ابوقتاده بود، گفت: من از همه

شما به نماز پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله) داناترم. گفتند: چطور؟ به خدا سوگند، تو نه

بیشتر از ما با پیامبر بوده ای و نه پیشتر. گفت: چرا، گفتند: عرضه کن. گفت: پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله) هنگامی که به نماز می ایستاد دستانش را تا برابر

شانه هایش بالا می آورد سپس تکبیر می گفت تا اینکه هر استخوان در جای خودش راست می شد و پس از آن به قرائت می پرداخت. سپس تکبیر می گفت و دستانش را تا برابر شانه هایش بالا می آورد. سپس رکوع می کرد و کف دستانش را بر زانوانش می نهاد. سپس خود را کشیده و صاف می کرد بی آنکه سرش را پایین اندازد و یا کج کند و هنگامی که سر از رکوع بر می داشت می گفت: خداوند به کسی که او را مستاید، گوش می دهد. سپس دستانش را تا برابر شانه هایش - کشیده و راست - بالا می آورد و تکبیر می گفت. سپس به زمین می افتاد و دستانش را از پهلوهایش دور می نمود. سپس سر بر می داشت و پای چپش را خم کرده بر آن می نشست. در سجده، انگشتان پایش را باز می نمود و پس از سجده تکبیر می گفت و بر می خاست و پای چپش را خم کرده رویش می نشست، تا هر استخوانی به جای خود باز گردد. سپس در سجده دیگر نیز چنین می کرد. هنگام برخاستن از هر دو رکعت تکبیر می گفت و دستانش را تا برابر شانه هایش بالا می آورد همانگونه که در آغاز نماز می کرد. در بقیه نماز هم این ها را انجام می داد تا اینکه در سجده ای که پس از آن سلام نماز بود، پای چپش را عقب می کشید و بر سرین و طرف چپ بدنش می نشست. (اصحاب) گفتند: راست گفتی. این گونه نماز می خواند.

- امام سجاد (علیه السلام): حق نماز آن است که بدانی در آمدن بر خداوند عز و جل تو

در پیشگاه خداوند عز و جل ایستاده ای. پس اگر این را دانستی، همچون بنده ای خوار و کوچک، خواهان و هراسان، امیدوار و ترسان، بیچاره و گریان، با وقار و اطمینان به بزرگداشت همو که در برابرش ایستاده ای، می پردازی و با دلت به او رو می آوری و نماز را با حدود و حقوقش برپا می داری (۱).

– امام باقر (علیه السلام): هنگامی که در نماز می ایستی، پاهایت را به هم نچسبان و میانشان فاصله ای به اندازه حد اقل يك انگشت و حد اکثر يك وجب بده و شانه هایت را فرو انداز و دستانت را رها کن و انگشتانت را درهم نیاویز بلکه بر رانهایت و در راستای زانوانت باشند و نگاهت به سجده گاهت باشد.

هنگامی که رکوع می کنی دو پایت را در يك ردیف بگذار و میانشان فاصله ای به اندازه يك وجب می دهی و زانوانت را در کف دستانت بگیر و دست راستت را بر زانوی راستت و پیش از دست چپت می نهی و با سر انگشتانت برآمدگی زانویت را نيك در بر گیر و هنگامی که آن ها را بر زانوانت نهادی از هم بازشان کن. اگر سر انگشتانت را در رکوع به زانوانت رساندی کفایت می کند ولی من بیشتر دوست دارم زانوانت را در کف دستانت بگیری و انگشتانت را بر برآمدگی زانوانت بنهی و آن ها را از هم باز کنی. کمرت را راست نگه دار و نگاهت به میان قدمهایت باشد.

هنگامی که خواستی به سجده به روی دستانت را به تکبیر بلند کن و به سجده بیفت و دستانت را با هم و پیش از زانوانت بر زمین بنه و ساعدهای دستانت را چون درندگان بر زمین نگستران و بر زانوان و

(۱) در تحف العقول چنین آمده است: " با سکون و سکوت و فروتنی و نرمی با او راز و نیاز می کنی و از او می خواهی که تو را از بند خطا و هلاکت گناهانت رها کند، که جز خدا، قدرتی نیست ".

رانهایت نیز مگذار بلکه با آرنجهایت بال بساز و کف دستانت را به زانوانت نچسبان و به صورتت نیز نزدیک مگردان، بلکه میان آن دو و در راستای شانه هایت باشد، نه روبروی زانوانت بلکه اندکی از آن ها انحراف داشته باشد. دستانت را کاملا بر زمین بگستران و (پس از سجده) به سوی خود باز گردان و اگر زیر آن ها پارچه ای بود اشکالی ندارد، گر چه به زمین رساندنشان بهتر است و در سجده، انگشتانت را از هم باز مکن، بلکه به هم بچسبان.

هنگامی که برای تشهد نشستی، زانوانت را به زمین بچسبان و کمی میانشان را باز کن و باید روی پای چپت بر زمین باشد و روی پای راستت بر کف پای چپت قرار گیرد و سرینت و نیز سر انگشت شست پای راستت بر زمین باشد و هیچ گاه بر هر دو پایت منشین که به تو آزار می رساند و نیز با (نشیمنگاه) بر زمین منشین که بخشی از تنت بر بخشی دیگر قرار می گیرد و نمی توانی برای تشهد و دعا صبر کنی.

- ابراهیم بن هاشم از حماد بن عیسی: روزی امام صادق (علیه السلام) به من فرمود: ای حماد، آیا می توانی خوب نماز بخوانی؟ به امام عرض کردم: ای سرور من! کتاب حریر را که درباره نماز است در حافظه دارم. حضرت فرمود: عیبی ندارد، ای حماد! برخیز و نماز بخوان.

حماد گوید: در برابر حضرت بیخاستم و رو به قبله نماز را شروع کردم به رکوع رفتم و سجده کردم. آن گاه امام فرمود: ای حماد! نیکو نماز نمی خوانی! چه قدر زشت است فردی از شما شصت یا هفتاد سال بر او بگذرد و یک نماز با آداب و حدود کامل نخواند!

حماد گوید: در خود احساس خواری کردم و به امام گفتم: فدایت شوم، نماز را به من بیاموز. پس امام برخاست، رو به قبله ایستاد و هر دو دستش را بر روی ران خویش نهاد، در حالی که انگشتانش را بسته بود

و دو پای خود را نزدیک هم قرار داد به گونه ای که میان دو پایش به اندازه سه انگشت باز فاصله بود و انگشتان پا را رو به قبله داشت و آن ها را از قبله منحرف نساخت و با فروتنی تکبیر گفت. سپس حمد و " قل هو الله احد " را شمرده خواند. آن گاه به اندازه يك نفس، در همان حال ایستادن، درنگ کرد. سپس دو دست خود را تا رو به روی صورت بالا آورد و در همان حال ایستادن تکبیر گفت. آن گاه به رکوع رفت و با دستانی که انگشتانش باز بود، زانوی خود را گرفت و زانو را به عقب داد تا پشت حضرت کاملاً صاف شد، به گونه ای که به سبب صافی پشت و کشیدگی گردن، اگر قطره ای آب یا روغن بر پشت حضرت ریخته می شد، از جایش تکان نمی خورد. دو چشمش را بست، سپس سه بار شمرده فرمود: " سبحان ربی العظیم وبحمده ". آن گاه راست ایستاد و چون استقرار کامل پیدا کرد، فرمود: " سمع الله لمن حمده ". سپس در حال ایستاده تکبیر گفت و دست ها را تا رو به روی صورت بالا آورد. آن گاه سجده کرد و دست ها را در حالی که انگشتانش کنار هم و بدون فاصله بود، در جلوی زانو و برابر صورت نهاد و سه بار گفت: " سبحان ربی الاعلی وبحمده " و در حالت سجده هیچ جای بدن را بر جای دیگر قرار نداد و بر هشت استخوان سجده کرد: دو کف دست، دو زانو، دو انگشت شست پا، پیشانی و بینی و فرمود: لازم است سجده بر هفت تایی این ها قرار گیرد و این همان است که خداوند در قرآن فرموده است که: " و همانا سجده گاهها برای خداست پس در کنار خداوند هیچ کس را منخوان " و این هفت جا، پیشانی و دو کف دست و دو زانو و دو شست پا است و نهادن بینی بر زمین مستحب است. سپس امام سر از سجده برداشت و چون درست به حالت نشسته درآمد تکبیر گفت. آن گاه بر ران چپ نشست و روی پای راست را بر کف پای چپ

قرار داد و فرمود: " استغفر الله ربی واتوب الیه ". سپس در حال نشسته تکبیر گفت و سجده دوم را به جای آورد و در سجده دوم مانند سجده اول رفتار کرد و در حال رکوع و سجود هیچ جای بدن را بر جای دیگر آن نگذاشت و در حال سجده دست ها را چون دو بال باز می کرد و ساعد را بر زمین نمی گذاشت. این چنین امام دو رکعت نماز گزارد و انگشتان دو دست حضرت در حال تشهد بسته بود و چون از تشهد فارغ شد، سلام داد و فرمود: ای حماد! این گونه نماز بخوان!

فصل بیست و سوم
آنچه شایسته نماز گزار نیست
۲۳ /

نگهداری بول و غائط

- پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله): کسی از شما در حالی که پیشابش را نگه داشته
است، به

نماز نیاید.

- هرگاه نماز برپا می شود و کسی از شما نیاز به دستشویی دارد، نخست به
آنجا برود.

- روا نیست مردی که به خدا و روز آخرت ایمان دارد، در حالی که پیشابش
را نگه داشته، نماز بخواند تا آنگاه که خود را سبک کند.

- کسی که در تنگنای پیشاب است، نماز نخواند.

- کسی از شما در آن حال که بول و غائطش انبوه شده است، نماز نخواند.

- امام صادق (علیه السلام): برای " حاقن "، " حاقب " و " حاذق " نمازی نیست. "
حاقن "

کسی است که بول خود را نگه داشته و " حاقب " کسی است که غائطش
را نگه داشته است...

نماز بدون پوشش روبرو (۱)

- پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله): نماز بدون پیش رو نهادن چیزی، جفا و بی وفایی است.

کسی که در بیابان نماز می خواند باید پیش رویش چیزی همچون دنباله جهاز شتر بنهد.

- هرگاه یکی از شما نماز می خواند، رو به پوشش و نزدیک به آن بخواند.

- هر يك از شما که می تواند کاری کند تا کسی میان او و قبله اش فاصله نشود، چنین کند.

- هرگاه یکی از شما، در نماز به سمت پوششی می ایستد، به آن نزدیک گردد و گر نه شیطان از میان او و آن پوشش می گذرد (۲).

- هر يك از شما در نماز، با خط کشی جلوی، سنگ و یا هر چه یافت برای خود پوششی بسازد، اگر چه چیزی نماز مؤمن را قطع نمی کند.

- ابن ابی یعفر: از امام صادق (علیه السلام) پرسیدم: آیا اگر چیزی از جلوی انسان بگذرد، نماز را قطع و باطل می کند. فرمود: خیر، چیزی نماز مؤمن را قطع نمی کند، ولی هر اندازه متوانید، (آن را) دور کنید.

شکستن انگشتان

- امام صادق (علیه السلام): پیامبر در پشت خود صدای انگشتان کسی که در نماز آن ها

را می فشرد شنید، پس از آنکه نمازش را تمام کرد، حضرت فرمود: آگاه باشید، نصیب او از نماز همان است.

- محمد بن مسلم: از امام باقر (علیه السلام) پرسیدم انسان در نماز به این سو و آن سو

(۱) منظور از پوشش در این جا، لزوما پرده و دیوار نیست، بلکه هر آنچه که حریم و مرزی برای نماز گزار پدید آورد کافی است همچون عصا و سنگ و...
(۲) عبارت مسند ابن حنبل چنین است: "بدان نزدیک گردد، [تا] شیطان نمازش را قطع نکند."

توجه می کند؟ فرمود: خیر و انگشتانش را نیز نمی شکند.
۲۳ /

بازی کردن

- پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله) به علی (علیه السلام) فرمود: ای علی، خداوند عز وجل بازی کردن در نماز را برای امت من، نپسندیده است (۱).

- همانا خداوند تبارک و تعالی شش خصلت را برای من نپسندیده و من نیز آن ها را برای جانشینان از نسلم و پیروانشان نپسندیده ام: بازی کردن در نماز... (۲).

- انس بن مالک: پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله) مردی را دید که در نماز، سنگریزه ها را تکان

می دهد. پس از آنکه نمازش را تمام کرد، حضرت به آن مرد فرمود: نصیب تو از نماز همان است.

- امام علی (علیه السلام): مرد، در نماز با ریشش و آنچه او را از نمازش به خود مشغول

می دارد، بازی نمی کند.

۲۳ /

به این سو و آن سو روی گرداندن

- پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله): در نمازتان به این سو و آن سو روی نگردانید، که چنین

کسی نمازی ندارد.

- مبادا در نماز، به این سو و آن سو روی گردانید، که روی گرداندن در نماز، هلاکت است. اگر چاره ای نیست در نماز مستحب، و نه در واجب، انجام گیرد.

(۱) در "کافی" و "امالی صدوق" متن روایت چنین است: "ای امت، خداوند بیست و چهار خصلت را

برای شما نپسندیده و شما را از آن ها باز داشته است، بازی کردن در نماز...".

(۲) در "خصال" به جای "من نیز آن ها را نپسندیده ام" آمده است: "و خدا برای آنان نیز نپسندیده است".

- در توضیح گفتار یحیی به بنی اسرائیل - : خداوند شما را به نماز فرمان داده است، پس هرگاه نماز می خوانید به این سو و آن روی نگردانید، که خدا در نماز رو به چهره بنده اش دارد تا آنگاه که او روی گرداند.

- پیوسته خدای عز وجل در نماز رو به بنده اش دارد، تا آنگاه که روی نگردانده است. پس اگر روی گرداند، خدا نیز روی می گرداند.

- هیچ گاه بنده در نمازش روی نمی گرداند، جز اینکه پروردگارش به او می گوید: ای فرزند آدم، به کجا رو می کنی؟ من برای تو از آنچه بدان روی آورده ای، بهترم.

- هر کس در نماز از روی قصد به آن که در چپ و راستش هست، پی ببرد، نمازی ندارد.

- امام علی (علیه السلام): روی گرداندن در نماز، ربودنی از شیطان است. پس مبادا در

نماز به این سو و آن سو روی گردانید، که خداوند تبارک و تعالی، هنگام به نماز ایستادن بنده، به او روی می آورد و آنگاه که روی گرداند، خداوند تبارک و تعالی می گوید: ای فرزند آدم، از چه کسی روی می گردانی؟ - تا سه بار - پس در بار چهارم خداوند از او روی می گرداند (۱).

- امام صادق (علیه السلام): هنگامی که بنده نماز را آغاز می کند، خداوند با روی کریمانه اش به او روی می آورد و فرشته ای را بر او می گمارد، تا قرآن را کامل و تمام از لبش برچیند. پس اگر بنده از نمازش روی گرداند، خداوند نیز روی می گرداند و او را به همان فرشته می سپارد و اگر در همه نمازش، به آن متوجه باشد، خداوند با روی کریمانه اش به او رو می کند تا آنکه نمازش کامل و تمام بالا رود. و اگر در آن دچار فراموشی یا غفلت گردید یا سرگرم به چیزی جز نماز شد، از نمازش، همان اندازه بالا می رود که به خدا روی داشته است و به دل غافل هیچ چیز، بخشیده نمی شود.

- درباره گفته خداوند متعال: " پاکدلانه روی به دین داشته باش " - : در نماز

(۱) در نقل " ثواب الأعمال " آغاز روایت نیامده است.

بایست و به راست و چپ روی مگردان.
- ابن ابی جمهور: در روایت چنین آمده است: هرگاه بنده به نماز می ایستد و کارهایی را در آن هنگام بر خود حرام می گرداند، شیطان نزد وی می آید و می گوید: این را به یاد آر، آن را به یاد آر، تا به آنجا می رسد که نمی داند چند رکعت خوانده است.

/ ۲۳

سستی کردن

" منافقان، با خدا نیرنگ می کنند و حال آنکه او با آنان نیرنگ می کند و چون به نماز ایستند، به سستی برخیزند، با مردم ریا می کنند و خدا را جز اندکی یاد نمی کنند."

" و هیچ چیز مانع پذیرفته شدن انفاقهای آنان نشد، جز اینکه به خدا و پیامبرش کفر ورزیدند و جز با سستی نماز به جای نمی آورند و جز با کراهت انفاق نمی کنند."

- انس بن مالک: پیامبر داخل مسجد شد و با طنابی کشیده شده میان دو ستون روبرو شد. فرمود: این طناب برای چیست؟ گفتند: این طناب زینب است، هرگاه سست می شود بدان می آویزد. پس پیامبر فرمود: نه، آن را باز کنید. هر يك از شما تا آنگاه که نشاط دارد، نماز بخواند و هنگامی که سست شد بنشیند (۱).

- امام علی (علیه السلام): سستی کردن انسان در نماز، از سستی ایمان است.
- امام باقر (علیه السلام): سست و خواب آلود و سنگین به نماز نایست که این ها از

خوی منافقان است. همانا خداوند سبحان، مؤمنان را از ایستادن به نماز در حالت مستی - یعنی مستی خواب - باز داشته و در توصیف منافقان گفته است: " و چون به نماز ایستند، به سستی برخیزند، با مردم ریا می کنند و خدا را جز اندکی یاد نمی کنند." (۲).

(۱) در سنن ابی داود چنین آمده است: " پس پیامبر خدا فرمود: تا آنگاه که توان دارد نماز بخواند و هرگاه ناتوان شد، بنشیند."

(۲) در تفسیر عیاشی، فقط تا " مستی خواب " آمده است و گفته خداوند درباره منافقان را ندارد.

خمیازه کشیدن

- پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله): مبادا در نماز زیاد خمیازه بکشید، که صدای شیطان است.

همانا خداوند عطسه را دوست و خمیازه را در نماز ناپسند دارد (۱).

- ابو امامه: پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله)، خمیازه را در نماز ناپسند می داشت.

- پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله): هرگاه یکی از شما در نماز دچار خمیازه شد، تا آنجا که

می تواند آن را فرو خورد (۲).

- امام علی (علیه السلام): هرگاه پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله) در نماز دچار خمیازه می شد، با دست

راستش جلوی آن را می گرفت.

خواب آلود بودن

" ای ایمان آورندگان، در حال مستی به نماز نزدیک نشوید، تا آنگاه که بدانید چه می گوئید "

- زید شحام: به امام صادق (علیه السلام) عرض کردم: معنای گفته خدای عز و جل آیه

" در حال مستی به نماز نزدیک نشوید " چیست؟ فرمود: مستی خواب (۳).

- پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله): هرگاه یکی از شما در نمازش خواب آلود شد، آن را رها

کند و بخوابد (۴).

- امام علی (علیه السلام): هرگاه در نماز، خواب بر چشم غلبه کرد، نماز را قطع کن و

(۱) در نقل جعفریات، حدیث از " همانا خداوند " آغاز شده است و بخش نخست آن نیامده است.

(۲) در مسند ابن حنبل به جای عبارت " تا آنجا که می تواند آن را فرو خورد "، عبارت " پس دستش را بر دهانش بنهد " آمده است.

(۳) در نقل فقیه دارد: " از جمله، مستی خواب ".

(۴) در نقل مسند ابن حنبل چنین آمده است: " پس رها کند و بخوابد تا آنگاه که می داند چه می گوید "

و در يك نقل مسند ابی یعلی آمده است: " پس رها کند، تا آنگاه که می فهمد چه می گوید " و در نقل دیگرش آمده است: " پس رها کند، تا آنگاه که می داند چه می کند ".

بخواب که تو نمی دانی، شاید بر ضد خودت دعا می کنی.
- حلبی: از او (علیه السلام) درباره گفته خدا پرسیدم: " ای ایمان آورندگان، در حال

مستی به نماز نزدیک نشوید تا آنگاه که بدانید چه می گوئید ". فرمود: در حال مستی به نماز نزدیک نشوید، یعنی مستی خواب. خداوند می گوید: خواب آلود هستید و این شما را از اینکه بدانید در رکوع و سجود و تکبیرتان چه می گوئید، باز می دارد، نه آنچنان که بسیاری از مردم می پندارند که مؤمنان از شراب مست می شوند و حال آنکه مؤمن چیز مست کننده ننوشد و مست نمی کند.

/ ۲۳

شتاب ورزیدن

- امام صادق (علیه السلام): هرگاه بنده به نماز ایستد و نمازش را مختصر کند، خداوند

تبارک و تعالی به فرشتگانش می گوید: آیا به بنده من نمنگرید؟ گویا برآوردن نیازهایش را به دست غیر من می بیند! آیا نمی داند که برآوردن نیازهایش به دست من است؟

- به کسی که گفت: (گاه) انسان نیازی دارد که مترسد فوت شود، آیا نماز را مختصر کند؟ - : آیا نمی داند که نیازش به هموست که به سویش نماز می گزارد؟

/ ۲۳

چشم بستن

- پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله): هرگاه یکی از شما به نماز ایستاد، چشمانش را نبندد.

- امام علی (علیه السلام): همانا پیامبر از اینکه انسان در نماز چشمانش را ببندد،

نهی

کرد.

نماز خواندن در مکانهایی که ذکرشان می آید

- پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله): همه زمین مسجد است، جز مقبره و حمام (۱).
- شایسته نیست در اتاق چیزی باشد، که نماز گزار را مشغول دارد (۲).
- سه کس هستند که خداوند عز و جل نگهداری آنان را نپذیرفته است: کسی که

در میان جاده نماز می گزارد.

- ابن عمر: همانا پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) از نماز خواندن در هفت مکان، نهی کرد: در

جایگاه زباله، قربانگاه، مقبره، میان راه، در حمام، جای باش شتران و پشت بام خانه خدا.

- عبد الله بن عطاء: امام باقر (علیه السلام) حرکت کرد و من نیز با ایشان روانه شدم، تا

اینکه به جایی دیگر رسیدیم. به ایشان گفتم: نماز، فدایت شوم. فرمود: اینجا لانه مورچگان است، در آن نماز خوانده نمی شود به جایی دیگر رسیدیم. همانگونه گفتم، فرمود: اینجا شوره زار است، در آن نماز خوانده نمی شود (۳).

- امام صادق (علیه السلام): ده مکان است که در آن ها نماز خوانده نمی شود: گل، آب،

حمام، گورستان، راهی که در آن رفت و آمد می شود، لانه مورچگان، جای باش شتران، راه آب، شوره زار و یخ و برف.

- در اتاقی که شراب یا مست کننده دیگری باشد، نماز خوانده نمی شود.
- در اتاقی که در آن شراب یا مست کننده دیگری هست، نماز نخوان، زیرا فرشتگان داخل آن نمی شوند.

(۱) نقل مسند ابن حنبل چنین است: " همه زمین مسجد و پاک کننده است جز ... "

(۲) در تاریخ کبیر به جای " مشغول دارد " " سرگرم سازد " آمده است.

(۳) در نقل محاسن به جای " نماز خوانده نمی شود... نماز خوانده نمی شود " آمده است " نماز نمی خوانیم... نماز نمی خوانیم ".

- معلى بن خنيس: از امام صادق (عليه السلام) درباره نماز بر روى جاده پرسيدم. فرمود: نه، از راه، دور شويد.

- محمد بن فضيل (۱): امام رضا (عليه السلام) فرمود: هر راهى كه بر آن گام گذاشته و

رفت و آمد مى شود، بزرگراه باشد يا نباشد، نماز در آن شايسته نيست. گفتم: پس كجا نماز بگذارم؟ فرمود: در چپ و راست آن.

(۱) در نسخه اى از " كافي " كه در دسترس ماست " محمد بن فضل " آمده است. اما با توجه به تحقيق آيت الله خويى - ره - در كتابش " معجم رجال الحديث " كه مى فرمايد: در نسخه قديمى كافي و شرح آن " مرآة العقول " و نيز نقل " تهذيب الاحكام "، محمد بن فضيل آمده است، آن را تصحيح كرديم.

فصل بیست و چهارم

کلیات آنچه شایسته نماز گزار نیست

- امام علی (علیه السلام): هیچ يك از شما، سست و خواب آلود به نماز نایستد و به خود نیندیشد که همانا در پیشگاه پروردگارش عز وجل می باشد. و برای بنده از نمازش تنها آنچه با دلش به آن توجه داشته، می ماند.

- امام باقر (علیه السلام): هنگامی که در نماز ایستاده ای به نمازت توجه کن، که تنها

آنچه بدان توجه داری برای حساب می شود و در آن با دست و سر و ریش باز می نکن، با خود سخن مگو، خمیازه مکش و دستان و سینه ات را کشیده و باز مکن، دستانت را بر هم مگذار که این کار مجوس است (۱). بر دهانت چیزی میند، خود را جمع نکن، بلکه باز کن همانگونه که شتر باز می کند، بر کف پاهایت منشین و ساعدهایت را بر زمین مگستران، انگشتانت را مشکن، که همه این ها کم گذاشتن از نماز است.

- قاضی نعمان از امام صادق (علیه السلام): ایشان خمیازه و دستها را کشیدن و سینه

(۱) در متن حدیث " لا تکفر " آمده است که به دو معناست: گذاشتن دستی بر دست دیگر و خم کردن بدن هنگام ایستادن پیش از رکوع.

باز کردن را در نماز ناپسند می شمرد (۱). خمیازه و دست و سینه باز کردن به جهت کسالت عارض می شوند و قصد آن و انجامش نهی شده است و خمیازه بی قصد هم می آید. پس هر کس به آن گرفتار شد و نتوانست خود را نگه دارد، دستش را بر روی دهانش بگذارد و جلوی آن را بگیرد و آن را تکرار نکند و طول ندهد.

- امام صادق (علیه السلام): هنگامی که به نماز ایستادی بدان که در پیشگاه خداوندی و

اگر او را نمی بینی، بدان که او تو را می بیند. پس به نمازت توجه کن و آب بینی و دهان مینداز و انگشتانت را نشکن و هنگام ایستادن دستانت را بر پشتت قرار مده (۲)، که گروهی به جهت انگشت شکستن و دست بر پشت نهادن، کیفر شدند.

- در فقه الرضا آمده است: هرگاه خواستی به نماز برخیزی، سست و خواب آلود و شتابان و بازی کنان بر نمخیزی، بلکه آن را با آرامش و وقار و درنگ به جا می آوری و فروتن و افتاده باش، فروتن و افتاده برای خدای عز و جل با هاله ای از بیم و هراس، امیدوار و بیمناک، همراه با آرامش و ترس و احتیاط. پس در پیشگاه او همچون بنده گناهکار فراری در پیش اربابش بایست. پاهایت را در یک ردیف قرار ده و خود را راست نگه دار و به راست و چپ روی مگردان گویا که او را می بینی که اگر تو او را نمی بینی، او تو را می بیند. با ریشتم و هیچ یک از اندامت بازی مکن و انگشتانت را مشکن و بدنت را مخاران و به بینی و یا

(۱) گویی قاضی نعمان، مضمون حدیث را نقل به معنا کرده و بیانی بر آن افزوده است.
(۲) در متن حدیث "لا تورك" آمده است. تورك دو گونه است، یکی مستحب و دیگری مکروه است: گونه مستحب چنین است که بر سرین چپ می نشیند و هر دو پایش را از زیر خود، خارج می سازد، پای چپ را بر زمین و روی پای راست را بر کف پای چپ می نهد و نشمینگاهش را به زمین می رساند و تورك مکروه آن است که در حالت ایستادن در نماز، دستانش را بر سرین خود بگذارد که از آن در حدیث نهی شده است. ورك به بالای ران گفته می شود: "سرین".

لباست مشغول مشو و در حالی که بر دهانت چیزی بسته ای، نماز
مخوان. و برای زنان جایز نیست که با نقاب نماز بخوانند.
هنگام ایستادن، دیده ات به سجده گاهت باشد و اظهار بتابی و
بی قراری و ترس کن و با این حالت به سوی خدای عز و جل، اشتیاق نشان بده
و سنگینیت را گاه بر این پا و گاه بر دیگری مینداز و همچون کسی که
آخرین نمازش را می خواند، نماز بگزار، گویی می بینی که دیگر هرگز
نماز نمی خوانی. بدان که در پیشگاه (خدای) جباری، با هیچ چیز بازی
مکن و در خود فرو مرو و دلت را خالی ساز و به نمازت مشغول باش و
دستانت را رها کن و بر رانهایت بنه.
به هنگام آغاز نماز، تکبیر بگو و دستانت را تا روبروی گوشهایت بالا
ببر و انگشتان شست را از برابر گوشهایت مگذران و در نماز واجب
دستانت را آن اندازه بالا میاور تا از سرت بگذرد، گرچه در نماز
مستحب و وتر اشکالی ندارد.
هنگامی که رکوع کردی برآمدگی زانوانت را با کف دستانت در بر
گیر و انگشتانت را از هم باز کن و پس از سر برداشتن از رکوع، راست
بایست تا همه مفصلها به جای خود برگردند. سپس سجده کن و
پیشانی را بر زمین بنه و کف دستانت را بر خاک بگذار و انگشتانت را
به هم بچسبان و آن ها را رو به قبله قرار بده.
هنگام نشستن بر سمت راست بدنت منشین، بلکه آن را بلند کن و بر
سرینت بنشین و در نمازت، خمیازه مکش، آروغ مزن و با تمام سعی و
توان، از آن دو مانع شو و هنگامی که عطسه کردی بگو: سپاس
مخصوص خداوند است و بر سجده گاهت پا مگذار و پس و پیش مرو
و در حالی که یکی از دو پلیدیها (بول و غائط) در تو هست، نماز
مخوان و اگر در نماز فشاری احساس کردی، نماز را رها کن، مگر اینکه

بتوانی بر آن صبر کنی بدون اینکه به نمازت زیانی برساند. و با همه دلت
به خداوند روی آور تا خداوند به تو روی آورد.
و وضو را کامل بگیر و پیشانی را بر خاک بمال، هنگامی که به نمازت
روی آوری، خداوند به تو روی می آورد و هنگامی که روی گردانی،
خدا نیز از تو روی می گرداند.

فصل بیست و پنجم
بیم دادن از سبک شمردن نماز
قرآن:

" و هنگامی که (با اذان، مردم را) به نماز می خوانید، آن را به مسخره و بازی می گیرند، زیرا آنان مردمی نابخردند. "

- پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله): به خدا سوگند، شفاعت من به کسی که نماز را سبک

بشمارد، نمی رسد و در کنار حوض (کوثر) نزد من نمی آید.

- بیست خصلت فقر می آورد:.... و سبک شمردن نماز.

- در پاسخ دخترش فاطمه که پرسیده بود: ای پدر مردان و زنانی که نمازشان را سبک می‌شمرند چه (جزایی) دارند؟ - فرمود: ای فاطمه،

هر کس - از مردان یا زنان - نمازش را سبک بشمرد، خداوند او

را به پانزده خصلت مبتلا می کند: شش خصلت در دنیا، سه خصلت

هنگام مرگش، سه خصلت در گورش و سه خصلت در قیامت هنگامی

که از گورش بیرون می آید. اما آنچه در دنیا به او می رسد: خداوند برکت

را از عمرش بر می دارد و نیز از روزیش، سیمای صالحان را از

چهره اش مزداید، به هر عملی که انجام می دهد پاداشی داده نمی شود،

دعایش به آسمان نمی رود و ششم اینکه برای او در دعای صالحان

نصبی نیست.

و اما آنچه هنگام مرگش به او می رسد: نخستین آن ها این است که خوار ممیرد، دوم گرسنه ممیرد و سوم، تشنه ممیرد، پس اگر از نهرهای دنیا به او بنوشانند، سیراب نمی شود.

و اما آنچه در گورش به او می رسد: نخستین آن ها این است که خداوند فرشته ای می گمارد تا او را در گورش آشفته سازد، دوم اینکه گورش را بر او تنگ می کند و سوم اینکه گورش تاریک است.

و اما آنچه روز قیامت هنگام بیرون آمدن از گورش به او می رسد: نخستین آن ها این است که خداوند فرشته ای می گمارد تا او را با صورت (روی زمین) بکشد در حالی که مردم به او منگردند، دوم اینکه بازخواست سختی می شود و سوم اینکه خداوند به او نمسنگرد و پاکش نمی سازد و عذابی دردناک دارد.

- امام باقر (علیه السلام): نماز را سبک بشمار که همانا پیامبر (صلی الله علیه وآله) هنگام رحلتش

فرمود: هر کس نماز را سبک بشمارد از من نیست (۱).

- امام صادق (علیه السلام): به خدا سوگند بر شخص، پنجاه سال می گذرد حال آن که

خداوند، یک نماز از او نپذیرفته است. چه چیز از این سخت تر است؟ به خدا سوگند، شما از همسایگان و همراهانتان کسانی را میشناسید که اگر برای برخی از شما نماز گزارده بود، آن را به خاطر سبک شمردنش نمی پذیرفت. همانا خدای عز وجل جز نیکو نمی پذیرد. پس چگونه آنچه را که سبک شمرده شده پذیرد؟

- ابوبصیر: بر ام حمیده (همسر امام صادق) وارد گشتم تا او را به جهت

(۱) در "علل الشرایع" در انتهای حدیث آمده است: "به خدا سوگند در کنار حوض (کوثر) نزد من نمی آید" و در "الفرقیه"، "عوالی اللالی" چنین آمده است: "پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله): هر کس نماز را سبک

بشمارد، از من نیست، به خدا سوگند در کنار حوض (کوثر) نزد من نمی آید."

رحلت ابو عبد الله امام صادق (عليه السلام) تسلیت دهم. پس او گریست و من نیز از گریه او گریستم. سپس گفت: ای ابو محمد (۱)، اگر ابو عبد الله (عليه السلام) را هنگام مرگ می دیدی، به شگفت می آمدی، چشمانش را باز کرد و سپس فرمود: هر کس را میان من و او پیوند خویشاوندی است، گرد آورید.

(ام حمیده) گفت: هیچ کس را رها نکردیم مگر اینکه گرد آوردیم. پس به آن ها نگریست، سپس فرمود: همانا شفاعت ما به سبک شمارنده نماز نمی رسد (۲).

(۱) کنیه دیگر ابوبصیر بوده است.

(۲) در "الفقیه" تنها بخش پایانی روایت یعنی گفته امام صادق (عليه السلام) "همانا شفاعت ما..." آمده است.

فصل بیست و ششم
بیم دادن از تباه کردن نماز
قرآن:

" پس وای بر نماز گزاران. آنان که از نمازشان غافلند. "
" آنگاه، پس از آنان جانشینانی به جای ماندند که نماز را تباه ساخته و از هوسها پیروی کردند، و به زودی (سزای) گمراهی (خود) را خواهند دید. "
- پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله): امت من چهار دسته اند: دسته ای نماز می گزارند ولی در

نمازشان غافلند، برای اینان " ویل " است و " ویل " نام طبقه ای از طبقات دوزخ است. خداوند متعال فرموده است: " پس وای بر نماز گزاران. آنان که از نمازشان غافلند ". و دسته ای گاه نماز می خوانند و گاه نمی خوانند، برای اینان " غی " است و " غی " نام طبقه ای از طبقات دوزخ است. خداوند متعال گفته است: " آنگاه، پس از آنان جانشینانی به جای ماندند که نماز را تباه ساخته و از هوسها پیروی کردند، و به زودی (سزای) گمراهی (خود) را خواهند دید ". و دسته ای هیچ گاه نماز نمی خوانند، برای اینان " سقر " است و " سقر " نام طبقه ای از طبقات دوزخ است. خداوند متعال گفته است: " چه چیز شما را به سقر درآورد؟ گفتند از نماز گزاران نبودیم ". و دسته ای همیشه نماز می خوانند و در نمازشان نیز

فروتنند. خداوند تبارك و تعالی گفته است: " بی گمان مؤمنان رستگار شدند. آنان که در نمازشان فروتنند ".

- محمد بن فضیل: از عبد صالح (امام کاظم (علیه السلام)) درباره ء گفته ء خدای عز و جل:

" کسانی که از نمازشان غافلند " پرسیدم، فرمود: منظور تباه کردن است.

- پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله): همواره، شیطان از انسان با ایمان، هراسان است تا هنگامی

که بر نمازهای پنجگانه مواظبت ورزد. پس هرگاه آن ها را تباه کند بر او جرأت می یابد و او را در گناهان بزرگ وارد می کند.

- نمازتان را تباه مکنید که هر کس نمازش را تباه کند، با قارون و هامان محشور می شود و سزاوار است که خداوند او را همراه با منافقان وارد آتش کند. پس و ای بر کسی که بر نمازش و انجام سنت پیامبرش مواظبت نورزیده است.

- هیچ نمازگزاری نیست، جز اینکه فرشته ای بر سمت راست او و فرشته ای بر سمت چپش قرار دارد. پس اگر نماز را تمام بیاورد، آن را بالا می برند و اگر تمام نیاورده باشد، آن را به صورتش می زنند.

- امام باقر (علیه السلام): پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) در مسجد نشسته بود که مردی داخل شد و به نماز ایستاد، ولی رکوع و سجودش را تمام به جا نیاورد. پس حضرت فرمود: همچون نوك زدن كلاغ نوك زد (تند و شتابان)، اگر این مرد بمیرد و نمازش این گونه باشد بر غیر آیین من مرده است.

- امام صادق (علیه السلام): علی بن ابیطالب (علیه السلام) مردی را دید که در نمازش نوك می زند

(تند و شتابان خم می شود و بر می خیزد) پس گفت: چه مدت است این گونه نماز می خوانی؟ مرد گفت: از فلان زمان. پس حضرت فرمود: مثال تو نزد خداوند مثال نوك زدن كلاغ است. اگر تو مرده بودی بر غیر دین ابو القاسم محمد (صلی الله علیه و آله) می مردی.

سپس علی (علیه السلام) فرمود: دزدترین مردم کسی است، که از نمازش مدزددد.

- پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله): کسی که رکوع و سجودش را تمام به جا نمی آورد، نمازی ندارد (۱).

- هر کس وضو و رکوع و سجودش را تمام به جا نیاورد، نمازش ناقص است.

- ابو قتاده: پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله) فرمود: بدترین دزد آن است که از نمازش مدزدد. گفتند: ای پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله)، چگونه از نمازش مدزدد؟ فرمود:

رکوع و سجودش را تمام به جا نمی آورد.
- پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله): هرگاه یکی از شما نماز واجبش را بخواند، ولی رکوع و

سجود و تکبیر و دعای آن را، تمام به جا نیاورد، همچون بازرگانی است که سود نمی برد تا اینکه تنها سرمایه اش باقی می ماند.

- کسی که نمازش را تمام به جا نمی آورد، همچون زن بارداری است که در نزدیکی زاییدن، بچه اش می افتد. پس نه بچه ای مانده و نه وی مادر شده است.

- از نشانه های نزدیکی قیامت، تباه کردن نمازهاست.
- امام علی (علیه السلام) - هنگامی که از او نشانه های طغیان دجال پرسیده شد - فرمود:

هنگامی که مردم نماز را بمیرانند و امانت را تباه کنند.
- امام صادق (علیه السلام): فرشته ای بر نماز گمارده شده است که کار دیگری غیر از آن

ندارد. پس هنگامی که تمام می شود آن را می گیرد و بالا می برد. پس اگر از پذیرفتنی ها باشد، پذیرفته می شود و اگر از آن ها باشد که پذیرفته نمی شود، به او گفته می شود: آن را به بنده ام بازگردان. پس آن را پایین می آورد تا به صورتش بزند. سپس می گوید: اف بر تو، همواره عمل تو مرا به زحمت می اندازد.

(۱) در نقل "المعجم الأوسط" آمده است: "نمازش پذیرفته نمی شود".

فصل بیست و هفتم

آثار نماز

/ ۲۷

از میان رفتن بدیها

قرآن:

" و در دو طرف روز (اول و آخر آن) و نخستین ساعات شب نماز بر پا دار، زیرا خوبیها، بدیها را از میان می برد. این پندی برای پندگیرندگان است. "

- ابو عثمان: با سلمان زیر درختی بودیم که شاخه خشکی را از آن گرفته و تکان داد، تا اینکه برگهایش ریخت و گفت: آیا نمی پرسی چرا این گونه می کنم؟ گفتم: چرا کردی؟ گفت: پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله) برایم این گونه کرد و

سپس فرمود: همانا مسلمان هر گاه وضویی نیکو گرفت و نمازهای پنجگانه را خواند، گناهانش می ریزد همانگونه که این برگها ریخت. سپس گفت: " و در دو طرف روز (اول و آخر آن) و نخستین ساعات شب نماز بر پا دار، زیرا خوبیها، بدیها را از میان می برد. این پندی برای پندگیرندگان است. "

- ابن مسعود: مردی از زنی بوسه ای ربوده بود. پس نزد پیامبر آمد و به او خبر داد. سپس خداوند این آیه را فرو فرستاد: " و در دو طرف روز (اول

و آخر آن) و نخستین ساعات شب نماز بر پا دار، زیرا خوبیها، بدیها را از میان می برد ". پس آن مرد گفت: ای پیامبر خدا، آیا این مخصوص من است؟ فرمود: برای همه امتم، تمام آنان.

- پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله): نمازها، پوشاننده آنچه در میان آن هاست، می باشند، چون خداوند عز وجل گفته است: " همانا خوبیها، بدیها را از میان می برند " (۱).

- ابو ایوب انصاری: پیامبر همواره می گفت: هر نماز، خطاهای پیش از خود را مزداید.

- ابوذر: عرض کردم: ای پیامبر خدا، توبه مردی که دروغ عمدی بگوید چیست؟ فرمود: استغفار و نمازهای پنجگانه، که آن را می شوید.

- پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله): هر کس وضو بگیرد آنگونه که فرمان داده شده و نماز بخواند آنگونه که فرمان یافته، هر چه پیشتر کرده، آمرزیده می شود.

- نمازهای پنجگانه و نماز جمعه تا جمعه، پوشاننده آنچه در میان آن هاست، می باشند تا آنگاه که گناهان بزرگ را در بر نگیرد.

- همانا مسلمان نماز می گزارد در حالی که خطاهایش بر سرش نهاده شده است. پس هرگاه سجده می کند فرو می ریزد و از نماز فارغ می شود، در حالی که خطاهایش ریخته است.

- هیچ گاه دو فرشته نگهبان، نماز انسان را با نماز دیگرش به سوی خدا نمی برند، جز اینکه خدای تبارک و تعالی (به آن دو فرشته) می گوید: شما را گواه می گیرم که میان آن دو نماز را بر بنده ام آمرزیدم.

- همانا گناهان بنده مسلمان در حال نماز خالصانه فرو می ریزد، همانگونه که این برگ از این درخت فرو می ریزد.

- هر گاه یکی از شما وضویی نیکو بگیرد و فقط برای نماز به مسجد بیاید، هیچ گامی بر نمی دارد، جز اینکه خداوند در برابر آن، او را يك درجه بالا می برد و خطایی را از او مزداید.

- وقت هیچ نمازی در نمی رسد، جز اینکه فرشته ای در پیشگاه خداوند

(۱) در دعائم الاسلام چنین آمده است: " پوشاننده آنچه در میان آن هاست، تا آنگاه که از گناهان بزرگ دوری گیرند... ".

فریاد بر می آورد: ای مردم، برخیزید و به سوی آتشیایی که بر پشت خود افروخته، بروید و با نمازهایتان آن ها را خاموش سازید.

- در وقت هر نماز، منادی بر می خیزد و می گوید: ای پسران آدم، برخیزید و آنچه را بر خود افروخته اید، خاموش کنید. پس بر مسخیزند و طهارت می سازند و خطاهای پیش رویشان فرو می ریزد و نماز می خوانند و آنچه در میان آن دو بوده آمرزیده می شود. سپس در این میان آتش مسافروزند (گناه می کنند) پس هنگام نماز نخستین، فریاد بر می آورد: ای فرزندان آدم، برخیزید و آنچه بر خود افروخته اید، خاموش کنید. پس بر مسخیزند، طهارت می سازند و نماز می خوانند و آنچه در میان آن دو بوده، آمرزیده می شود و هنگام نماز عصر، همین گونه است و نیز هنگام نماز مغرب و نماز عشاء. پس در حالی که آمرزیده شده اند، به خواب می روند.

- مسوزید، پس هنگامی که نماز صبح می خوانید بر آن آب مرزید. سپس مسوزید و مسوزید، پس هنگامی که نماز ظهر می خوانید بر آن آب مرزید. سپس مسوزید و مسوزید، پس هنگامی که نماز عصر می خوانید بر آن آب مرزید. سپس مسوزید و می سوزید، پس هنگامی که نماز مغرب می خوانید بر آن آب مرزید. سپس مسوزید و مسوزید، پس هنگامی که نماز عشاء می خوانید بر آن آب مرزید. سپس می خوابید و بر شما چیزی نوشته نمی شود تا اینکه بیدار شوید.

- در بیان پاداش نماز - هنگامی که به نماز می ایستی و رو به قبله می کنی و (سوره) حمد را و هر سوره ای که می توانی می خوانی، سپس خم می شوی و رکوع و سجود را تمام به جا می آوری و تشهد و سلام می گویی، همه گناهایت از نمازی که آوردی تا نماز پس از آن، آمرزیده می شود. این است آنچه در نمازت به دست می آوری.

- قطب راوندی: پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) مردی را دید که می گوید: خدایا، مرا بیامرز و نمی بینم که بیامری. پس حضرت به او فرمود: چرا بدگمانی؟ گفت:

چون من در دوران جاهلیت و اسلام گناه کرده ام. حضرت فرمود: اما گناهایی که در جاهلیت کرده ای، ایمان آن ها را زدود و آنچه در اسلام انجام داده ای، نماز تا نماز، کفاره میان آن دوست.

- امام علی (علیه السلام): هر کس نماز را با آگاهی از حقیقتش به جا بیاورد آمرزیده

می شود.

- گناهی که مهلت یابم پس از آن دو رکعت نماز بخوانم، مرا اندیشناک نمی کند.

/ ۲۷

پاکی جان

- پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله): مثال نماز در میان شما، مثال جوی آبی است که بر خانه

یکی از شما روز و شب روان باشد و او پنج بار خود را در آن بشوید.

پس (همانگونه که) هیچ چرکی با پنج بار شستن باقی نمی ماند، گناهان نیز با پنج بار نماز خواندن، باقی نمی ماند.

- امام باقر (علیه السلام): پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله) فرمود: اگر بر در خانه یکی از شما، جویی باشد

و هر روز پنج بار خود را در آن بشوید، در تن وی چرکی باقی می ماند؟

گفتیم (۱): نه. فرمود: پس همانا مثال نماز، مثال همان جوی روان است

که هر گاه نماز می گزارد، آنچه گناه میان آن دو (نماز) است پاک می کند.

- پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله): نمازهای پنجگانه کفاره میان آنان است. اگر مردی میان

منزل و محل کارش، پنج جوی آب برای شست و شوی خویش داشته باشد و هر گاه به محل کارش برود و در آن کار کند و عرق بریزد به این

جویها مرود و خود را پاکیزه می سازد، آیا از چرک و کثیفی وی چیزی

می ماند؟ نمازهای پنج گاه نیز چنین است، هر گاه خطایی از او سرزند

یا آنچه خدا خواهد بشود، نماز بگزارد و دعا کند و آمرزش بطلبد، هر

(۱) گویی درست چنین باشد: "گفتند: نه".

چه در اوست آمرزیده گردد.
- امام علی (علیه السلام): نماز، صابون خطاهاست.
- در گفتاری که در آن یارانش را به نماز سفارش می کرد - فرمود: و همانا نماز، گناهان را چون برگ فرو می ریزد و آن ها را می گشاید، آن گونه که بند از کسی بگشایند و پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله)، آن را به چشمه آب گرم که بر در

خانه مرد روان باشد، تشبیه کرد که شبانه روز، پنج بار خود را در آن بشوید، دیگر چرکی بر تن وی نخواهد ماند.

- ابو حمزه ثمالی: از یکی از دو (امام باقر یا امام صادق) شنیدم که می فرماید: حضرت علی ۷ به مردم رو کرد و گفت: امیدوار کننده ترین آیه در کتاب خدا کدام است؟ برخی گفتند: "بی گمان خداوند شرك ورزیدن به خود را نمی بخشد و پائین تر از آن را برای هر که بخواد می بخشد".

فرمود: نیکوست ولی آن نیست. برخی گفتند: "ای بندگان من - که بر خویشتن زیاده روی روا داشته اید - از رحمت خدا نومید مشوید".
فرمود: نیکوست ولی آن نیست. برخی گفتند: "آنان که چون کار زشتی کنند، یا بر خود ستم روا دارند، خدا را به یاد می آورند و برای گناهانشان آمرزش می خواهند".

فرمود: نیکوست ولی آن نیست. پس مردم، از سخن باز ایستادند و حضرت فرمود: ای مردم مسلمان، شما را چه می شود؟ گفتند: نه، به خدا سوگند، چیزی نمی دانیم.

فرمود: شنیدم پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله) می گوید: امیدوار کننده ترین آیه در کتاب خدا این است: "در دو طرف روز و نخستین ساعات شب نماز برپا دار" و همه آیه را قرائت کرد و گفت: ای علی، سوگند به کسی که مرا به حق، نوید بخش و بیم دهنده برانگیخت، همانا یکی از شما به وضو بر می خیزد، پس گناهانش از اندامش فرو می ریزد و هنگامی که با برون و درون به خدا رو کند، از نمازش باز نمی گردد، جز آنکه از گناهانش چیزی بر او نمانده

است، آنگونه که مادرش او را زاده بود. پس اگر به

گناهی میان دو نماز

گرفتار آمد برایش چنین است تا اینکه هر پنج نماز را شمرد و سپس گفت: ای علی، جایگاه نمازهای پنجگانه برای امتم چون جویی است که بر در خانه یکی از شما روان باشد، پس چه گمان می برید اگر در تن وی چرکی باشد و خود را در آن جوی پنج بار در روز بشوید، آیا در تنش چرکی می ماند؟ به خدا سوگند، نمازهای پنجگانه برای امتم نیز همین گونه است.

/ ۲۷

راندن شیطان

- پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله): نماز، چهره شیطان را سیاه می کند.
- امام علی (علیه السلام): نماز، پناهگاهی در برابر حمله های شیطان است.
- نماز، پناهگاه رحمان و وسیله راندن شیطان است.
- امام صادق (علیه السلام): فرشته مرگ، شیطان را از مواظبت کننده بر نماز، دور می کند

و در آن حال سخت (جان کندن) گواهی بر یکتایی خداوند و رسالت محمد (صلی الله علیه وآله) را به او تلقین می کند.

/ ۲۷

بازداشتن از کار زشت و ناپسند

قرآن:

" آنچه از کتاب به تو وحی شده است، بخوان و نماز برپا دار که همانا نماز از کار زشت و ناپسند باز می دارد و بی گمان یاد خدا بزرگتر است و خداوند می داند چه می کنید. "

- پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله): هر کس نمازش او را از کار زشت و ناپسند باز ندارد، جز

دوری از خدا نیفزاید.

- کسی که از نماز فرمان نبرد، نمازی ندارد و فرمان بردن از نماز، خودداری از کار زشت و ناپسند است.

- عمران بن حصین: درباره گفته خدا: " همانا نماز از کار زشت و ناپسند باز می دارد " از پیامبر (صلی الله علیه وآله) پرسیده شد. فرمود: هر کس، نمازش او را از کار

زشت و ناپسند باز ندارد، نمازی ندارد.

- انس: جوانی از انصار همراه پیامبر نماز می گزارد و کارهای زشت هم می کرد. این مطلب را به پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله) گفتند. فرمود: روزی، نمازش او

را باز می دارد (۱).

- ابو هریره: مردی نزد پیامبر آمد و گفت: همانا فلانی در شب نماز می خواند و صبح، دزدی می کند. فرمود: آنچه می گوید (نمازش) به زودی او را باز می دارد.

- امام صادق (علیه السلام): هر کس دوست دارد بداند آیا نمازش پذیرفته شده است یا

نه، پس بنگرد آیا نمازش، او را از کار زشت و ناپسند باز داشته است، یا نه. پس به هر اندازه که او را باز داشته، از او پذیرفته شده است.

- نماز، باز دارنده ای الهی است، زیرا نماز گزار را تا آنگاه که در نماز است از گناهان باز می دارد. خدای عز و جل می فرماید: " همانا نماز از کار زشت و ناپسند باز می دارد ".

- بدان که نماز باز دارنده ای برای خدا در زمین است، پس هر کس دوست دارد بداند چه اندازه از نمازش سود برده، پس بنگرد، اگر نمازش او را از کارهای زشت و ناپسند باز داشته، به همان اندازه که او را باز داشته، از نمازش بهره برده.

۲۷ /

پایداری

" ای کسانی که ایمان آورده اید، از شکیبایی و نماز یاری جوئید، که خدا با شکیبایان است. "

- حذیفه: هرگاه به پیامبر (صلی الله علیه وآله) غم و اندوهی می رسید، نماز می خواند (۱).

(۲) در مجمع البیان آمده است: " هرگاه اندوهگین می شد، از نماز و روزه یاری می جست ". (*)

(۱) در بحار افزوده است: " طولی نکشید که توبه کرد ".

(11)

- یوسف بن عبد الله بن سلام: پیامبر (صلی الله علیه وآله) هرگاه به خانواده اش سختی

می رسید، آنان را به نماز فرمان می داد و سپس این آیه را قرائت می کرد:
" و خانواده ات را به نماز فرمان ده و خود بر آن شکیبا باش "

- امام صادق (علیه السلام): علی (علیه السلام) هرگاه از چیزی اندیشناک می گردید،
به نماز پناه

می برد و سپس این آیه را تلاوت می کرد: " و از شکیبایی و نماز یاری
جوئید "

- چه چیز مانع می شود هرگاه بر یکی از شما اندوهی از اندوههای دنیا
رسید، وضو بگیرد، سپس به مسجد برود و دو رکعت نماز بخواند و
خدا را در آن بخواند؟ آیا نشنیده ای که خداوند می گوید: " و از شکیبایی
و نماز یاری جوئید "؟

/ ۲۷

فرو آمدن رحمت

- ابو حمزه از امام باقر (علیه السلام): پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله) فرمود: هنگامی
که بنده مؤمن در

نمازش می ایستد، خداوند به او منگرد - یا فرمود: خدا به او روی
می آورد - تا آنگاه که باز گردد و سایه رحمت را از بالای سرش تا کرانه
آسمان بر او می گسترد و فرشتگان، اطرافش را تا کرانه آسمان می گیرند
و فرشته ای بر بالای سرش گمارده می شود که به او می گوید: ای
نماز گزار، اگر می دانستی چه کسی به تو منگرد و با چه کسی مناجات
می کنی، روی نمی گرداندی و هرگز از اینجا نمی رفتی.

- پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله): ای ابوذر، هیچ مؤمنی به نماز نمی ایستد، جز
اینکه از او تا

عرش نیکی نثارش می شود و فرشته ای بر او گمارده می گردد که ندا در
می دهد: ای پسر آدم، اگر می دانستی چه در نمازت به دست می آوری و
با که مناجات می کنی، نه ملول می گشتی و نه روی می گرداندی.
- هنگامی که بنده در نماز می ایستد، نیکی و احسان بر سرش پاشیده

می شود، تا آنگاه که رکوع کند. پس هنگامی که رکوع کرد، رحمت الهی او را بالا می برد تا سجده کند و سجده کننده بر درگاه خداوند متعال سجده می کند، پس درخواست کند و اشتیاق ورزد.

- [برای نماز گزار] سه ویژگی است: رحمت الهی او را از کف پایش تا کرانه آسمان در بر می گیرد و فرشتگان از روی سرش تا کرانه های آسمان گرداگرد او را می گیرند و فریاد کننده ای ندا در می دهد: اگر مناجات کننده می دانست با که مناجات می کند، باز نمی گشت.

- فرشتگان پیوسته بر بنده درود می فرستند، تا آنگاه که در نماز گاهش نماز می خواند و برنخاسته یا حدثی از او سر نزده است، فرشتگان می گویند: خدایا او را بیامرزد و بر او رحمت آور.

- امام علی (علیه السلام): نماز، رحمت را فرو می آورد.

- هنگامی که انسان به نماز می ایستد، ابلیس پیش می آید و حسودانه به او منگردد، چون می بیند رحمت الهی او را در بر گرفته است.

- اگر نماز گزار می دانست چگونه شکوه الهی او را در بر گرفته است، سر برداشتن از سجده را خوش نمی داشت.

- امام صادق (علیه السلام): همانا مهمان خداوند عز وجل... مردی است که در نماز است، او

در پناه رحمت خداست تا آنگاه که نمازش را به پایان برد.

۲۷ /

پذیرش دعا

- پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله): هر کس نمازی واجب بگذارد، نزد خداوند يك دعای

پذیرفته دارد.

- چهار هنگام درهای آسمان گشوده می شود و دعاء پذیرفته می گردد:...

هنگام برپا کردن نماز.

- هر کس نمازی بخواند که در آن چیزی از چاره اندیشی های دنیا را در دل

نگذراند، هیچ چیز از خدا نمی خواهد، جز اینکه به او می دهد.
/ ۲۷

رسیدن به هر خوبی
- پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله): نماز، کلید هر خوبی است.
- همواره اتم در خیر و خوبی هستید، تا آنگاه که با یکدیگر دوست باشند
و نماز را بر پا دارند... پس اگر چنین نکنند به قحطی و خشکسالی
گرفتار می شوند.

/ ۲۷

تقرب به خداوند متعال
- پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله): همانا نماز، وسیله تقرب شخص با ایمان است.
- نماز، وسیله تقرب هر شخص با تقوا است.
- امام علی (علیه السلام): همانا زکات به همراه نماز، وسیله تقرب مسلمانان قرار
داده
شده است.

- نماز، برترین تقرب است.
- امام صادق (علیه السلام) - پس از آنکه ابوحنیفه به ایشان گفت: ای ابو عبد الله،
چقدر بر
نماز شکیبایی می ورزی - فرمود: ای نعمان، آیا نمی دانستی که نماز،
وسيله تقرب هر شخص با تقوا است؟

/ ۲۷

ورود به بهشت
- پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله): کلید بهشت، نماز است.
- خدای عز وجل فرمود: برای بنده ام تعهد کرده ام، اگر نماز را در وقتش برپا

دارد، کیفرش ندهم و او را بی محاسبه وارد بهشت گردانم.
- امام صادق (علیه السلام): خداوند از هر کس يك نماز را بپذیرد، عذابش نمی کند، از

هر کس يك کار نیک بپذیرد، کیفرش نمی دهد.

- روز قیامت، پیر مرد را می آورند و نامه عملش را آشکارا و پیش روی مردم به او می دهند در حالی که جز بدی در آن دیده نمی شود، پس بر او گران می آید و می گوید: ای پروردگار من، آیا فرمان می دهی مرا به دوزخ برندی؟ پس خدای بزرگ - جل جلاله - می گوید: ای پیر، من شرم می کنم تو را کیفر دهم و حال آنکه تو در دنیا برای من نماز می گزاردی. بنده ام را به بهشت ببرید.

- محمد بن عمران از امام صادق (علیه السلام): بنده ای را روز قیامت می آورند که کار

نیکی ندارد. پس به او گفته می شود: یاد کن یا به یاد آر، آیا کار نیکی داری؟ پس به یاد می آورد و می گوید: ای پروردگار من، کار نیکی نکرده ام جز اینکه فلان بنده با ایمانت بر من گذشت، از او آب خواستم و او به من داد. پس با آن وضو گرفتم و برای تو نماز گزاردم. (امام صادق) فرمود: پس پروردگار تبارک و تعالی می فرماید: همانا تو را آمرزیدم، بنده ام را وارد بهشت کنید.

فصل بیست و هشتم

کلیات آثار نماز

- پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله): هیچ بنده ای به وقتهای نماز و جایگاههای

خورشید، اهتمام

نمی ورزد، جز اینکه برای او راحتی هنگام مرگ، قطع پریشانی ها و

اندوهها و نجات از آتش را ضمانت می کنم.

- نماز از آیینهای دین است، در آن خشنودی پروردگار عز وجل است، راه

روشن پیامبر است و نمازگزار محبت فرشتگان را با خود دارد. هدایت

و ایمان، نور معرفت، برکت در روزی، آسایش تن، ناپسندی برای

شیطان، سلاحی برابر کافر، پذیرش دعا، قبولی اعمال، توشه مؤمن از

دنیا به سوی آخرت، شفیع میان او و فرشته مرگ، انس او در گورش،

فرش زیرش و پاسخ منکر و نکیر است. و نماز بنده هنگام محشر، تاجی

بر سر اوست و نوری بر چهره اش، پوشش کالبدش، پرده ای میان او و

آتش، حاجتی میان او و پروردگار بزرگ و با شکوهش، نجات تنش از

آتش، برکه عبور از صراط، کلیدی برای بهشت، مهریه حورالعین و

بهای بهشت است. بنده با نماز در فراز می آید، زیرا نماز تسبیح و تهلیل

(لا إله الا الله گفتن و گواهی به یکتایی خدا) و سپاس و بزرگداشت و

مدح و تنزیه و سخن گفتن (با خدا) و دعاست.

- نماز، ستون دین و در آن ده ویژگی است: زینت چهره، نور دل، آسایش تن، انس گورها، فرو آورنده رحمت، چراغ آسمان، سنگینی میزان، خشنودی پروردگار، بهای بهشت و پرده ای از آتش است. هر کس آن را بر پا کند، دین را بر پا داشته و هر کس آن را رها کند، دین را نابود کرده است.

- خداوند فرشته ای به نام سخائیل دارد که برای نماز گزاران هنگام هر نماز براتهایی از پروردگار بزرگ جهانیان می گیرد. پس هنگامی که مؤمنان صبح بر مسخیزند و وضو می گیرند و نماز صبح را می خوانند، براتی را برای آنان از خدای عز و جل می گیرد که در آن نوشته شده است: من خدای جاویدم. بندگانم، شما را در پناه خود قرار دادم و در سایه حمایت و نگاهبانی خود در آوردم. به عزتم سوگند، شما را وا نمی گذارم و گناهانتان تا ظهر آمرزیده شده است. پس هنگام ظهر که بر مسخیزند و وضو می گیرند و نماز می خوانند، برای آنان برات دوم را از خدای عز و جل می گیرد که در آن نوشته شده است: من خدای توانایم. بندگانم، بدیهایتان را به نیکی تبدیل کردم و گناهان کوچکتان را آمرزیدم و به سبب خشنودیم از شما، در منزلگه شکوه جایتان دادم.

پس هنگام عصر که بر مسخیزند و وضو می گیرند و نماز می خوانند، برات سوم را برای آنان از خدای عز و جل می گیرد که در آن نوشته شده است: من خدای بزرگم. یادم شکوهمند و قدرتم بسیار است. بندگان من، کالبدهایتان را بر آتش حرام کردم و شما را در جایگاه نیکان، نشاندم و با رحمتم تبهکاری تبهکاران را از شما دور کردم.

پس هنگام مغرب که بر مسخیزند و وضو می گیرند و نماز می خوانند، برات چهارم را برای آنان از خدای عز و جل می گیرد که در آن

نوشته شده است: من خداوند چیره، بزرگ و والايم. بندگان من، فرشتگانم از نزد شما با خشنودی بالا آمدند. بر خود واجب کردم که شما را خشنود سازم و روز قیامت، آرزویتان را برآورده سازم. پس هنگام عشاء که بر مخیزند و وضو می گیرند و نماز می خوانند، برات پنجم را برای آنان از خدای عز وجل می گیرد که در آن نوشته شده است: همانا من خداوندم، نه خدایی غیر از من هست و نه پروردگاری جز من. بندگان من، در خانه های خود طهارت ساختید و به سوی خانه های من گام برداشتید و در یاد من فرو رفتید و حق مرا شناختید و واجباتم را انجام دادید. ای سخائیل و دیگر فرشتگانم، شما را گواه می گیرم که من از آنان خشنود شدم.

پس سخائیل هر شب، پس از نماز عشاء، سه بار فریاد سر می دهد: ای فرشتگان خداوند، همانا خداوند تبارک و تعالی، نماز گزاران یکتاپرست را آمرزید. پس هیچ فرشته ای در آسمانهای هفتگانه نمی ماند جز اینکه برای نماز گزاران آمرزش می طلبد و برای مداومتشان بر این کار دعا می کند. هر کس - مرد یا زن - نماز شب روزیش شود و فقط برای خدای عز وجل برخیزد، وضویی کامل بگیرد و برای خدای عز وجل با نیتی راست و دلی پیراسته و تنی افتاده و چشمی گریان، نماز بگذارد، خداوند تبارک و تعالی، پشت سر او، نه صف از فرشتگان قرار می دهد که تعداد فرشتگان هر صف را جز خدای تبارک و تعالی نمی داند، يك طرف صف در شرق و طرف دیگرش در غرب است و هنگامی که (از نمازش) فارغ شد، برای وی به عدد این فرشتگان، درجه نوشته می شود.

فصل بیست و نهم

آثار نماز نخواندن

/ ۲۹

خشم خدای متعال

- پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله): هر کس نمازی را نخواند، خداوند را می بیند که بر او

خشمناک است.

/ ۲۹

تباه شدن عمل

- پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله): هر کس نماز را از روی قصد ترك کند، خداوند عملش را

تباه می کند (۱).

- زراره: از امام صادق درباره این گفته خدای عز وجل پرسیدم: " هر کس به

(ارکان) ایمان کفر ورزد، بی گمان عملش تباه است "، فرمود: ترك کردن

کاری که بدان اقرار دارد که از آن جمله، ترك نماز بی هیچ بیماری و

گرفتاری است.

(۱) در صحیح بخاری و سنن نسایی و مسند ابن حنبل چنین آمده است: " هر کس نماز عصر را ترك کند... ".

کفر

- پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله): هر کس نماز را عمدا ترک کند، آشکارا کفر ورزیده است (۱).

- پیمان میان ما و آنان، نماز است. پس هر کس آن را ترک کند، کافر شده است.

- کسی که نماز نمی گزارد، دین ندارد.

- کسی که نماز نمی گزارد، بهره ای از دین ندارد (۲).

- (مرز) میان کفر و ایمان، جز ترک نماز نیست.

- (مرز) میان بنده و کفر، ترک نماز است.

- هر کس نماز را ترک کند و به پاداش آن امید نورزد و از عذابش نهراسد، اهمیت نمی دهد که یهودی، مسیحی و یا مجوس بمیرد.

- میان مسلمان و کفر، جز این نیست که نماز واجب را از روی قصد ترک کند و یا به جهت سبک شمردن آن را نخواند.

- امام صادق (علیه السلام): مردی نزد پیامبر آمد و گفت: ای پیامبر خدا، مرا سفارش کن.

فرمود: نماز را از روی قصد وامگذار که هر کس آن را از روی قصد

ترک کند، دین اسلام از او راهیده است. (مسلمان نیست) (۳).

- پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله) - در سفارش به معاذ - : هرگز نماز واجب را از روی قصد

ترک مکن، که هر کس نماز واجب را از روی قصد ترک کند، خداوند

تعهدی در برابر او ندارد (۴).

- امام صادق (علیه السلام) - به کسی که از گناهان بزرگ پرسیده بود - فرمود:

ترک کردن

(۱) در عوالی اللآلی قید " آشکارا " نیست.

(۲) متن دعائم الاسلام چنین است: " کسی که نماز را ترک کند نصیبی از اسلام ندارد ".

(۳) در الترغیب والترهیب چنین آمده است: " از روی قصد نماز را ترک مکنید، که هر کس آن را از روی قصد ترک کند، از دین خارج شده است ".

(۴) در المستدرک علی الصحیحین در انتهای حدیث افزوده است: " و پیامبرش نیز تعهدی ندارد ".

نماز از روی قصد یا هر آنچه خدای عز و جل واجب کرده است، زیرا پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: هر کس نماز را از روی قصد ترك کند، از پیمان

خداوند عز و جل و پیمان پیامبرش، بیرون رفته است. - امام علی (علیه السلام): تفاوت میان مؤمن و کافر، نماز است. پس هر کس آن را ترك

کند و ادعای ایمان کند، عملش او را تکذیب می کند و گواهی از خودش بر خود اوست.

- امام صادق (علیه السلام) - در پاسخ به این پرسش: چگونه زناکار را کافر نمی نامید و

ترك کننده نماز را کافر می نامید و دلیل آن چیست؟ - فرمود: چون زناکار و مانند آن، به جهت غلبه شهوت آن را انجام می دهد و ترك کننده نماز فقط از روی سبک شمردن، آن را ترك می کند.

فصل سی ام
کیفر ترك کننده نماز
قرآن:

" در میان باغها. از یکدیگر می پرسند، در باره مجرمان: چه چیز شما را در آتش درآورد؟ گویند: از نماز گزاران نبودیم. "

" او هرگز ایمان نیاورد و نماز نخواند، بلکه تکذیب کرد و روی گردان شد. سپس به سوی خانواده خود بازگشت در حالی که متکبرانه قدم بر می داشت! (با این اعمال) عذاب الهی برای تو شایسته تر است، شایسته تر! سپس عذاب الهی برای تو شایسته تر است، شایسته تر! "

" وای بر تکذیب کنندگان در آن روز. و چون به آنان گفته شود: رکوع کنید، به رکوع نمی روند. "

- پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله): امت من چهار دسته اند: ... دسته ای هیچ گاه نماز

نمی خوانند، پس برای اینان " سقر " است و " سقر " نام طبقه ای از طبقات دوزخ است. خداوند متعال گفته است: " چه چیز شما را به سقر درآورد؟؟ گفتند: از نماز گزاران نبودیم. "

- هر کس نماز را از روی قصد ترك کند، نامش را بر سر در دوزخ جزو وارد شوندگان به آن، می نویسند.

- امام باقر (علیه السلام) - نزد ایشان سخن از مردی به میان آمد و گفته شد: پرده دری

کرده، مرتکب محرمات گشته، واجبات را سبک شمرده و حتی نماز واجب را ترک کرده است. امام که تکیه داده بودند، راست نشست و فرمود: سبحان الله، نماز واجب را ترک کرده است؟ همانا ترک نماز واجب، نزد خداوند، بزرگ و گران است.

فصل سی و یکم

حقیقت نماز

- احمد بن عبد الله: امیر مؤمنان هنگام عبور از صحن " بیت الله الحرام "، نگاهش به مردی افتاد که نیکو نماز می خواند. پس فرمود: ای مرد، حقیقت نمازت را می شناسی؟ مرد گفت: ای پسر عموی بهترین آفریده خدا، آیا نماز حقیقتی جز عبودیت دارد؟ علی (علیه السلام) فرمود: بدان ای مرد، همانا خداوند تبارک و تعالی پیامبرش را به کاری از کارها بر نیانگیخته جز اینکه متشابه و تأویل و تنزیل دارد و همه این ها بر اساس عبودیت است. پس هر کس حقیقت نماز را نشناسد، همه نمازهایش، ناقص و ناتمام است.

- شیخ صدوق: مردی از امیر مؤمنان پرسید: ای پسر عموی بهترین آفریده خداوند متعال، معنای بالا بردن دستها در تکبیر نخست چیست؟ فرمود: معنایش این است: خدا بزرگتر، یکتا و بی همتاست، مانند ندارد، با دست لمس نمی شود و حواس پنجگانه، او را در نمی یابد.

- احمد بن علی راهب: مردی به امیر مؤمنان عرض کرد: ای پسر عموی بهترین آفریده خدا، معنی سجده نخست، چیست؟ فرمود: حقیقتش

این است: خدایا همانا تو مرا از آن - یعنی از زمین - آفریدی و (معنای) سربرداشتن: و ما را از آن خارج کردی و (معنای) سجده دوم: و به آن باز می گردانی و (معنای) سربرداشتن از سجده دوم: و بار دیگر ما را از آن خارج می کنی. آن مرد گفت: (معنای) بلند کردن پای راست و افکندن [بر] پای چپ در تشهد چیست؟ فرمود: حقیقتش این است: خدایا، باطل را بمیران و حق را بر پادار (۱).

- امام علی (علیه السلام) - در معنای گفته امام جماعت: السلام علیکم - فرمود: همانا

امام، گفته خدا را تفسیر می کند و در ترجمه آن به جماعت نماز گزار می گوید (این نماز) امانی برای شما از عذاب خدا در روز قیامت، است. - جابر بن عبد الله انصاری: با مولایمان امیر مؤمنان (علیه السلام) بودم که مردی را دید

به نماز ایستاده است. پس به او فرمود: ای مرد، آیا حقیقت نماز را می دانی؟ عرض کرد: ای مولای من، آیا نماز حقیقتی غیر از عبادت دارد؟ پس فرمود: آری. سوگند به کسی که محمد را به نبوت برانگیخت هیچ پیامبری را به کاری از کارها بر نیانگیخته، جز اینکه متشابه و تأویل و تنزیل دارد و همه این ها بر عبادت، دلالت می کنند. پس آن مرد عرض کرد: ای مولای من مرا از آن آگاه کن.

حضرت فرمود: حقیقت (هفت) تکبیر آغازین تو که با آن کارهایی را بر خود حرام می کنی این است: هنگامی که الله اکبر نخست را می گویی، در دلت بگذرانی: خدا بزرگتر از آن است که به برخاستن و نشستن توصیف شود. و در تکبیر دوم، به حرکت و سکون و در سوم، به جسم بودن یا تشبیه به چیزی کردن یا با چیزی مقایسه کردن توصیف شود و در تکبیر چهارم در دلت می گذرانی: (خدا بزرگتر از آن است) که حالت‌های گوناگون بر او عارض شود یا بیماریها او را بیازارد و در تکبیر

(۱) در "الفقیه" حدیث از "معنای بلند کردن پای راست... " آغاز می گردد.

پنجم در دلت می گذرانی: (خدا بزرگتر از آن است) که به جوهر و عرض بودن توصیف شود، تا در چیزی حلول کند یا چیزی در او حلول کند. در تکبیر ششم در دلت می گذرانی: (خدا بزرگتر از آن است) که هر چه بر موجودات حادث (پدید آمده) روا بدانی، چون نابودی و جابجایی و دگرگونی از حالتی به حالتی، بر او نیز روا داری. و در تکبیر هفتم، اینکه حواس پنجگانه او را دریابد. پس حقیقت کشیدن گردن در کوع آن است که در دلت بگذرانی: به تو ایمان آوردم، حتی اگر گردنم را بزنی. و در سر برداشتن از رکوع هنگامی که می گویی: "خدا به آن که او را مستتاید، گوش می دهد، سپاس مخصوص پروردگار جهانیان است"، حقیقتش این است: کسی که مرا از عدم به وجود آورد و حقیقت سجده نخست آن است که در حال سجده در دلت بگذرانی: مرا از آن (زمین) آفریدی و حقیقت سر برداشتن: و مرا از آن خارج کردی و سجده دوم: و مرا به آن باز می گردانی و در سر برداشتن (دوم) به دلت می گذرانی: و بار دیگر مرا از آن خارج می کنی.

و حقیقت نشستن بر سمت چپ و بلند کردن پای راست و افکندن آن بر پای چپ این است که به دلت می گذرانی: خدایا همانا من حق را بر پا کردم و باطل را میراندم. و حقیقت تشهدت: نو کردن ایمان و بازگشت به اسلام و اقرار به خیزش پس از مرگ است و حقیقت سلام دادنها: بزرگداشت پروردگار سبحان و بزرگ دانستن او از هر چه ستمکاران می گویند و کجروان توصیف می کنند. و حقیقت گفته ات: "سلام بر شما و نیز رحمت و برکات خداوند" ترحم از خداوند سبحان است، یعنی: این (نماز) امانی برای شما از کیفر روز قیامت است. سپس امیر مؤمنان فرمود: اگر کسی حقیقت نماز را این گونه نداند،

نمازش ناقص است.

- امام صادق (علیه السلام): معنای سلام در پایان هر نماز، همان معنای امان است، یعنی

هر کس فرمان خدا و سنت پیامبرش را با فروتنی و افتادگی در برابر او، انجام دهد، از بلای دنیا در امان و از کیفر آخرت رهیده است.

- عبد الله بن فضل هاشمی: از امام صادق (علیه السلام) معنای سلام دادن در نماز را پرسیدم، فرمود: نشانه امان و پایان یافتن نماز است. گفتم: فدایت شوم این چگونه است؟ فرمود: در میان مردمان گذشته، هرگاه شخص تازه وارد بر آنان سلام می داد، خود را از بدیش در امان می دیدند و اگر جواب سلام او را می دادند، او نیز خود را در امان می دید. پس اگر سلام نمی داد، خود را در امان نمی دیدند و اگر جواب سلام را بر سلام دهنده، رد نمی کردند، او خود را در امان نمی دید و این خوی عرب بود. پس سلام دادن نشانه بیرون رفتن از نماز و حلال کردن گفتار است و امانی برای نماز از آنچه به آن وارد شده و تباهش می کند. سلام نامی از نامهای خداوند عز و جل است و آن از نمازگزار بر دو فرشته خدا که بر او گمارده شده اند، داده می شود.

فصل سی و دوم

اسباب پذیرش نماز

- پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله): نماز پشت سر مرد پرهیزکار، پذیرفته است.

- اگر نماز مخواندید تا چون میخ (یا زه کمان) می شدید و روزه مگرفتید تا چون کمان می شدید، خداوند از شما نمی پذیرفت جز با پروای از گناه.

- امام علی (علیه السلام): جایز نیست انسان نماز بخواند، تا اینکه پنج عضو را: صورت و دو دست و سر و دو پایش را با آب و دل را با توبه بشوید.

- ابو حازم: مردی به امام سجاد (علیه السلام) عرض کرد: چه چیز سبب پذیرش نماز

است؟ فرمود: ولایت ما و براءت از دشمنانمان.

- امام صادق (علیه السلام): خداوند تبارک و تعالی گفته است: نماز را تنها از کسی

می پذیرم که در برابر بزرگی من سر فرود آورد و خود را به خاطر من از

شهوتهای نگه دارد و روزش را با یاد من سپری کند و بر آفریده های من

بزرگی نکند، گرسنه را سیر کند و برهنه را بپوشاند، بر مصیبت زده رحم

آورد و غریب را پناه دهد. پس نور این شخص چون خورشید

می درخشد و برایش در تاریکیها، نور و در نادانیها، دانایی، قرار

می دهم. با عزتم او را نگاه می دارم و با فرشتگانم از او نگهداری می کنم.
مرا می خواند، پاسخش می دهم از من درخواست می کند، می دهم.
حکایت او نزد من حکایت باغهای بهشت است، که میوه هایش خشک
نمی شود و حالت آنها دگرگون نمی گردد.
- در بیان آنچه خداوند در مناجات موسی به او فرمود: ای موسی، نماز را
نمی پذیرم جز از کسی که در برابر بزرگی من سر فرود آورده، ترس از
مرا همنشین دلش ساخته، روزش را با یاد من سپری کرده، شبش را با
پافشاری بر خطا به روز نبرده و حق اولیا و دوستان من را شناخته است.

فصل سی و سوم

موانع پذیرش نماز

- پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله): پنج نفر نمازی ندارند: زنی که شوهرش بر او خشمگین

است... و شخصی که با برادرش قطع رابطه کرده و بیش از سه روز با او گفتگو نکند و آن که پیوسته شراب منوشد و امام گروهی که برای آنان نماز می خواند و حال آنکه او را دوست ندارند.

- نماز سه نفر، از بالای سرشان، يك وجب هم بالا نمی رود: مردی که امام جماعت گروهی شده است، حال آن که از او ناخشنودند، زنی که شب را به روز می برد و حال آنکه شوهرش بر او خشمگین است و دو برادر از هم جدا شده.

- خدا تا چهل روز نماز آن را که شراب منوشد تا مست شود نمی پذیرد (۱).

- خدای متعال، تا چهل شبانه روز نماز و روزه غیبت کننده از مرد یا زن مسلمان را نمی پذیرد، مگر اینکه غیبت شونده از او درگذرد.

- خداوند به من وحی کرد که ای از تبار رسولان و بیم دهندگان، قومت را بترسان از اینکه به خانه ای از خانه های من درآیند در حالی که

(۱) در جامع الأخبار افزوده است: " و اگر باز گردد، خدا هم به سوی او باز می گردد "

چیزی از بندگانم به ستم نزد آن ها باشد که پیوسته او را در طول ایستادن به نماز در پیشگاهم، لعنت می کنم تا آنگاه که آنچه را به ستم گرفته باز گرداند.

- هر کس جامه ای به ده دینار بخرد و يك درهمش حرام باشد، خداوند تا هنگامی که در بر اوست، نمازش را نمی پذیرد.

- امام علی (علیه السلام): بنگر در چه نماز می خوانی و بر چه نماز می گزاری، اگر از راه

و طریقه حلالش نباشد، پذیرشی نیست.

- پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله): خداوند عز وجل نماز کسی را که زکات نپردازد نمی پذیرد تا

آنگاه که میان هر دو جمع کند، که خداوند عز وجل آن دو را جمع کرده است، پس میان آن دو جدایی میندازید.

- امام باقر (علیه السلام): همانا خداوند عز وجل، نماز را با زکات همراه کرده و گفته:

" نماز بر پادارید و زکات بپردازید " (۱). پس هر کس نماز برپا دارد و زکات ندهد، نماز را هم بر پا نکرده است.

- امام صادق (علیه السلام): کسی که به پدر و مادرش کینه توزانه بنگرد، حتی اگر بر او

ستمکار باشند، خداوند نمازی را از او نمی پذیرد.

- هر زنی که خود را برای غیر شوهرش خوشبو کند، نمازش پذیرفته نمی شود تا آنگاه که از آن بوی خوش غسل کند همچون غسل جنابت.

- در آنچه خداوند متعال به داود وحی کرد: بسا که بنده نماز می گزارد و آن را به صورتش می زنم و از شنیدن صدایش، خودداری می کنم. ای داود،

آیا می دانی آن چه کسی است؟ آن کسی است که با چشم ناپاک به حرم مؤمنان، فراوان منگرد و نیز کسی که با خود گفته است اگر حاکم

می شد به خاطر آن و به ستم گردن می زد.

(۱) در هفت جای دیگر قرآن کریم نیز این همراهی به چشم می خورد.

فصل سی و چهارم

فضیلت ذکر و دعا پس از نماز

- امام باقر (علیه السلام) - درباره گفته خداوند تبارك و تعالی: " پس چون فراغت یافتی

(در دعا) بکوش و با اشتیاق، به سوی پروردگارت روی آور " -: هنگامی که پس از سلام دادن، نماز را تمام کردی و هنوز نشسته ای، به دعا برای دنیا و آخرت پرداز و هنگامی که از دعا فارغ شدی به خداوند تبارك و تعالی التماس کن، تا آن را از تو بپذیرد.

- امام صادق (علیه السلام) - در گفته خدای عز و جل: " پس چون فراغت یافتی (د بکوش

و با اشتیاق، به سوی پروردگارت روی آور " -: مبدا که دعای پس از نماز واجب را وانهی، که فضیلت آن پس از نماز واجب همچون فضیلت نماز واجب بر نماز مستحب است.

- پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله): هر کس از نماز صبح تا طلوع خورشید در نماز گاهش

بنشیند، خداوند او را از آتش حفظ می کند.

- هر کس نماز صبح بگذارد و سپس به ذکر خدا بنشیند تا خورشید طلوع کند، بهشت برایش واجب می شود.

- عمر: همانا پیامبر لشگری را به سوی " نجد " فرستاد. پس غنایم زیادی به

چنگ آورده زود باز گشتند. مردی که با آنان نرفته بود گفت: ما گروهی ندیده بودیم که چنین سریع و با این همه غنیمت باز گردند. پس پیامبر فرمود: آیا شما را به گروهی راهنمایی نکنم که بازگشتشان سریع تر و غنیمتشان بیشتر است؟ گروهی که در نماز صبح حاضر می شوند و سپس به ذکر خداوند می نشینند تا آنگاه که خورشید بر آنان طلوع کند. پس اینان، بازگشتشان سریع تر و غنیمتشان بیشتر است.

- جابر بن سمره: پیامبر (صلی الله علیه و آله) هرگاه نماز صبح می گزارد، در نماز گاهش می نشست تا خورشید، نیک در آید.

- امام علی (علیه السلام): ذکر و دعاء پس از نماز صبح و عصر، روزی را افزون می کند.

- امام باقر (علیه السلام): دعا کردن پس از نماز واجب، برتر از نماز مستحبی خواندن است (۱).

- امام صادق (علیه السلام): مردم به چیزی سخت تر (یا سودمندتر) از ذکر و دعای پس از نماز، نپرداخته اند.

- برای روزی جستن، دعای پس از نماز (۲)، کاراتر از سفر به شهرهاست (۳).
- خداوند عز و جل، نمازهای پنجگانه (۴) را در بهترین زمانها بر شما واجب کرده است. پس پیوسته در پی نمازها، دعا کنید.

- هر کس نمازی واجب بگزارد و تا نماز واجب دیگری به ذکر و دعا پردازد، مهمان خداست و بر خداوند سزد که مهمانش را گرامی بدارد.

(۱) در "الفقیه" در پایان روایت افزوده است و "سنت نیز بر این جاری است".
(۲) ترجمه تعقیب به دعای پس از نماز بر اساس آنچه در آخر نقل "تهذیب" آمده است صورت گرفت.
(۳) در نقلی دیگر از "تهذیب" و نیز "الفقیه" چنین آمده است: "به تعقیب و دعا نشستن پس از نماز صبح تا طلوع آفتاب... و در "دعائم الاسلام" آمده است: "ذکر و دعای پس از نماز صبح رساتر...".
(۴) تفسیر قمی قید "پنجگانه" را ندارد.

فصل سی و پنجم
آنچه پس از نماز می سزد
/ ۳۵

سه بار تکبیر گفتن
- امام باقر (علیه السلام): هنگامی که سلام دادی، دستانت را سه بار به تکبیر بلند کن.

- مفضل بن عمر: به امام صادق (علیه السلام) عرض کردم: به چه علت نماز گزار پس از

سلام دادن، سه بار تکبیر می گوید و همراه آن دستانش را بلند می کند؟ فرمود: چون پیامبر هنگام فتح مکه نماز ظهر را با اصحابش نزد "حجر الاسود" خواند و هنگامی که سلام داد، سه بار دستانش را به تکبیر بلند کرد و گفت: هیچ خدایی جز خداوند نیست، خداوند یگانه یگانه، به وعده اش وفا کرده، بنده اش را یاری رسانده و لشکرش را عزیز داشته و به تنهایی بر همه دسته ها غلبه نموده است. پس مالکیت برای او و سپاس مخصوص به اوست. زنده می کند و ممیراند و او بر همه کار تواناست.

سپس به اصحابش روی کرد و فرمود: این تکبیر، در پی هر نماز واجب است و هر کس آن را پس از سلام دادن، انجام دهد و این گفته را بگوید، شکر خداوند - یادش بلند باد - را که به سبب تقویت اسلام و

لشکر آن، بر او واجب شده، به جا آورده است.
/ ۳۵

آیه الکرسی خواندن
- پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله): ای علی، پیوسته در پی نماز واجب، " آیه الکرسی " را بخوان
که جز پیامبر، درستکار و شهید بر آن مواظبت نمی ورزد.
- کسی که در پی هر نماز واجب " آیه الکرسی " بخواند، تنها فاصله میان او تا در آمدن به بهشت، مرگ است.
- آن که در پی نماز واجب، " آیه الکرسی " بخواند، تا نماز دیگر در پناه خداست.

/ ۳۵

سوره توحید خواندن
- پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله): هر کس سوره توحید را ده مرتبه در پی هر نماز واجب بخواند، خداوند حوریه های بهشتی را به همسریش در می آورد (۱).
- امام صادق (علیه السلام): هر کس به خدا و روز آخرت ایمان دارد، " قل هو الله احد " خواندن را در پی نماز واجب وانگذارد که هر کس آن را بخواند، خداوند خیر دنیا و آخرت را برایش فراهم می آورد و افزون بر او، پدر و مادر و فرزندان آن دو را مآمرزد.

/ ۳۵

دروود فرستادن بر پیامبر و خاندانش
- امام علی (علیه السلام): هر گاه بنده از نمازش فارغ شود، بر پیامبر دروود فرستد و

(۱) مستدرک الوسائل این حدیث را از البلد الامین نقل کرده و حال آنکه در نسخه چاپی آن، موجود نیست، در نقل کنز العمال نیز به جای عبارت " از حوریه ها به همسریش... " آمده است: " خداوند رضوان و آمرزشش را برای او واجب می کند ".

بهشت را از خداوند بخواهد و از آتش به خدا پناه ببرد و بخواهد که حوریه های بهشتی را به همسریش درآورد.

/ ۳۵

تسبیحات حضرت زهرا (علیها السلام)

- امام صادق (علیه السلام): کسی که پس از نماز واجب در پی کار دیگر نرفته، تسبیحات حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) را بگوید، خداوند او را مآمرزد و باید (تسبیحات را) با الله اکبر آغاز کند.

- تسبیحات فاطمه در هر روز و در پی هر نماز، نزد من محبوب تر از هزار رکعت نماز در هر روز است.

- ابودرداء: نزد پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله) آمدم و گفتم: ای پیامبر خدا، ثروتمندان، دنیا و

آخرت را بردند، نماز می خوانیم و می خوانند، روزه می گیریم و

می گیرند، صدقه می دهند و ما نمی دهیم. فرمود: آیا تو را به چیزی

راهنمایی نکنم که اگر انجام دهی هیچ کس پیش از تو به آن پیشی

نگرفته و هیچ کس هم از این پس، به تو نمی رسد جز کسی که همچون

تو کند؟ در پی هر نماز، سی و سه بار سبحان الله، سی و سه بار الحمد لله

و سی و چهار بار الله اکبر می گویی.

/ ۳۵

استغفار کردن

- پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله): گناهان کسی که در پی هر نماز سه بار استغفار کند و بگوید:

" از خدایی که جز او خدایی نیست و زنده و پاینده است، آمرزش

می طلبم و به سویش باز می گردم " آمرزیده می شود.

- ثوبان: پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله) هر گاه نمازش را به پایان می برد، سه بار

استغفار

می کرد و می گفت: " خدایا تو سلام هستی و سلام از توست، مبارکی ای

شکوهمند گرامی " .

/ ۳۵

سجده شکر گذاردن

- امام صادق (علیه السلام): سجده شکر بر هر مسلمان واجب است، با آن نماز را

کامل می کنی، پروردگارت را خشنود می سازی و فرشتگان را به شگفتی می آوری. همانا آنگاه که بنده نماز خواند و سپس سجده شکر گزارد، پروردگار متعال، پرده از میان او و فرشتگان بر می گیرد و می گوید: ای فرشتگان من، به بنده ام بنگرید که با عبادتش به من تقرب جست و پیمانم را به پایان برد. سپس برای من به خاطر شکر نعمتهایی که به او بخشیده ام، سجده کرد. فرشتگانم، چه چیزی برای اوست؟ پس فرشتگان می گویند: ای پروردگار ما، رحمت تو. سپس پروردگار می گوید: دیگر چه؟ و فرشتگان می گویند: ای پروردگار ما، بهشت تو. پس پروردگار متعال می گوید: دیگر چه؟ و فرشتگان می گویند: ای پروردگار ما، حل مشکلاتش. پس پروردگار می گوید: دیگر چه؟ و هیچ چیز از نیکیها نمی ماند، جز اینکه فرشتگان می گویند. سپس خداوند متعال می گوید: ای فرشتگان من دیگر چه؟ و فرشتگان می گویند: ای پروردگار ما، هیچ نمی دانیم. پس خداوند متعال می گوید: از او قدردانی می کنم همانگونه که او مرا سپاس گزارد و با فضل و بخشش به او روی می کنم و رحمتم را به دو نشان می دهم.

- علی بن حسن بن علی بن فضال از امام رضا (علیه السلام): سجده شکر گزاردن پس

از نماز واجب در برابر توفیقی است که خداوند - یادش بلند باد - به بنده داده تا واجبش را انجام دهد. و کمترین چیزی که از گفتار در آن کفایت می کند این است که سه مرتبه " شکر الله " گفته شود.

گفتم: معنای این گفته: " شکر الله " چیست؟ فرمود: می گوید: این سجده از من است برای سپاسگزاری از خداوند که مرا توفیق خدمت و انجام واجبش داد و شکر سبب افزونی است. پس اگر در نماز کوتاهی

کرده با این سجده، آن را کامل می کند.

- طبرسی: محمد بن عبد الله حمیری در نامه ای به امام مهدی (عج) از سجده شکر پس از نماز واجب پرسید و این گونه نوشت: برخی از یاران آن را بدعت می دانند، آیا جایز است، انسان این سجده را پس از نماز واجب بگذارد؟ و اگر جایز است در نماز مغرب پس از خود نماز است یا پس از آنکه چهار رکعت نماز نافله مغرب را هم خواند؟

امام پاسخ داد: سجده شکر از لازمتین و ضروری ترین سنتها است و هیچ کس آن را بدعت نخوانده، مگر کسی که خود در پی بدعت گذاری در دین است. و اما روایتی که سجده شکر پس از نماز مغرب و اختلاف در زمان انجام آن را مطرح می کند که آیا پس از سه رکعت مغرب یا پس از چهار رکعت نافله آن است، (پاسخش این است) برتری دعا و تسبیح پس از نمازهای واجب، بر دعا پس از نمازهای نافله، مانند برتری خود نمازهای واجب بر نافله است و سجده شکر، گونه ای دعا و تسبیح است. پس بهتر است، پس از نماز واجب باشد. گرچه انجامش پس از نمازهای نافله نیز جایز است.

۳۵ /

گونه بر خاک نهادن

- امام صادق (علیه السلام): موسی بن عمران (علیه السلام) هرگاه نماز می گزارد، تا گونه راست و

چپش را به زمین نمچسباند، در پی کار دیگری نمی رفت.

- خداوند به موسی (علیه السلام) وحی کرد که ای موسی، آیا می دانی از میان آفریده هایم چرا تو را به هم صحبتی ام برگزیدم؟ گفت: ای پروردگار من، به چه سبب؟ پس خداوند تبارک و تعالی به او وحی کرد که ای موسی: من درون و برون بندگانم را واری کردم. پس هیچ کس را نیافتم که خود را برای من بیش از تو خوار سازد، ای موسی، تو هرگاه نماز می گذاری، گونه ات را بر خاک - یا گفت: بر زمین - می نهی.

فصل سی و ششم

دعاهای روایت شده در پی نماز

- امام جواد (علیه السلام): هرگاه پیامبر (صلی الله علیه وآله) از نمازش فارغ می شد می گفت: خدایا، آنچه

را کرده و می کنم، نهان و آشکار کرده ام، اسراف بر خود را و آنچه را که تو بهتر از من می دانی، بر من بیامرز. خدایا تو پیش از همه و پس از همه هستی، جز تو خدایی نیست. به داناییت بر نهان و به تواناییت بر همه خلقت سوگند، تا آنگاه که زندگی را برایم بهتر می دانی، مرا زنده نگاه دار و آن گاه که مرگ را برایم بهتر می دانی، مرا بمیران. خدایا، همانا من بیم از تو را در نهان و آشکار، سخن حق را در خشم و خشنودی و میانه روی را در تنگدستی و توانگری، از تو می خواهم. نعمتی تمام ناشدنی و روشنی چشمی ناگسستنی را از تو می خواهم. خشنودی به حکم تو، مرگی مبارک پس از زندگی و زندگانی آرام پس از مرگ، لذت نگاه به تو و شوق دیدارت و ملاقات تو بی رنجی گزنده و فتنه ای گمراه کننده را، از تو می خواهم. خدایا، ما را به زینت ایمان، مزین کن و راهنما و رهیافته قرار ده. خدایا، ما را در میان آنان که ره نمودی، ره بنما. خدایا، همانا من اراده قوی بر یافتن راه راست و پایداری در کار و استواری در راه حق را از تو می خواهم. سپاسگزاری نعمت را، سلامتی کامل و ادای حقت را می خواهم. ای پروردگار من، دلی پیراسته و زبانی

راستگو از تو می خواهم. از آنچه که می دانی آموزش می طلبم و نیکوترین آنچه که می دانی از تو می خواهم و از بدی آنچه می دانی به تو پناه می برم، که تو می دانی و ما نمی دانیم و تو به نهانها بسیار دانایی (۱).
- ابو ایوب انصاری: در پشت سر پیامبرتان (صلی الله علیه وآله) نماز نگزاردم، جز اینکه

هرگاه نمازش را به پایان می برد، می شنیدم که می گوید: خدایا همه خطاها و گناهانم را بیامرز، خدایا نعمت را بر من ارزانی دار، مرا زنده بدار و روزیم ده و به کارها و خوبیهای شایسته رهنمونم کن که جز تو به شایسته های آن دو (کارها و خوبیها) ره نمی نماید و جز تو از زشتیهای آن دو، باز نمی دارد.

- پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله) - به علی (علیه السلام) - : هرگاه خواستی هر چه را می شنوی و

می خوانی به یاد بسپاری، این دعا را در پی هر نماز بخوان: پاك و منزه است آن که به مردمان مملکتش تجاوز نمی کند. پاك و منزه است آن که ساکنان زمین را کیفرهای گونه گون نمی دهد، پاك و منزه است آن مهربان و بخشش گر. خدایا، در دل من نور و بینش و فهم و دانایی قرار ده، که تو بر هر کار توانایی.

- اصبغ از امام علی (علیه السلام): هر کس دوست دارد از دنیا برود در حالی که از گناهانش پاك شده آنگونه که زر ناب از تیرگیها پاك می گردد و هیچ کس چیزی به ستم برده را از او مطالبه نکند، در پی هر يك از نمازهای پنجگانه، تبار نامه خداوند، قل هو الله احد، را دوازده مرتبه بخواند. سپس دستانش را بگشاید و بگوید: خدایا به نام پنهان، پوشیده، پاك، پاکیزه و خجسته ات از تو می خواهم. به نام بزرگ و چیرگی همیشگی از تو می خواهم. ای بخشنده عطاها، ای آزاد کننده اسیران، ای رهایی دهنده مردم از آتش، بر محمد و خاندان او

(۱) در نقل سنن ابی داود و سنن کبری، تنها تا " جز تو خدایی نیست " آمده است.

دروود فرست، از آتش رهاییم ده، آسوده از دنیا ببر و به سلامت وارد بهشت گردان. آغاز دعایم را رستگاری، میان آن را کامیابی و پایان آن را نیکویی قرار ده، که تنها تو به نهانها بسیار دانایی. سپس فرمود: این از امور نهانی است که پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله) به من آموخت و فرمان داد آن را به

حسن و حسین نیز بیاموزم.

- امام صادق (علیه السلام): پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله) روزی به اصحابش فرمود: آیا اگر هر چه

لباس و ظرف دارید گرد آورید و روی هم بنهید، فکر می کنید به آسمان برسد؟ گفتند: نه ای پیامبر خدا، فرمود: آیا شما را به چیزی راهنمایی نکنم که ریشه اش در زمین و شاخه اش در آسمان باشد؟ گفتند: چرا، ای پیامبر خدا. فرمود: هر يك از شما که از نماز واجبش فارغ شد، سی بار بگوید: " و خدا پاک و منزّه است، سپاس برای خداست و جز خداوند، هیچ خدایی نیست و خدا بزرگتر است ". همانا ریشه این ها در زمین و شاخه آن ها در آسمان است. آن ها خرابی، آتش، غرق شدن، در چاه افتادن، خوراك درنده شدن، مرگ بد و بلای آسمانی را که در آن روز بر بنده فرود می آید، دفع می کنند و آن ها ماندگارند.

- پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله): در پی هر نماز می گویی: خدایا از نزد خود مرا ره بنما و از

فضل و بخشش بر من فرو ریز و از رحمت بر من بگستر و از برکتهایت، بر من فرو فرست.

- امام علی (علیه السلام) - از دعای ایشان پس از نماز واجب - : خدایا، برای تو نماز

گزاردم و حال آنکه می دانی در نمازم، نقص و شتاب و فراموشی و غفلت و کسالت و سستی و از یاد بردن و ریا و خودنمایی و شك و دوری و گمان و عجب و اندیشه کردن و فرو گذاشتن از کمال واجبیت، می باشد. ای خدای من، از تو می خواهم بر پیامبر و خاندانش درود فرستی و نقص نمازم را به تمام، و شتابم را در آن به تأمل و استواری و

فراموشی ام را به بیداری و غفلتم را به مواظبت و کسالتم را به نشاط و سستی ام را به پایداری و از یاد بردنم را به یاد داشتن و دوری ام را به کشش و ارتباط و ریایم را به اخلاص و خودنمایی ام را به پوشاندن و شکم را به یقین و گمانم را به حجت و اندیشه ام را به فروتنی و تحیر و فروماندنم را به فرمانبرداری، تبدیل فرمایی. همانا برای تو نماز گزاردم و به تو روی کردم و به تو ایمان آوردم و تو را قصد کردم. پس در نماز و دعایم، رحمت و برکت قرار ده که زشتیهایم را بپوشاند و جایگاهم را گرامی دارد و رویم را سفید گرداند و عملم را پاکیزه کند و بار گناهم را سبک گرداند. خدایا، با آن، سنگینی ام را سبک گردان و آنچه را نزد

توست بهتر از آنچه از من می بری، قرار ده.

سپاس خداوندی که واجبی را از من ادا کرد که از نمازهای واجب و نوشته شده بر مؤمنان بود. ای خداوند، ای بخشنده ترین بخشنندگان.

- هر کس می خواهد پیمانۀ اش را تمام گیرند، پس در پی هر نماز بگوید: **پاک و منزّه است پروردگارت، پروردگار عزت، از آنچه می گویند و سلام بر پیامبران و سپاس مخصوص پروردگار جهانیان است.**

- امام باقر (علیه السلام): **کمترین چیزی که از دعا، پس از (نماز) واجب کفایت می کند،**

این است که بگویی: خدایا، همانا من هر نیکی را که به آن آگاهی داری، از تو می خواهم و از هر بدی که به آن دانایی، به تو پناه می برم. خدایا، همانا من آسایش در همه کارهایم را از تو می خواهم و از رسوایی دنیا و عذاب آخرت به تو پناه می برم (۱).

- امام صادق (علیه السلام): **هر کس در پی نماز واجب بگوید: "خود و خانواده و فرزندانم و هر کس که نگهداریش با من است را، به خدای بزرگ و شکوهمند می سپارم و به خدایی که همه چیز در برابر بزرگی اش**

(۱) الفقیه، و مکارم الاخلاق، در آغاز حدیث، صلوات بر پیامبر و خاندانش را نیز دارند.

وحشت زده و ترسان و خوار است، خود و خانواده، دارایی، فرزندان و هر کس را که نگهداریش با من است می سپارم". در میان بالی از بالهای جبریل در بر گرفته و خود و خانواده و دارایش حفظ می شود.

- دعایی است که در پی هر نماز خوانده می شود، پس اگر بیماری و رنج و دردی داری، هرگاه نمازت را به پایان بردی، هفت بار با دست، سجده گاهت را مسح کن و این دعا را بخوان و دستت را بر جای درد بکش و بگو: " ای کسی که زمین را بر آب و هوا را با آسمان نگه داشت و برای خود زیباترین نامها را انتخاب کرد، بر محمد و خاندانش درود فرست و برای من این گونه و آن گونه کن و این و آن را روزیم ده و از فلان و به همان سلامتی ام بخش.

- خطاب به کسی که گفت: فدایت شوم، پیروان تو می گویند: همانا ایمان دو گونه است: ماندگار و نماندنی. پس چیزی به من بیاموز که اگر آن را بگویم، ایمانم کامل شود، - فرمود: در پی هر نماز واجب بگو: خشنودم به اینکه، خداوند، پروردگارم، محمد، پیامبر، اسلام، دین، قرآن، کتاب، کعبه، قبله و علی ولی و امام باشد. و به امامت حسن و حسین و امامان (صلوات الله علیهم) خشنودم. پس آنان را نیز از من خشنود کن که تو بر هر کار توانایی.

- علی بن مهزیار: محمد بن ابراهیم به ابوالحسن (علیه السلام) (۱) نوشت: ای سرور

من، اگر صلاح می بینی، دعایی به من بیاموز که اگر در پی نمازهایم بخوانم خداوند برای من نیکی دنیا و آخرت را گرد آورد. پس امام (علیه السلام) نوشت: می گویی: از بدی دنیا و آخرت و بدی همه دردها، به روی کریمانه ات و عزت زوال ناپذیرت، پناه می برم.

(۱) به احتمال فراوان، منظور امام هادی (علیه السلام) می باشد.

فصل سی و هفتم
فضیلت انتظار نماز

- پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله): تا نماز را انتظار می کشید، از نیکی جدایی ندارید.

- انتظار کشیدن نماز پس از نماز، گنجی از گنجهای بهشت است.

- هر کس در مسجد، نماز را انتظار می کشد، در نماز است.

- آن که در مسجد به انتظار نماز نشسته است، همچون عبادت کننده است

و تا آنگاه که به خانه اش باز گردد جزو نمازگزاران نوشته می شود.

- ابو سعید خدری: پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله) گفت: آیا شما را به چیزی

راهنمایی نکنم

که خدا خطاها را با آن می پوشاند و بر نیکیها می افزاید؟ گفته شد: چرا،

ای پیامبر خدا. فرمود: وضوی کامل گرفتن با همه سختیها و فراوان گام

برداشتن به سوی این مسجدها و انتظار کشیدن نماز پس از نماز (۱).

- امام صادق (علیه السلام): پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله) فرمود: به انتظار نماز

نشستن در مسجد،

عبادت است تا آنگاه که حدثی از او سر نزند. گفته شد: ای پیامبر خدا،

(۱) در سنن نسایی، مسند ابن حنبل و سنن کبری، در پایان حدیث این عبارت را آورده اند: " این ارتباط داشتن است، این ارتباط داشتن است، این ارتباط داشتن است ".

چگونه حدثی؟ فرمود: غیبت کردن (۱).

- پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله): هیچ يك از شما نیست که با طهارت از خانه اش بیرون آید و با جماعت مسلمانان نماز بگذارد سپس به انتظار نمازی دیگر بنشیند، جز اینکه فرشتگان می گویند: خدایا او را بیامرز، خدایا بر او رحم کن.

- در سفارش به علی (علیه السلام): ای علی، سه چیز درجه و سه چیز کفاره و سه چیز هلاک کننده و سه چیز نجات دهنده اند. اما آن سه که درجه اند: وضوی کامل گرفتن در سرمای شدید و انتظار کشیدن نماز پس از نماز... .

- عثمان بن مظعون: به پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله) عرض کردم: ای پیامبر خدا، می خواهم چیزهایی را از شما پرسم. فرمود: ای عثمان، آن ها چه هستند؟ گفتم: من می خواهم راهب شوم. فرمود: ای عثمان، این کار را مکن، همانا رهبانیت امت من، نشستن در مسجدها و انتظار کشیدن نماز پس از نماز است (۲).

- امام علی (علیه السلام): منتظر رسیدن وقت نماز (دیگر) پس از نماز، از زایران خداوند عز وجل است و بر خداوند متعال رواست که زایرش را گرامی دارد و هر چه می خواهد به او بدهد (۳).

(۱) در صحیح بخاری چنین آمده است: " بنده ای که در مسجد، انتظار نماز را می کشد، تا آنگاه که حدثی از او سر نزند پیوسته در نماز است ".

(۲) در مشکاة الانوار چنین آمده است: " من قصد سیاحت دارم، فرمود: مهلت ده ای عثمان که سیاحت امت من، پیوسته در مسجد بودن و انتظار کشیدن نماز پس از نماز است ".

(۳) در تحف العقول به جای " پس از نماز "، " پس از عصر " دارد.

فصل سی و هشتم
روش اهل بیت (علیهم السلام) در نماز
/ ۳۸

نماز پیامبر (صلی الله علیه وآله)
- جابر بن عبد الله: پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله) برای خوراك و یا چیز دیگری، نماز را به تأخیر نمی انداخت.
- امام علی (علیه السلام): پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله) شام و یا چیز دیگری را بر نماز مقدم نمی داشت و هنگامی که وقت نماز در می رسید، گویا خانواده و دوست را نمی شناسد (۱).
- عائشه: پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله) با ما و ما با او گفتگو می کردیم. هنگام نماز که می شد گویا نه او ما را می شناخته و نه ما او را می شناختیم.
- ابن طاووس: نقل شده: هنگامی که پیامبر (صلی الله علیه وآله) به نماز می ایستاد، گویا ایشان جامه ای به کنار افکنده بود.

(۱) در علل الشرایع چنین آمده است: " پیامبر خدا هرگاه خورشید غروب می کرد، چیزی را بر نماز مغرب مقدم نمی داشت، تا اینکه آن را بخواند ".

- ابو [محمد] عبد الله بن حامد در حالی که حدیث را به برخی از نیکان می‌رساند: پیامبر (صلی الله علیه وآله) هرگاه نماز می‌خواند، از سینه اش آوایی از خوف،

چون آواز جوشش دیگ شنیده می‌شد (۱).

- جعفر بن علی قمی: پیامبر هرگاه به نماز می‌ایستاد، از ترس خدای متعال، رنگ چهره اش تغییر می‌کرد و سینه اش آوایی چون آواز جوشش دیگ داشت.

- امام سجاد (علیه السلام): پیامبر آن قدر در نماز می‌ایستاد، تا پاهایش ورم می‌کرد.

- امام باقر (علیه السلام): عایشه در شبی که نوبت ماندن پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله) نزدش بود، به

ایشان عرض کرد: ای پیامبر خدا، چرا خود را به زحمت می‌اندازی با آنکه خداوند گناه گذشته و آینده تو را آمرزیده است. فرمود: ای عایشه، آیا بنده ای سپاسگزار نباشم؟ و پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله) بر سر انگشتان پایش می‌ایستاد تا اینکه خداوند سبحان و متعال فرو فرستاد: "طه، ما قرآن را بر تو فرو نفرستادیم تا بر خود سخت گیری".

- امام صادق (علیه السلام): پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله) دو برابر نماز واجب، نماز مستحب می‌خواند.

- امام باقر (علیه السلام): پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله) از آغاز روز تا زوال خورشید، هیچ نماز

نمی‌خواند و هنگام زوال، هشت رکعت نماز می‌خواند که همان نماز "توبه کنندگان" است. در این ساعت، درهای آسمان گشوده می‌شود و

دعا پذیرفته می‌شود، نسیم‌ها (ی رحمت) موزد و خداوند به

آفریده هایش منگرد. پس هنگامی که سایه به اندازه يك ذراع باز

می‌گشت، چهار رکعت نماز ظهر می‌گزارد و پس از ظهر دو رکعت و

سپس دو رکعت دیگر می‌خواند و هنگامی که سایه به اندازه يك (۲) ذراع

(۱) احتجاج نیز شبیه به این متن را نقل کرده است و در پایان آن آورده است: "هرگاه به نماز می‌ایستاد،

از سینه و درونش، آوایی از شدت گریه چون آواز جوشش دیگ بر آتش، شنیده می‌شد".

(۲) به قرینه سایر روایات و علم فقه، درست آن است که "دو" باشد.

باز می گشت، چهار رکعت نماز عصر می گزارد و پس از مغرب، چهار رکعت می خواند و سپس نمازی نمی خواند تا شفق فرو رود و هنگامی که فرو می رفت، نماز عشاء را می گزارد. سپس پیامبر به بسترش می رفت و نماز نمی خواند تا نیمی از شب سپری شود. هنگامی که شب از نیمه می گذشت، هشت رکعت نماز می گزارد و در پاره چهارم شب، سه رکعت نماز وتر می گزارد و در آن ها " فاتحة الكتاب " و " قل هو الله احد " می خواند و سه رکعت را با يك سلام دادن از هم جدا می کرد و سخن می گفت و نیازهایش را می طلبید و از نماز گاهش بیرون نمی آمد، تا اینکه رکعت سوم نماز وتر را بخواند و در آن پیش از رکوع، قنوت می خواند. سپس سلام می داد و دو رکعت نماز (نافله) فجر را هنگام دمیدن سپیده یا اندکی پس و پیش، می گزارد. سپس دو رکعت نماز صبح - یعنی سپیده دمان - را هنگامی می خواند که سپیده گسترش می یافت و به خوبی روشن می شد. پس این نماز پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله) تا هنگام قبض روحش بود.

۳۸ /

نماز امام علی (علیه السلام)
 - دیلمی - در توصیف نماز امام علی (علیه السلام) - : ایشان روزی در جنگ صفین سرگرم پیکار و جنگ بود و با این همه میان دو صف، مراقب خورشید بود. پس ابن عباس به ایشان عرض کرد: ای امیر مؤمنان، این چه کاری است؟ فرمود: به زوال خورشید منگرم تا نماز بگذاریم. پس ابن عباس عرض کرد: و آیا اکنون، هنگام نماز است؟ جنگ، ما را از نماز به خود مشغول داشته است. پس حضرت فرمود: برای چه با اینان مسجنگیم؟ ما فقط برای نماز با اینان مسجنگیم.
 - ابن ابی جمهور: در حدیث است که علی (علیه السلام) هرگاه وقت نماز می شد،

نا آرام و لرزان می گشت و رنگش تغییر می کرد. به ایشان گفته می شد: شما را چه شده است، ای امیر مؤمنان؟ می فرمود: وقت نماز در رسیده است، وقت امانتی که خداوند آن را بر آسمانها و زمین عرضه کرد و آن ها از بر دوش کشیدنش خودداری ورزیدند و از آن ترسیدند.

- امام صادق (علیه السلام): هر گاه علی (علیه السلام) به نماز می ایستاد و می گفت: " رو به سوی کسی آوردم که آسمانها و زمین را آفریده "، رنگش تغییر می کرد، به گونه ای که در چهره اش هویدا می شد.

- همانا علی (علیه السلام)، در هر شبانه روز هزار رکعت نماز می گزارد.

- ابن عباس: دو شتر ماده بزرگ و فربه را برای پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله) هدیه آوردند.

پس به اصحاب فرمود: آیا کسی در میان شما هست که دو رکعت نماز با قیام و رکوع و سجود و وضو و خشوع آن بگذارد بی آنکه به هیچ کار دنیایی بیندیشد و در دل به فکر دنیا باشد، تا یکی از این دو شتر را به او بدهم؟ و این را يك بار و دو بار و سه بار گفت ولی هیچ يك از اصحاب پاسخ ندادند.

پس امیر مؤمنان برخاست و گفت: ای پیامبر خدا، من دو رکعت نماز می خوانم و از تکبیر نخستین تا سلام پایان آن، در دل به هیچ کار دنیایی نمساندیشم. پس حضرت فرمود: ای علی بخوان، خدا بر تو درود فرستد. پس امیر مؤمنان تکبیر گفت و به نماز وارد شد و هنگامی که سلام دو رکعت را داد، جبرئیل بر پیامبر فرود آمد و گفت: ای محمد، خدا به تو سلام می رساند و می فرماید: یکی از دو شتر را به او ببخش. پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله) گفت: من با او شرط کرده بودم که اگر در دو رکعت نمازی

که می خواند، به هیچ کار دنیایی نیندیشد، به او یکی از دو شتر را بدهم، در حالی که هنگام نشستن در تشهد با خود اندیشید که کدام را بگیرد.

پس جبرئیل گفت: خداوند به تو سلام می رساند و می فرماید: او اندیشید که کدام فربه تر و بزرگترند تا آن را بگیرد و قربانی کند و در راه خدا صدقه دهد، پس اندیشه اش برای خدای عز و جل بوده است و نه دنیا.

پس پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله) گریست و هر دو را به او بخشید.
/ ۳۸

نماز فاطمه (علیها السلام)

- ابن فهد: فاطمه (علیها السلام) در نماز از ترس خداوند متعال، نفس نفس می زد.
- پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله): اما دخترم، فاطمه، همانا سرور زنان جهان از آغاز تا پایان

است. او پاره ای از تنم، نور چشمم، میوه دلم، روح و جانم و حوریه ای به صورت انسان است. هرگاه در محرابش در پیشگاه پروردگار بزرگ و شکوهمندش می ایستد، نورش برای فرشتگان آسمان جلوه می نماید، همانگونه که نور ستارگان برای ساکنان زمین جلوه می کند و خداوند عز و جل به فرشتگانش می گوید: " ای فرشتگان من، به کنیز من فاطمه، سرور کنیزانم، بنگرید که در پیشگاه من ایستاده و از ترس من گوشت تنش ملرزد و با دلش به عبادت من روی آورده است. شما را گواه می گیرم که پیروانش را از آتش، ایمن ساختم."

/ ۳۸

نماز امام حسن بن علی (علیهما السلام)

- امام سجاد (علیه السلام): همانا حسن بن علی (علیهما السلام) هرگاه به نماز در پیشگاه

پروردگارش - عز و جل - می ایستاد، گوشت تنش می لرزید و هرگاه بهشت و آتش را یاد می کرد، چون مار گزیده به خود می پیچید و بهشت را از خدا می طلبید و از آتش به خداوند پناه می برد.

- حسن بن علی بن ابیطالب (علیهما السلام) نماز می خواند که مردی از پیش روی حضرت گذشت و یکی از همنشینانش، او را باز داشت. هنگامی که حضرت نمازش را به پایان برد فرمود: چرا آن مرد را بازداشتی؟ گفت: ای پسر پیامبر خدا، میان شما و محراب جدایی انداخت. پس حضرت

فرمود: وای بر تو، همانا خداوند عز وجل به من نزدیکتر از آن است که کسی میان من و او، فاصله شود.

/ ۳۸

نماز امام حسین بن علی (علیهما السلام)
- حمید بن مسلم - در بیان واقعه عاشورا - : پیوسته یاران حسین (علیه السلام) کشته

می شدند و هنگامی که از اینان يك یا دو نفر کشته می شد، آشکار می گشت ولی آنان (یزیدیان) فراوان بودند و هر چه از آنان کشته می شد، معلوم نمی گشت. چون ابو ثمامه عمرو بن عبد الله الصائدی، این را دید به حسین (علیه السلام) عرض کرد: ای ابا عبد الله، جانم فدایت، من می بینم اینان (یزیدیان) به تو نزدیک می شوند و سوگند به خدا، کشته نمی شوی تا اینکه من پیش از تو کشته گردم، ان شاء الله. و دوست دارم پروردگارم را دیدار کنم در حالی که این نماز را که وقتش نزدیک شده، بگزارم. پس حسین (علیه السلام) سرش را بلند کرد و فرمود: نماز را یاد کردی، خداوند تو را از نماز گزاران یاد کننده قرار دهد. آری، اکنون، اول وقت آن است. سپس فرمود: از آنان بخواهید که دست از ما بردارند تا نماز بگزاریم. پس حصین بن تمیم (۱) به آنان گفت: آن (نماز) پذیرفته نمی شود. پس حبیب بن مظاهر گفت: پذیرفته نمی شود! گمان کردی نماز از خاندان پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله) پذیرفته نمی شود و از تو پذیرفته می گردد؟

- ابن طاووس: وقت نماز ظهر که شد حسین (علیه السلام) به زهیر بن قین و سعید بن عبد الله حنفی فرمان داد که با نیمی از افراد جلو بایستند. سپس نماز خوف را با بقیه گزارد. پس تیری به حسین (علیه السلام) رسید. سعید بن عبد الله

(۱) از فرماندهان سپاه یزید.

حنفی پیش رفت و با تن خود به نگهبانی از امام حسین (علیه السلام) پرداخته و گام از گام بر نداشت تا اینکه به زمین افتاد، در حالی که می گفت: خدایا، آنان را همچون عاد و ثمود لعنت کن. خدایا، سلامم را به پیامبرت برسان و آنچه درد زخم کشیده ام به او خبر ده، که من پاداش تو را در یاری فرزندان پیامبرت خواستارم. پس عهدش را به سر آورد و شهید گشت (رضوان الله علیه). پس جز آنچه از ضربت شمشیرها و نیزه ها بر او بود، سیزده تیر در تنش یافت شد.

/ ۳۸

نماز امام علی بن حسین (علیهما السلام)

- امام باقر (علیه السلام): علی بن الحسین (علیهما السلام) هرگاه در نماز می ایستاد، گویی ساقه

گیاهی است که هیچ حرکتی ندارد جز حرکتی که باد به آن می دهد.

- امام صادق (علیه السلام): علی بن الحسین - صلوات الله علیهما - هرگاه در نماز می ایستاد، رنگش تغییر می کرد و هنگامی که به سجده می رفت، سر بر نمی داشت، تا اینکه عرق می کرد.

- عبد الله بن ابی سلیمان: هرگاه علی بن الحسین به نماز می ایستاد ایشان را لرزه می گرفت، پس گفته شد: شما را چه می شود؟ فرمود: نمی دانید در پیشگاه چه کسی می ایستم و با که مناجات می کنم؟!
- عبد الله بن محمد قرشی: هرگاه علی بن الحسین (علیهما السلام) وضو می گرفت،

رنگش زرد می شد. پس خانواده اش به ایشان عرض می کردند: این چه

چیزی است که شما را در بر می گیرد؟ و ایشان می فرمودند: آیا می دانید

برای ایستادن در پیشگاه چه کسی آماده می شوم؟

- امام باقر (علیه السلام): هرگاه علی بن الحسین (علیهما السلام) در نمازش می ایستاد، رنگش

دگرگون می شد و ایستادنش در نماز، ایستادن بنده ای خوار در برابر

سلطانی بزرگ بود، اندامش از ترس خدای عز وجل می لرزید و همچون کسی

نماز می گزارد که آخرین نمازش را می خواند و چنین می بیند که پس از آن، هرگز نماز نمی خواند.

- علی بن الحسین (علیهما السلام) در هر شبانه روز هزار رکعت نماز می گزارد (۱).

- هنگامی که به امام باقر (علیه السلام) گفته شد: چقدر فرزندان پدرت کم هستند؟

فرمود: شگفت این است که من چگونه زاده شدم! پدرم در هر شبانه روز هزار رکعت نماز می گزارد، پس کی به دنیا پردازد (۲).

- ابو حازم: هیچ يك از هاشمیان را برتر از علی بن الحسین (علیهما السلام) ندیدم. در

هر شبانه روز هزار رکعت نماز می گزارد، تا اینکه پیشانی و جایهای سجده اش همچون سینه شتر، بر آمده گشت.

- امام باقر (علیه السلام): روزی در نماز، بالا پوش علی بن الحسین (علیهما السلام) از يك دوشش

افتاد. آن را درست نکرد تا اینکه نمازش را به پایان برد. پس یکی از یارانش (سبب درست نکردن) آن را از حضرت پرسید. حضرت

فرمود: وای بر تو، آیا می دانی در پیشگاه چه کسی بودم؟ همانا از نماز بنده جز آنچه با دلش به خدا رو آورده باشد، پذیرفته نیست.

- امام صادق (علیه السلام): در پوشش و فقه شباهت هیچ يك از فرزندان و خانواده امیر المؤمنین (علیه السلام) به ایشان، بیشتر از علی بن الحسین (علیهما السلام) نبود.

ابوجعفر (فرزند علی بن الحسین (علیهما السلام)) بر او وارد شد و با ایشان

روبرو گشت که به مرتبه ای از عبادت رسیده بود که هیچ کس بدان دست نیافته بود. او را دید که رنگش از شب زنده داری، زرد گشته،

چشمش از گریه، آب مروارید آورده، پیشانی و بینی اش از سجده، زخم

و شکاف برداشته و ساقها و کف پاهایش از ایستادن در نماز ورم

کرده اند. پس ابوجعفر (علیه السلام) گفت: هنگامی که او را این گونه دیدم، نتوانستم

از گریه خودداری کنم و دلم به رحم آمد و گریستم و او نیز به فکر فرو

(۱) منابع دیگر جز سیر اعلام النبلاء افزوده اند: " و باد او را چون خوشه گندم خم می کرد "

(۲) آغاز حدیث در فلاح السائل چنین است: " به علی بن حسین گفته شد: چقدر فرزندان پدرت کم اند "

رفته بود. پس از اندکی که از ورودم سپری شد، متوجه من شد و گفت: ای پسر کم، برخی از آن برگه ها را که عبادت علی بن ابیطالب در آن نوشته شده به من ده، پس دادم و اندکی خواند و سپس نومیدانه آن را از دستش رها کرد و گفت: چه کس توان عبادت علی (علیه السلام) را دارد؟ - ابن شهر آشوب - در توصیف نماز امام زین العابدین (علیه السلام) - : به نماز ایستاده

بود که پسر خردسالش محمد به بالای چاه عمیق خانه اش در مدینه آمد و در آن افتاد. پس مادرش او را دید. فریاد برآورد و به سوی چاه دوید. خود را در کنار چاه می زد و کمک می خواست و می گفت: ای پسر پیامبر خدا، فرزندت محمد غرق شد. ولی ایشان از نمازش منصرف نمی شد، حال آن که صدای دست و پا زدن پسرش را در ته چاه می شنید. پس این کار بر مادر گران آمد و از غم فرزند گفت: ای خاندان پیامبر خدا، چقدر سنگدل هستید! پس امام به نماز توجه داشت و جز با اتمام و تکمیل آن بیرون نیامد. سپس به مادر فرزند رو آورد و بر کناره چاه نشست و دستش را تا ته چاه برد، حال آنکه جز با ریسمانی دراز به آن نمی رسید. پس پسرش محمد را بیرون آورد در حالی که او را در دست گرفته بود و با او خوش می گفت و می خندید و نه جامه اش تر شده بود و نه تنش. پس فرمود: بگیر، ای سست یقین به خدا. پس مادر از سلامتی فرزندش خندان و از گفته امام: ای سست یقین به خدا، گریان شد. امام فرمود: اکنون سرزنشی بر تو نیست، اگر می دانستی که من در پیشگاه خداوند جبارم که اگر روی بر می گرداندم او نیز از من روی می گرداند (چنان نمی گفتی)، آیا پس از او، کسی یافت می شود که رحم آورد (۱)؟

۳۸ /

نماز امام محمد باقر (علیه السلام)
- امام صادق (علیه السلام): پدرم (علیه السلام) در دل شب نماز می گزارد و چنان سجده اش را

(۱) نمونه این کرامتها از خادمان اهل بیت (علیهم السلام) نیز دیده شده است تا چه رسد به نفوس قدسی خود ایشان.

طول می داد، که می گفتیم: خفته است.

- جابر جعفی: ابو جعفر (امام باقر (علیه السلام)) روزی نماز می خواند که چیزی بر سر حضرت افتاد. آن را از سرش برداشت، تا اینکه جعفر برخاست و آن را از سرش برداشت. و این به خاطر بزرگداشت خداوند و توجه به نمازش بود که همان گفته خداست: " و پاکدلانه روی به دین داشته باش ".

- ابو ایوب: ابو جعفر (امام باقر (علیه السلام)) و ابو عبد الله (امام صادق (علیه السلام)) هنگامی که به نماز می ایستادند، رنگشان سرخ و زرد می شد، گویا کسی را که با او مناجات می کنند، می بینند.

- امام صادق (علیه السلام): پدرم پس از نماز عشاء آخر، دو رکعت نماز در حالت نشسته می گزارد که در آن صد آیه می خواند و می گفت: هر کس این دو رکعت را بگزارد و صد آیه بخواند، جزو غافلان نوشته نمی شود.

/ ۳۸

نماز امام جعفر صادق (علیه السلام)

- ابن طاووس: روایت شده مولایمان امام صادق (علیه السلام) در نماز، قرآن می خواند که مدهوش شد. هنگامی که به هوش آمد، پرسیده شد، چه چیز، حال شما را بدین جا کشاند؟

پس سخنانی به این مضمون فرمود: پیوسته، آیه های قرآن را تکرار می کردم، تا حالم به گونه ای شد که گویا آن را از دهان همان کس مشنوم که بی پرده و عیان فرو فرستاده است. پس توان بشری در برابر پرده بر گرفتن از شکوه الهی، تاب نیاورد.

- سفیان بن خالد - در توصیف نماز امام صادق (علیه السلام) - : ایشان روزی نماز می خواند که مردی از پیش روی حضرت گذشت و پسرش موسی (علیه السلام) هم نشسته بود. هنگامی که نماز را به پایان برد، پسرش (موسی) به ایشان گفت: ای پدر، آیا ندیدی که آن مرد از پیش رویت گذشت؟

گفت: ای پسرکم، آن کس که برایش نماز می گزارم، از آن که از پیش رویم گذشت، به من نزدیکتر است.

- حمزه بن حمران و حسن بن زیاد: بر امام صادق وارد شدیم در حالی که نزدش گروهی بودند که با آن ها نماز عصر را (به جماعت) گزارد ولی ما نماز خوانده بودیم. پس در رکوعش سی و چهار یا سی و سه بار " سبحان ربی العظیم " را شمردیم. یکی از این دو راوی در روایتش چنین گفت: " وبحمدہ " به تعداد یکسان در رکوع و سجود.

- ابان بن تغلب: بر امام صادق (علیه السلام) وارد شدم در حالی که نماز می خواند. پس در رکوع و سجودش شصت تسبیح شمردم.

/ ۳۸

نماز امام موسی بن جعفر (علیهما السلام)

- حمد بن عبد الله غروی از پدرش نقل می کند که گفت: بر فضل بن ربیع (۱) که بر پشت بام نشسته بود در آمدم. پس به من گفت: نزدیک بیا، نزدیک شدم تا در کنارش قرار گرفتم. سپس به من گفت: از این بالا به (فلان) اتاق خانه بنگر، پس از بالا نگریستم، گفت: در اتاق چه می بینی؟ گفتم: جامه ای افکنده شده. گفت: نیک بنگر، با تأمل و دقت نگریستم، برایم آشکار شد و گفتم: مردی در سجده است. گفت: او را می شناسی؟ گفتم: نه، گفت: این مولای توست. گفتم: چه کس مولای من است؟ گفت: برای من خود را به نادانی می زنی؟ گفتم: خود را به نادانی نمی زنم، بلکه برای خود مولایی نمی شناسم.

پس گفت: این ابوالحسن موسی بن جعفر است. من او را شب و روز نیک منگرم. در هیچ وقتی از اوقات او را جز بر همین حالت که به تو گفتم نمی یابم. او نماز صبح می گزارد و ساعتی نیز پس از آن

(۱) زندانبان حضرت امام کاظم (علیه السلام).

ذکر و دعا می خواند، تا خورشید طلوع کند، پس سجده می کند و تا نیم روز در سجده است و کسی را گمارده تا زوال را انتظار کشد. من نمی دانم کی غلام می گوید: خورشید زوال پیدا کرد، که یکباره بر می خیزد و نماز را آغاز می کند بی آنکه (وضویش) را نو کند. پس مفهمم که در سجده اش نخواهیده و چرت نزده است و پیوسته (این گونه است) تا نماز عصر را به پایان برد و پس از آن، سجده می کند و پیوسته در سجده است تا خورشید ناپدید شود. در این هنگام از سجده بر می خیزد و بی آنکه (وضویش) را نو کند، نماز مغرب را می خواند. و پیوسته در نماز و ذکر و دعای پس از آن است تا نماز عشا را بخواند. پس از آن با گوشتی بریان که برایش می آورند افطار می کند و سپس از نو وضو می گیرد و سجده می کند و سپس سر بر می دارد و به خوابی سبک می رود. سپس بر می خیزد و از نو وضو می گیرد و در دل شب به نماز می ایستد، تا سپیده بدمد. من نمی دانم کی غلام می گوید: سپیده دمید که یکباره برای نماز صبح بر می خیزد. این روش اوست از آن هنگام که به من تحویل داده شده است.

- محمد بن مسلم: ابو حنیفه بر امام صادق (علیه السلام) وارد شد و به ایشان گفت: پسرت (موسی) را دیدم که نماز می خواند و مردم هم از پیش رویش می گذشتند بی آنکه آنان را باز دارد، با اینکه اشکال دارد. پس امام صادق (علیه السلام) گفت: موسی را نزد من خوانید و وقتی آمد به او گفت: ای پسرکم، ابو حنیفه می گوید که نماز می خواندی و مردم هم از پیش رویت می گذشتند بی آنکه آنان را باز داری. گفت: بلی پدر، آن که برایش نماز می خوانم، از آنان به من نزدیکتر است. خدا می فرماید: " و ما از رگ گردن به او نزدیکتریم ". پس امام صادق (علیه السلام) او را به خود چسباند و فرمود ای پسرکم، پدر و مادرم فدایت باد، ای راز سپرده.

نماز امام علی بن موسی الرضا (علیهما السلام)

- ابوالحسن علی بن علی خزاعی: سرورم ابوالحسن رضا (علیه السلام) به برادرم دعبل، پیراهنی سبز رنگ از پشمی لطیف و نازک و انگشتی با نگینی از عقیق خلعت داد و به او درمهایی رضوی بخشید و گفت: ای دعبل به قم برو که از آن ها بهره‌مند می‌گرددی و سپس گفت: این پیراهن را نگاه دار که در آن، هزار شب و هر شب هزار رکعت نماز گزارده و هزار بار قرآن را ختم کرده ام.

- رجاء بن ابی الضحاک - در توصیف نماز امام رضا (علیه السلام) - : سپیده دم، نماز

صبح را می‌خواند و پس از سلام دادن در نماز گاهش به تسبیح و حمد و تکبیر ولا إله الا الله گفتن، می‌نشست و بر پیامبر (صلی الله علیه وآله) صلوات می‌فرستاد

تا اینکه خورشید طلوع کند. سپس به سجده می‌رفت و در آن می‌ماند تا روز بالا بیاید. سپس به مردم رو می‌کرد و تا نزدیک زوال خورشید (ظهر) با آنان گفتگو می‌کرد و به ایشان جایزه می‌داد (۱).
سپس از نو وضو می‌گرفت و به نماز گاهش باز می‌گشت، هنگام زوال خورشید بر می‌خاست و شش رکعت نماز می‌گزارد که در رکعت نخست سوره " حمد " و " قل یا ایها الکافرون " و در رکعت دوم، سوره " حمد " و " قل هو الله احد " و در هر یک از چهار رکعت دیگر سوره " الحمد لله " و " قل هو الله " را می‌خواند و در پایان هر دو رکعت سلام می‌داد و در رکعت دوم آن‌ها، پیش از رکوع و پس از قرائت، قنوت می‌خواند. سپس اذان می‌گفت و دو رکعت نماز می‌گزارد و پس از آن اقامه می‌گفت و نماز ظهر را می‌خواند. پس از سلام نماز هر اندازه که

(۱) گویی " يعظهم " باشد و نه " يعطهم " که ترجمه اش " ایشان را پند می‌داد "، می‌باشد.

خدا می خواست به تسبیح و حمد و تکبیر ولا إله الا الله گفتن می پرداخت و سپس سجده شکر می گزارد و در آن صدبار " شکر الله " می گفت و هنگامی که سر بر می داشت، بر می خاست و شش رکعت نماز می گزارد که در هر رکعت آن، " حمد " و " قل هو الله احد " می خواند و در پایان هر دو رکعت، سلام می داد و در رکعت دوم هر دو رکعتی پیش از رکوع و پس از قرائت، قنوت می خواند. سپس اذان می گفت و پس از آن، دو رکعت نماز می گزارد و در رکعت دوم آن قنوت می خواند. هنگامی که سلام می داد بر می خاست و نماز عصر را می خواند و پس از سلام دادن، در نماز گاهش، آن اندازه که خدا می خواست، به تسبیح و حمد و تکبیر ولا إله الا الله گفتن می پرداخت. سپس سجده می کرد و در آن صدبار " حمدا لله " می گفت. هنگامی که خورشید ناپدید می شد، وضو می گرفت و سه رکعت نماز مغرب را با اذان و اقامه می گزارد و در رکعت دوم آن پیش از رکوع و پس از قرائت، قنوت می خواند و پس از سلام دادن، در نماز گاهش می نشست و آن اندازه که خدا می خواست به تسبیح و حمد و تکبیر ولا إله الا الله گفتن می پرداخت، سپس سجده شکر می گزارد و پس از آن سر بر می داشت و با کسی سخن نمی گفت تا بر می خاست و چهار رکعت نماز با دو سلام می گزارد و در رکعت دوم هر يك، پیش از رکوع و پس از قرائت قنوت می خواند و در رکعت نخست این چهار رکعت، " حمد " و " قل يا ايها الكافرون " و در رکعت دوم، " حمد " و " قل هو الله احد " و در دو رکعت دیگر، " حمد " و " قل هو الله احد " می خواند. پس از سلام دادن آن اندازه که خدا می خواست به ذکر و دعا می نشست و سپس افطار می کرد. سپس اندکی درنگ می کرد تا نزدیک به يك سوم شب سپری شود. پس بر می خاست و چهار رکعت نماز عشاء آخر را

می گزارد و در رکعت دوم آن پیش از رکوع و پس از قرائت، قنوت می خواند. پس از سلام دادن، آن اندازه که خدا می خواست در نماز گاهش به ذکر خداوند عز و جل و تسبیح و حمد و تکبیر و تهلیل او می پرداخت و پس از ذکر و دعا، سجده شکر می گزارد. سپس به بسترش می رفت و در پاره سوم شب از بسترش با تسبیح و حمد و تکبیر و لا إله الا الله واستغفر الله گفتن بر می خاست، مسواک می زد، وضو می گرفت و سپس به نماز شب می ایستاد و هشت رکعت نماز با سلام دادن در پایان هر دو رکعت، می گزارد که در هر رکعت از دو رکعت نخست آن، يك بار " حمد " و سی بار " قل هو الله " می خواند. سپس چهار رکعت نماز جعفر بن ابیطالب با سلام در پایان هر دو رکعت می گزارد و در رکعت دوم هر يك از آن ها، پیش از رکوع و پس از تسبیح (۱) قنوت می خواند و آن را جزو نماز شب به حساب می آورد. سپس بر می خاست و دو رکعت باقیمانده را می گزارد. در رکعت نخست سوره " حمد " و سوره " ملك " و در رکعت دوم، سوره " الحمد لله " و " هل أتى على الانسان " را می خواند. سپس بر می خاست و دو رکعت (نماز) شفع می گزارد که هر رکعت آن يك بار " الحمد لله " و سه بار " قل هو الله احد " می خواند و در رکعت دوم پیش از رکوع و پس از قرائت، قنوت می خواند. هنگامی که سلام می داد بر می خاست و يك رکعت نماز وتر با توجهی تمام می گزارد و در آن يك بار " حمد "، سه بار " قل هو الله احد "، يك بار " قل اعوذ برب الفلق " و يك بار " قل اعوذ برب الناس " می خواند و پیش از رکوع و پس از قرائت، قنوت می خواند و در آن می گفت: خدایا بر محمد و خاندانش درود فرست، خدایا ما را جزو

(۱) در نماز جعفر، سیصد تسبیح گفته می شود که از جمله پانزده بار در هر رکعت پس از قرائت و پیش از رکوع است.

آنان که ره نمودی، ره بنما و جزو آنان که سلامت دادی، سلامت ده و جزو آنان که سرپرستیشان کردی، سرپرستی کن و در آنچه به ما داده ای برکت ده و ما را از آسیب حکمت، نگاه دار که تو حکم می رانی و بر تو حکم نمی رود. بی گمان هر که را تو دوست داری، خوار نمی شود و هر که را تو دشمن داری، سربلند نمی گردد. پروردگار ما، مبارك و والایی. سپس هفتاد بار می گفت: از خدا آمرزش و بازگشت به او را می خواهم و هنگامی که سلام می داد آن اندازه که خدا می خواست به ذکر و دعا می نشست و هنگامی که نزدیک سپیده دمان می شد، بر می خاست و دو رکعت نماز فجر می گذاشت و در رکعت نخست آن، " حمد " و " قل یا ایها الکافرون " و در رکعت دوم، " حمد " و " قل هو الله احد " می خواند. هنگامی که سپیده می دمید، اذان و اقامه می گفت و دو رکعت نماز صبح می گزارد. پس از سلام دادن، تا طلوع خورشید به ذکر و دعا می نشست و سپس سجده شکر می گزارد (و در آن می ماند) تا روز بالا بیاید.

فصل سی و نهم

با هم یا جدا خواندن دو نماز

- ابن عمر: هرگاه پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله) در سفر شتاب می کرد، یا کاری بر او

دشوار می آمد، نماز مغرب و عشاء را با هم می خواند (۱).

- حلبی از امام صادق (علیه السلام): هرگاه پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله) در سفر بود یا نیازی او را

وادر می کرد، نماز ظهر و عصر و مغرب و عشاء را با هم می خواند. و امام صادق افزود: عیبی ندارد که نماز عشاء آخر را در سفر زودتر و پیش از آنکه شفق ناپدید شود، بخوانی.

- امام علی (علیه السلام): پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله) در شبهای بارانی، نماز مغرب و عشاء را با هم

می خواند، این کار را بارها انجام داد.

- معاذ بن جبل: همانا پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله) در سال (غزوه) تبوك، نماز ظهر و

عصر و مغرب و عشاء را با هم خواند.

- ابن عباس: پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله) در مدینه، نماز ظهر و عصر و مغرب و عشاء را

با هم می خواند، بی آنکه وحشتی در کار باشد و یا باران بیاید.

(۱) عبارت " کاری بر او دشوار می آمد " فقط در منبع نخست موجود است.

- امام صادق (علیه السلام): پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله) هنگام زوال خورشید (ظهر) نماز ظهر و عصر را با مردم و به جماعت خواند، بی آنکه دلیل خاصی باشد و پیش از فرو رفتن شفق، نماز مغرب و عشاء را با مردم و به جماعت خواند، بی آنکه دلیل خاصی باشد. پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله) این کار را تنها برای آن کرد که وقت (نمازها) بر امتش فراخ باشد (۱).

- امام باقر (علیه السلام): همانا پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله) نماز ظهر و عصر را با هم و با يك اذان و دو اقامه خواند و نماز مغرب و عشاء را نیز با هم و با يك اذان و دو اقامه خواند.

- عبد الملك قمی از امام صادق (علیه السلام): گفتم: دو نماز را با هم بی آنکه علتی در کار باشد بخوانم؟ فرمود: پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله) این را انجام داد و می خواست بر امتش سبک گرداند.

- عبد الله بن سنان: شبی بارانی، در مسجد پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله) به نماز مغرب حاضر شدم. نزدیک به شفق ندای اذان در دادند و اقامه را گفته، نماز مغرب را خواندند و سپس به مردم مهلت دادند تا دو رکعت نماز بگذارند. سپس منادی در جایگاهش در مسجد ایستاد و اقامه نماز را گفت و نماز عشاء را خواندند و به خانه هایشان رفتند و من این را از امام صادق (علیه السلام) پرسیدم. امام فرمود: بلی، پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله) این گونه کرد.

- فضیل بن یسار: علی بن الحسین - دروذهای خداوند بر آن دو باد - فرمان می داد کودکان نماز عشاء را با نماز مغرب بخوانند و می فرمود: این بهتر از آن است که به خواب روند (۲).

- امام صادق (علیه السلام): همانا فرمان می دهیم کودکان تا هنگامی که هنوز وضو دارند

(۱) در تهذیب، حدیث را تا " به جماعت خواند بی آنکه دلیل خاصی داشته باشد " نقل کرده است.
(۲) در دعائم الاسلام چنین آمده است: " این موضوع به حضرت گفته شد. پس فرمود: آن برایشان سبک تر است و زودتر انجامش می دهند، آن را تباه نمی کنند و به چیزی سرگرم نشده و نمخوابند "



(169)

و سرگرم چیزی نشده اند، نماز عصر را با ظهر و نماز عشاء آخر را با نماز مغرب بخوانند (۱).

- صفوان جمال: امام صادق (علیه السلام) هنگام زوال خورشید (ظهر) نماز ظهر و عصر را با يك اذان و دو اقامه، با ما خواند و فرمود: من کار دارم، شما نمازهای نافله را بخوانید.

- امام علی (علیه السلام): با هم خواندن دو نماز، بر روزی می افزاید.

- عبد الله بن سنان از امام صادق (علیه السلام): همانا پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله) در سفر، نماز مغرب و عشاء و ظهر و عصر را با هم می خواند و این را تنها هنگامی که عجله داشت، انجام می داد.

[امام صادق (علیه السلام)] فرمود: جدا خواندن آن دو، بهتر است.

- معبد (۲) بن میسره: به امام صادق (علیه السلام) عرض کردم: انسان می تواند هنگامی که خورشید زوالش را در طول روز آغاز می کند، نماز ظهر و عصر را با هم بخواند؟ فرمود: بلی، ولی دوست ندارم آن را، هر روز انجام دهد.

بیان:

علامه مجلسی - رضوان الله تعالی علیه - می گوید: بدان، که آنچه از روایات به دست می آید این است که نماز ظهر و عصر و مغرب و عشاء را از هم جدا خواندن بهتر از با هم خواندن است. و پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله) گاه به جهت آشکار کردن آن و تخفیف بر امت، با هم می خواند و برای کودکان و مانند آنان همچون بیماران و گرفتاران اجازه داد، اما از هم جدا خواندن، به وسیله نماز نافله خواندن در میان آن دو نیز تحقق می یابد و بیش از این، لازم نیست. رواست که در آغاز وقت، نافله (ظهر) بخواند سپس

(۱) در قرب الاسناد، چنین آمده است: " از امام صادق از پدرش: او فرمان می داد کودکان... ".

(۲) گویی همانگونه که در حاشیه " تهذیب " آمده است، " معبد " اشتباه و " معاویة " درست باشد.

ظهر و پس از آن نافله عصر و نماز عصر را بخواند و این کار موجب به تأخیر انداختن دو نماز واجب " ظهر و عصر " و نافله های آن دو نمی شود و قراردادن يك ذراع و دو ذراع برای وقت ظهر و عصر به این جهت بوده است که وقت فضیلت آن دو فراخ گردد و نافله خواندن، موجب تأخیر نماز واجب از وقت فضیلتش نشود و از این رو خواندن نماز ظهر و عصر پیش از رسیدن سایه به يك ذراع و دو ذراع اشکالی ندارد، بلکه از برخی روایات به دست می آید که این بهتر است و در روایت رجاء بن ابی الضحاک آمده است که امام رضا (علیه السلام) میان نماز ظهر و عصر جز با نافله و ذکر و دعا، فاصله نمی داد ولی نماز عشاء را تا نزدیک به يك سوم از شب، به تأخیر می انداخت. و روایاتی که با هم خواندن نمازها را سبب افزونی روزی می خوانند، شاید این گونه با هم خواندن را می گویند که دو نماز واجب را همراه با نافله هایشان، يك جا بیاورد. سپس به بازار رود تا موجب پراکنده شدن مشتریان و طرف داد و ستدش نشود، یا با هم خواندن را برای کسی روا دانسته اند که به خاطر عذری، وضعیتش ایجاب می کند نافله را نخواند، به دلیل روایتی که کلینی از عباس ناقد با سندی مجهول نقل کرده است. او می گوید: هر چه در دستم بود پراکنده شد و طرفهای داد و ستدم رفتند. پس این مطلب را به ابو محمد (علیه السلام) گفتم، به من فرمود: نماز ظهر و عصر را با هم بخوان، آنچه دوست داری، می بینی.

و با سندی که در آن ابهام و جهل است، از محمد بن حکیم روایت شده که گفت: شنیدم ابوالحسن (علیه السلام) می گوید: با هم خواندن دو نماز در آنجاست که میان آن دو، کار مستحبی نباشد. پس اگر میان آن دو، مستحبی باشد، با هم خواندن صدق نمی کند.

فصل چهارم

قضای نماز

- پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله): هر کس نمازی را فراموش کند یا خواب بماند، کفاره اش آن است که هرگاه به یاد آورد، بخواند.

- هرگاه یکی از شما خواب ماند یا از نماز غافل شد، هرگاه به یاد آورد، آن را بخواند. که همانا خداوند عز و جل می فرماید: " نماز را برای یاد من به پا دار ".
- امام باقر (علیه السلام) - هنگامی که از ایشان پرسیدند، مردی بی طهارت نماز خوانده

و نمازهایی را فراموش کرده بخواند یا خواب مانده است - فرمود:
هرگاه به یاد آورد - در هر لحظه از شب و روز باشد - آن ها را قضا می کند.

- انسان، چهار نماز را در هر زمان (که بخواهد) می خواند: نمازی که از تو فوت شده است، پس هرگاه به یاد آوردی آن را به جا می آوری....
- امام رضا (علیه السلام): هر چه را خدا بر انسان چیره کند، مانند آن که شب و روزی

بیهوش بماند، قضای نمازهایش بر او واجب نیست، همانگونه که امام صادق (علیه السلام) فرمود: هر چه را خداوند بر بنده چیره کند، خود عذرش را می پذیرد.

الفهارس

- ١ - فهرس الآيات
- ٢ - فهرس أسماء الأنبياء والأئمة والملائكة (عليهم السلام)
- ٣ - فهرس الأعلام
- ٤ - فهرس الفرق والمذاهب
- ٥ - فهرس الجماعات والقبائل
- ٦ - فهرس البلدان والأماكن
- ٧ - فهرس المصادر
- ٨ - الهوامش
- ٩ - فهرس المطالب

فهرس الآيات القرآنية
الفاآحة (الآمد)
الآية رقمها الصفاة
(الآمد لله رب العالمين) ٢٣ - ١
(الرحمن الرحيم) ٢٣ - ٢
(مالك يوم الدين) ٢٣ - ٣
(إياك نعبد وإياك نستعين) ٢٣ - ٤
(اهدنا الصراط المستقيم) ٢٣ - ٦
(صراط الذين أنعمت عليهم غير المغضوب عليهم...) ٢٣ - ٧
البقرة
(الذين يؤمنون بالغيب ويقيمون الصلاة ومما... ٤٥ - ٣
(وأقيموا الصلاة وآتوا الزكاة واركعوا مع الراكعين) ٤٣ - ٣١، ١٣٧

(واستعينوا بالصبر والصلاة) ٤٥ - ١١٨
(وإذ أخذنا ميثاق بني إسرائيل لا تعبدون إلا الله...) ٨٣ - ٢٠
(اذكروني أذكركم) ١٥٢ - ٤٦
(يا أيها الذين آمنوا استعينوا بالصبر والصلاة إن الله...) ١٥٣ - ١١٧
(حافظوا على الصلوات والصلاة الوسطى وقوموا لله...) ٢٣٨ - ٣٣ ، ٣٦ ، ٣٩
آل عمران
(فنادته الملائكة وهو قائم يصلي في المحراب أن الله...) ٣٩ - ٢٠
(الذين إذا فعلوا فاحشة أو ظلموا أنفسهم ذكروا الله...) ١٣٥ - ١١٥
النساء
(يا أيها الذين آمنوا لا تقربوا الصلاة وأنتم سكارى...) ٤٣ - ٩٧
(إن الله لا يغفر أن يشرك به ويغفر ما دون ذلك لمن...) ٤٨ - ١١٥
(إن الصلاة كانت على المؤمنين كتابا موقوتا) ١٠٣ - ١٦
الآية رقمها الصفحة
(إن الله لا يغفر أن يشرك به ويغفر ما دون ذلك لمن...) ١١٦ - ١١٥
(إن المنافقين يخادعون الله وهو خادعهم وإذا قاموا...) ١٤٢ - ٩٦
المائدة
(ومن يكفر بالإيمان فقد حبط عمله) ٥ - ١٢٥

(وإذا ناديتهم إلى الصلاة اتخذوها هزوا ولعبا ذلك بأنهم... ٥٨ - ١٠٥
الأنعام
(وهذا كتاب أنزلناه مبارك مصدق الذي بين يديه ولتنذر... ٩٢ - ٣٣
(وأن أقيموا الصلاة واتقوه وهو الذي إليه تحشرون) ٧٢ - ٣١
الأعراف
(يا بني آدم خذوا زينتكم عند كل مسجد) ٣١ - ٤٩
(والذين يمسكون بالكتاب وأقاموا الصلاة إنا لا نضيع... ١٧٠ - ٤٥
التوبة
(وما منعهم أن تقبل منهم نفقاتهم إلا أنهم كفروا بالله... ٥٤ - ٩٦
يونس
(وأوحينا إلى موسى وأخيه أن تبوءا لقومكما بمصر... ٨٧ - ٢٠
(أقم وجهك للدين حنيفا) ١٠٥ - ١٦١
هود
(وأقم الصلاة طرفي النهار وزلفا من الليل إن الحسنات... ١١٤ - ٢٧، ٣٦، ١١١ -
١١٥

إبراهيم

(رب اجعلني مقيم الصلاة ومن ذريتي ربنا وتقبل دعاء) ٣١ - ٤٠
(ربنا إني أسكنت من ذريتي بواد غير ذي زرع عند...) ٣٧ - ٢٠ ، ٤٣

الإسراء

(أقم الصلاة لدلوك الشمس إلى غسق الليل وقرآن الفجر...) ٣٦ - ٧٨
(وإذا ذكرت ربك في القرآن وحده ولوا على أدبارهم نفورا) ٤٦ - ٥٨

مريم

(وجعلني مباركاً أين ما كنت وأوصاني بالصلاة...) ٢١ - ٣١
(وأوصاني بالصلاة والزكاة ما دمت حياً) ٣١ - ٢٧
(واذكر في الكتاب إسماعيل إنه كان صادق الوعد...) ٥٤ - ٤٣
(وكان يأمر أهله بالصلاة والزكاة وكان عند ربه...) ٥٥ - ٤٣
(فخلف من بعدهم خلف أضاعوا الصلاة واتبعوا...) ٥٩ - ١٠٨

طه

(طه * ما أنزلنا عليك القرآن لتشقى) ١ و ١٥٣٢
(أقم الصلاة لذكري) ١٤ - ١٨ ، ١٧٢

(وأمر أهلك بالصلاة واصطبر عليها لا نسألك رزقا... ١٣٢ - ٤٣، ١١٨
الأنبياء

(وجعلناهم أئمة يهدون بأمرنا وأوحينا إليهم فعل... ٧٣ - ٢٠
الحج

(الذين إن مكناهم في الارض أقاموا الصلاة وآتوا... ٤١ - ٣١
يا أيها الذين آمنوا اركعوا واسجدوا) ٧٧ - ٧٥
المؤمنون

(قد أفلح المؤمنون) ١ - ٦٣، ١٠٩

(الذين هم في صلاتهم خاشعون) ٢ - ٦٣، ١٠٩

(والذين هم على صلواتهم يحافظون) ٩ - ٣٣، ٣٨

(أولئك هم الوارثون) ١٠ - ٣٣

(فما استكانوا لربهم وما يتضرعون) ٧٦ - ٦٧

النور

(رجال لا تلهيهم تجارة ولا بيع عن ذكر الله وإقام... ٣٧ - ٤٥

(وأقيموا الصلاة وآتوا الزكاة وأطيعوا الرسول لعلكم... ٥٦ - ٣١

العنكبوت

(ولذكر الله أكبر) ٤٥ - ٤٦

(اتل ما أوحى إليك من الكتاب وأقم الصلاة إن الصلاة...) ٤٥ - ١١٦

الروم

(فأقم وجهك للدين حنيفا) ٣٠ - ٩٥

(مبين إليه واتقوه وأقيموا الصلاة ولا تكونوا من المشركين) ٣١ - ٣١

لقمان

(يا بني أقم الصلاة وأمر بالمعروف وانه عن المنكر...) ١٧ - ٤٣

فاطر

(إن الذين يتلون كتاب الله وأقاموا الصلاة وأنفقوا...) ٢٩ - ٤٥

الزمر

(يا عبادي الذين أسرفوا على أنفسهم لا تقنطوا من...) ٥٣ - ١١٥

الفتح

(محمد رسول الله والذين معه أشداء على الكفار...) ٢٩ - ٤٥

ق

(ونحن أقرب إليه من حبل الوريد) ١٦ - ١٦٣

الجن

(وأن المساجد لله فلا تدعوا مع الله أحدا) ١٨ - ٩٠

المزمل

(فاقرأوا ما تيسر منه وأقيموا الصلاة) ٢٠ - ٧٣

المدثر

(في جنات يتساءلون) ٤٠ - ١٢٨

(عن المجرمين) ٤١ - ١٢٨

(ما سلككم في سقر) ٤٢ - ١٠٨، ١٢٨

(قالوا لم نك من المصلين) ٤٣ - ١٠٨، ١٢٨

القيامة

(فلا صدق ولا صلى) ٣١ - ١٢٨

(ولكن كذب وتولى) ٣٢ - ١٢٨

(ثم ذهب إلى أهله يتمطى) ٣٣ - ١٢٨

(أولى لك فأولى) ٣٤ - ١٢٨

(ثم أولى لك فأولى) ٣٥ - ١٢٨

المرسلات

(ويل يومئذ للمكذبين) ٤٧ - ١٢٨

(وإذا قيل لهم اركعوا لا يركعون) ٤٨ - ١٢٨

الأعلى

(قد أفلح من تزكى) ١٤ - ٨٢

(وذكر اسم ربه فصلى) ١٥ - ٨٢

الشرح

(فإذا فرغت فانصب) ٨٧ - ١٣

(وإلى ربك فارغب) ٨٨ - ١٣

الماعون

(فويل للمصلين) ٤ - ٣٨، ١٠٨

(الذين هم عن صلاتهم ساهون) ٥ - ٣٨، ٥٢، ١٠٨ - ١٠٩

الكوثر

(إنا أعطيناك الكوثر) ١ - ٦٦

(فصل لربك وانحر) ٢ - ٦٦

فهرس أسماء الأنبياء والأئمة والملائكة (عليهم السلام)
إدريس (عليه السلام) ٢٢١.

إبراهيم (عليه السلام) ١٧٩، ١٨٢.

موسى (عليه السلام) ١٢، ١١٢، ١٩٧،
٤٩٠، ٥٣١، ٥٣٢.

لقمان (عليه السلام) ١٣، ٤٥.

داود (عليه السلام) ١٢١، ٥٠٢.

زكريا (عليه السلام) ٤٦.

يحيى (عليه السلام) ٣٣٢.

عيسى (عليه السلام) ٤٧.

محمد بن عبد الله - رسول الله - النبي (صلى الله عليه وآله)

٢، ٥، ٦، ٧، ٩، ١٤، ٢٥، ٢٧، ٣٠، ٣٢ - ٣٧، ٤١،

٤٨، ٥٢، ٥٤، ٥٦ - ٦٠، ٦٦ - ٦٨، ٧١، ٧٣، ٧٤،

٨٤، ١٢٣، ١٢٥، ١٣٩، ١٤٢، ١٥٠، ١٥١، ١٤،

١٥٦ - ١٥٨، ١٦٠، ١٦٢، ١٧١، ١٧٧، ١٧٨،

١٨٠، ١٨٢، ١٨٣، ١٨٥، ١٨٦، ١٨٧، ١٩٤،

١٩٦، ١٩٨، ٢٠٠، ٢٠٢ - ٢٠٥، ٢٠٧، ٢١٣،

٢١٥، ٢٢٥، ٢٢٦، ٢٢٩، ٢٣٥ - ٢٣٧، ٢٣٩،

٢٤٣ - ٢٤٦، ٢٥١، ٢٥٣، ٢٥٤، ٢٥٩، ٢٦٦،

٢٦٩، ٢٧٥، ٢٨٥، ٢٩١، ٣٠١ - ٣٠٢، ٣٠٧،

٣٠٨، ٣١٢، ٣١٨، ٣٢٤، ٣٢٦، ٣٢٨، ٣٣٠،

٣٤٠، ٣٤٤، ٣٤٥، ٣٤٦، ٣٤٨، ٣٥٣، ٣٥٥،

٣٥٨، ٣٧٠، ٣٧٣، ٣٧٦، ٣٧٨، ٣٨١ - ٣٨٣،

٣٨٥، ٣٩١ - ٣٩٦، ٤٠٦، ٤٠٩، ٤١٠، ٤١١،

٤١٣، ٤١٥، ٤١٨، ٤١٩، ٤٢١ - ٤٢٣، ٤٢٧،

٤٢٨، ٤٣١، ٤٣٢، ٤٤٠، ٤٤٣، ٤٤٥، ٤٥٠،

٤٥٥، ٤٥٩، ٤٦٠، ٤٦٢، ٤٧٢، ٤٧٥، ٤٨٢،

٤٩١، ٤٩٨، ٥٠٥، ٥٠٧، ٥٠٨، ٥١٦، ٥١٧،

٥٢٠، ٥٢٢، ٥٢٦، ٥٢٧، ٥٣٣، ٥٣٥، ٥٣٧،
٥٣٨، ٥٤٣، ٥٤٤، ٥٤٦، ٥٥٠ - ٥٥٢، ٥٥٤،
٥٥٦ - ٥٦٥، ٥٧٠، ٥٧٢، ٥٩٩ - ٦٠٨، ٦١٣،
٦١٥.

علي بن أبي طالب - أمير المؤمنين (عليه السلام)

٨، ٢٦، ٣٤، ٤٢، ٦٩، ٨٤، ٨٥، ٨٩، ٩٤، ١٠٦،
١١٩، ١٢٩، ١٣٣، ١٤٤، ١٥٠، ١٦١، ١٧٢،
١٧٣، ١٧٨، ١٨٢، ٢٢٢، ٢٢٦، ٢٤٣،
٢٤٥ - ٢٤٧، ٢٥٣، ٢٥٥، ٢٦١، ٢٧٩، ٢٨٢،
٢٨٤، ٣٢٦، ٣٢٩، ٣٣٦، ٣٤١، ٣٤٦، ٣٤٩،
٣٥٤، ٣٦٥، ٣٨٢، ٣٨٩، ٤٠٧، ٤١٢، ٤١٤،
٤١٦، ٤٢٩، ٤٤٧، ٤٧٨، ٤٧٩، ٤٨٠ - ٤٨٢،
٤٨٧، ٤٩٧، ٥٠٩، ٥١٧، ٥٢٢، ٥٣٥، ٥٣٦،
٥٣٩، ٥٤٠، ٥٤٤، ٥٥٣، ٥٥٥، ٥٥٧، ٥٦٦،
٥٦٧ - ٥٧٠، ٥٨٦، ٦٠٢، ٦١٢.

فاطمة الزهراء (عليها السلام) ٣٧٢، ٥٢٣، ٥٢٤، ٥٧١،
٥٧٢.

الحسن بن علي (عليه السلام) ١٠٧، ١٢٤، ١٤٠،
٢٠٦، ٥٣٦، ٥٤٤، ٥٧٣، ٥٧٤.

الحسين بن علي (عليه السلام) ٥٣٦، ٥٤٤، ٥٧٥،
٥٧٦.

علي بن الحسين - زين العابدين (عليه السلام) ١١٠،
١٣٠، ١٤٦، ٣٠٩، ٤٨٨، ٥٦٢، ٥٧٣، ٥٧٧،
٥٧٨، ٥٧٩، ٥٨٠ - ٥٨٢، ٥٨٤ - ٥٨٧، ٦٠٩.

محمد بن علي الباقر - أبو جعفر (عليه السلام)

١، ٤، ٥، ٣٥، ٦٥، ٧٠، ٨٨، ٩٥، ١١٢، ١٣١،
١٤٥، ١٦٢، ١٦٣، ١٧٩، ١٨٦، ٢٠٤، ٢١٦،
٢١٨، ٢٣١، ٢٤٢، ٢٥٦، ٢٦٧، ٢٦٨، ٢٦٩،
٢٨٦، ٢٩٥، ٣٠٠، ٣١٠، ٣٢٥، ٣٤٢، ٣٥٩،
٣٦٦، ٣٧٣، ٣٨١، ٤١٠، ٤٣١، ٤٧٧، ٤٩٩،
٥٠٣، ٥١٠، ٥١٥، ٥٤١، ٥٦٣، ٥٦٥، ٥٧٧،
٥٨١، ٥٨٦، ٥٨٧، ٥٨٩، ٥٩٠، ٦٠٦، ٦١٧.

جعفر بن محمد الصادق - أبو عبد الله (عليه السلام)

٥٨٨ ، ٥٩٠ - ٥٩٢ ، ٥٩٤ ، ٥٩٥ ، ٥٩٧ ، ٦٠١ ،
٦٠٥ ، ٦٠٧ ، ٦٠٨ ، ٦١٠ ، ٦١١ ، ٦١٣ ، ٥١٤ ،
٦١٩ .

موسى بن جعفر الكاظم - أبو الحسن (عليه السلام)
١٦٨ ، ٢٥١ ، ٢٦٥ ، ٢٨١ ، ٣٠٤ ، ٥٤٥ ، ٥٩٣ ،
٥٩٦ ، ٥٩٧ .

علي بن موسى الرضا (عليه السلام) ، ١٠ ، ١٣٧ ، ١٤٧ ،
١٦٩ ، ١٧٠ ، ١٩١ ، ٢٥٢ ، ٢٧٨ ، ٣٦٤ ، ٥٢٩ ،
٥٩٨ ، ٥٩٩ ، ٦١٩ .

محمد بن علي الجواد (عليه السلام) ، ٥٣٣ .
الحسن بن علي العسكري (عليه السلام) ، ١٩٣ .
المهدي (عج) ، ١٨٢ ، ٥٣٠ .

فهرس الأعلام

- أبان بن تغلب ٥٩٥ .
إبراهيم بن موسى القزاز ١٧٠ .
إبراهيم بن هاشم ٣١١ .
ابن أبي جمهور ٣٣٩ ، ٥٦٧ .
ابن أبي يعفور ٣٢٣ .
ابن الأثير ٥٤ .
ابن شهر آشوب ٥٥ ، ٥٨٧ .
ابن طاووس ٥٥٩ ، ٥٧٦ ، ٥٩٢ .
ابن عباس ٢٠٢ ، ٢٥٤ ، ٥٦٦ ،
٦٠٤ .
ابن عمر = عبد الله بن عمر
ابن فهد ٥٧١ .
ابن مسعود = عبد الله بن مسعود
أبو امامة ٣٩ ، ٣٤٤ .
أبو أيوب الأنصاري ٢٣٦ ، ٣٩٤ ، ٥٣٤ ،
٥٩٠ .
أبو بصير ٧١ ، ١٤١ ، ٣٧٥ .
أبو بكر بن أبي سمال ٢٩٨ .
أبو بكر الحضرمي ٢٦٧ .
أبو ثمامة = عمرو بن عبد الله الصائدي
أبو جهل بن هشام ١٨٦ .
أبو حازم ٤٨٨ ، ٥٨٤ .
أبو الحسن = علي بن علي الخزاعي
أبو حمزة الثمالي ٤١٤ ، ٤٣١ .
أبو حميد الساعدي ٣٠٨ .
أبو حنيفة ٤٤٩ ، ٥٩٧ .
أبو الدرداء ٥٢٥ .

أبوذر ٣٧، ٧٠، ٢٩٣، ٣٩٥،
٤٣٢.
أبو سعيد الخدري ١٨٣، ٥٥٠.
أبو طالب ٥٦.
أبو عثمان ٣٩١.
أبو قتادة ٣٠٨، ٣٨٥.
أبو مالك الأشجعي ٥٨.
أبو محمد ٥٦٠.
أبو هريرة ٤٠، ٤٢٣.
ام حميدة ٣٧٥.
ام سلمة ٦٧.
أحمد بن عبد الله ٤٧٨.
أحمد بن علي الراهب ٤٨٠.
إدريس القمي ٨٧.
اسامة ٦٦.
إسماعيل بن الفضيل ٢٩٦.
الأصبغ بن نباتة ٢٧٩، ٥٣٦.
أنس بن مالك ٦٨، ٧٣، ٣٢٨، ٣٤٠،
٤٢٢.
البراء بن عازب ٢٨٥.
بريد العجلي ٢٦٨.
بكر بن محمد الأزدي ٧١.
ثوبان ٥٢٧.
جابر بن سمرة ٥٠٨.
جابر بن عبد الله الأنصاري ١٧١، ٤٨٢، ٥٥٦.
جابر الجعفي ٥٨٩.
جعفر بن أبي طالب ٥٩٩.
جعفر بن علي القمي ٥٦١.
حبيب بن مظاهر ٥٧٥.
حذيفة ٤٢٧.
الحسن بن زياد ٥٩٤.
الحصين بن تميم ٥٧٥.
الحلي ٣٥٠، ٦٠١.

حماد بن عيسى ٣١١.
حمد بن عبد الله الغروي ٥٩٦.
حمزة بن حمران ٥٩٤.
حميد بن مسلم ٥٧٥.
حنان بن سدير ١٨٤.
خديجة بنت خويلد ٥٦.
خيثمة بن أبي خيثمة ١٤٠.
الدجال ٣٨٩.
دعبل الخزاعي ٥٩٨.
الديلمي ٥٦٦.
رجاء بن أبي الضحاك ١٩٢، ٥٩٩.
زرارة ٤، ٨٨، ١٣٤، ١٦٢،
٢٧١، ٢٧٧، ٤٦١.

زهير بن القين ٥٧٦ .
زيد بن علي ١٨٦ .
زيد الشحام ٣٤٧ .
سالم بن عبد الله ١٩٦ .
سعد بن أبي وقاص ٩٢ .
سعيد بن عبد الله الحنفي ٥٧٦ .
سفيان بن خالد ٥٩٣ .
سلمان الفارسي ٣٩١ .
سماعة ٢٧٦ .
سورة بن كليب ٣٠٠ .
شيبه بن ربيعة ١٨٦ .
الصدوق ٤٧٩ .
صفوان الجمال ١٩٠ ، ٢٨٩ ، ٦١١ .
الطبرسي ٥٣٠ .
عائشة ١٢٠ ، ١٦٠ ، ٥٥٨ ،
٥٦٣ .
عبد الله بن أبي سليمان ٥٧٩ .
عبد الله بن الحارث ١٤٦ .
عبد الله بن سنان ٦٠٨ ، ٦١٣ .
عبد الله بن عطاء ٣٥٩ .
عبد الله بن عمر ٣٥٨ ، ٦٠٠ .
عبد الله بن عمرو ٤١ .
عبد الله بن الفضل الهاشمي ٤٨٤ .
عبد الله بن محمد القرشي ٥٨٠ .
عبد الله بن مسعود ٩٧ ، ٣٩٢ .
عبد الملك القمي ٦٠٧ .
عتبة بن ربيعة ١٨٦ .
عثمان بن مظعون ٥٥٤ .
عقبة بن عمرو ١٩٦ .
عقيل الخزاعي ٨٥ .
علقمة بن وائل ٢٤٤ .
علي بن الحسن بن
علي بن فضال ٥٢٩ .

علي بن علي الخزاعي ٥٩٨ .
علي بن مهزيار ٥٤٥ .
علي بن يحيى بن خلاد ٣٠٧ .
عمران بن حصين ٤٢١ .
عمر بن الخطاب ٥٠٧ .
عمرو بن عبد الله
الصائدي ٥٧٥ .
الفضل بن الربيع ٥٩٦ .
الفضيل بن يسار ٦٠٩ .
قارون ٣٧٩ .
القاضي النعمان ١٧٣ ، ٢٩٩ ، ٣٦٧ .
القطب الراوندي ١٠١ ، ٤٠٦ .
الكراجكي ١٣٦ .

المجلسي [ص ١٤٥، ٢٠٤، ٦١٤].
محمد بن إبراهيم ٥٤٥.
محمد بن أبي بكر ١٠٩، ٨٩.
محمد بن أبي نصر ٣٠٤.
محمد بن عبد الله الحميري ١٨٢، ٥٣٠.
محمد بن عمران ٤٥٤.
محمد بن عمرو بن عطاء ٣٠٨.
محمد بن الفضيل ٣٦٤، ٣٧٧.
محمد بن مسلم ٢٦٠، ٣٢٥، ٥٩٧.
معاذ بن جبل ٣٠، ٥٩، ٤٧١، ٦٠٣.
معاوية بن عمار ٢٧٤.
معاوية بن وهب ٤٧.
معبد بن ميسرة ٦١٤.
المعلّى بن خنيس ٣٦٣.
المفضل بن عمر ٣٠٦، ٥١٦.
منصور بن حازم ٢٥٠.
هامان ٣٧٩.
هشام بن الحكم ٩، ٢٥١.
هشام بن سالم ٢٧٣.
يوسف بن عبد الله بن سلام ٤٢٨.
يونس بن عمار ١٥٣.

فهرس الفرق والمذاهب
الإسلام ٢٠، ٣١، ٣٥، ٣٦،
٥٤، ٦٩، ٧٤، ٧٨،
٤٠٦، ٤٦٥، ٤٧٠،
٤٨٢، ٥١٦، ٥٤٤.
المجوس ٣٦٦.
المسلمين ٣٤، ٨٥، ١٧٧، ١٧٩،
١٨١، ١٨٢، ٤١٤، ٥٥٢.
اليهود ١٩٥.

فهرس الجماعات والقبائل

آل داود ١٢١.

آل محمد (عليهم السلام) ١٧٨، ١٨٩، ٢٦٩،

٣٠٣، ٥٣٦، ٥٤٣،

٥٧٥، ٥٩٩.

أصحاب الحسين (عليه السلام) ٥٧٥.

أصحاب رسول الله (صلى الله عليه وآله) ٣٠٨.

الأنبياء (عليهم السلام) ٢٢، ٤٤، ٤٥٦.

الأنصار ٣٩، ٤٢٢.

أهل الإسلام ٤٤٧.

أهل البيت (عليهم السلام) ٢٩٩

أهل الكتاب ٥٩، ٢٩٩.

بنو إسرائيل ٣٣٢.

ثمود ٥٧٦.

الطالبين ١٧٠.

عاد ٥٧٦.

العرب ٤٨٤.

فهرس البلدان والأماكن
الحجر الأسود ٥١٦.
قم ٥٩٨.
الكعبة ١٨٦، ٥٤٤.
المدينة ٥٥، ٥٨٧.
مسجد رسول الله (صلى الله عليه وآله) ٦٠٨.
مكة ٥٤، ٥٥، ٥٧، ٥١٦.
نجد ٥٠٧.
اليمن ٥٩.

فهرس المصادر

حرف الالف

- إتحاف السادة المتقين بشرح إحياء علوم الدين، لأبي الفيض محمد بن محمد الحسيني

الزبيدي (ت ١٢٠٥ هـ . ق)، دار الفكر - بيروت.

- إثنا عشرية في المواعظ العددية، لأبي القاسم محمد بن محمد الحسيني العاملي (القرن

الحادي عشر هـ . ق)، مطبعة الحكمة - قم.

- الاحتجاج على أهل اللجاج، لأبي منصور أحمد بن علي بن أبي طالب الطبرسي (ت ٦٢٠ هـ . ق)، تحقيق: إبراهيم البهادري ومحمد هادي به، دار الاسوة - طهران، الطبعة الاولى ١٤١٣ هـ . ق.

- إحياء علوم الدين، لأبي حامد محمد بن محمد الغزالي (ت ٥٠٥ هـ . ق)، دار الهادي -

بيروت، الطبعة الاولى ١٤١٢ هـ . ق.

- الاختصاص، المنسوب إلى أبي عبد الله محمد بن محمد بن النعمان العكبري البغدادي

المعروف بالشيخ المفيد (ت ٤١٣ هـ . ق)، تحقيق: علي أكبر الغفاري، مؤسسة النشر الإسلامي - قم، الطبعة الرابعة ١٤١٤ هـ . ق.

- إرشاد القلوب، لأبي محمد الحسن بن أبي الحسن الديلمي (ت ٧١١ هـ. ق)،
مؤسسة
الأعلمي - بيروت، الطبعة الرابعة ١٣٩٨ هـ. ق.
- الإرشاد في معرفة حجج الله على العباد، لأبي عبد الله محمد بن محمد بن النعمان
العكبري البغدادي المعروف بالشيخ المفيد (ت ٤١٣ هـ. ق)، تحقيق ونشر: مؤسسة
آل البيت (عليهم السلام) - قم، الطبعة الأولى ١٤١٣ هـ. ق.
- الاستبصار فيما اختلف من الأخبار، لأبي جعفر محمد بن الحسن الطوسي
(ت ٤٦٠ هـ. ق)، تحقيق: السيد حسن الموسوي الخرسان، دار الكتب الإسلامية -
طهران.
- اسد الغابة في معرفة الصحابة، لأبي الحسن عز الدين علي بن أبي الكرم محمد بن
محمد بن عبد الكريم الشيباني المعروف بابن الأثير الجزري (ت ٦٣٠ هـ. ق)، تحقيق:
علي محمد معوض وعادل أحمد، دار الكتب العلمية - بيروت، الطبعة الأولى
١٤١٥ هـ. ق.
- الاصول الستة عشر، عدة من الرواة، منشورات الشبستري - قم، الطبعة الثانية
١٤٠٥
هـ. ق.
- إعلام الوری بأعلام الهدی، لأبي علي الفضل بن الحسن الطبرسي (ت ٥٤٨ هـ. ق)،
تحقيق: علي أكبر الغفاري، دار المعرفة - بيروت، الطبعة الأولى ١٣٩٩ هـ. ق.
- إقبال الأعمال الحسنة فيما يعمل مرة في السنة، لأبي القاسم علي بن موسى الحلبي
المعروف بابن طاووس (ت ٦٦٤ هـ. ق)، تحقيق: جواد القيومي، مكتب الإعلام
الإسلامي - قم، الطبعة الأولى ١٤١٤ هـ. ق.
- أمالي الشجري (الأمالي الخميسية)، ليحيى بن الحسين الشجري (ت ٤٩٩ هـ. ق)،
عالم
الكتب - بيروت، الطبعة الثالثة ١٤٠٣ هـ. ق.
- أمالي الصدوق، لأبي جعفر محمد بن علي بن الحسين بن بابويه القمي المعروف
بالشيخ الصدوق (ت ٣٨١ هـ. ق)، مؤسسة الأعلمي - بيروت، الطبعة الخامسة
١٤٠٠ هـ. ق.

- أمالي الطوسي، لأبي جعفر محمد بن الحسن المعروف بالشيخ الطوسي (ت ٤٦٠ هـ. ق)، تحقيق: مؤسسة البعثة، دار الثقافة - قم، الطبعة الاولى ١٤١٤ هـ. ق.
- أمالي المفيد، لأبي عبد الله محمد بن النعمان العكبري البغدادي المعروف بالشيخ المفيد (ت ٤١٣ هـ. ق)، تحقيق: حسين استاد ولي وعلي أكبر الغفاري، مؤسسة النشر الإسلامي - قم، الطبعة الثانية ١٤٠٤ هـ. ق.
- أعلام الدين في صفات المؤمنين، لأبي محمد الحسن بن أبي الحسن الديلمي (ت ٧١١ هـ. ق)، تحقيق ونشر: مؤسسة آل البيت (عليهم السلام) - قم، الطبعة الثانية ١٤١٤ هـ. ق.
- حرف الباء
- بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار (عليهم السلام)، للعلامة محمد باقر بن محمد تقي المجلسي (ت ١١١٠ هـ. ق)، تحقيق ونشر: دار إحياء التراث - بيروت، الطبعة الاولى ١٤١٢ هـ. ق.
- بشارة المصطفى لشيعه المرتضى، لأبي جعفر محمد بن محمد بن علي الطبري (ت ٥٢٥ هـ. ق)، المطبعة الحيدرية - النجف الأشرف، الطبعة الثانية ١٣٨٣ هـ. ق.
- حرف التاء
- تاريخ إصبهان، لأبي نعيم أحمد بن عبد الله الإصفهاني (ت ٤٣٠ هـ. ق)، تحقيق: سيد كسروي حسن، دار الكتب العلمية - بيروت، الطبعة الاولى ١٤١٠ هـ. ق.
- تاريخ الامم والملوك = تاريخ الطبري.
- تاريخ الطبري، لأبي جعفر محمد بن جرير الطبري (ت ٣١٠ هـ. ق)، تحقيق: محمد أبو الفضل إبراهيم، دار المعارف - مصر، الطبعة الثانية.
- التاريخ الكبير، لأبي عبد الله محمد بن إسماعيل البخاري (ت ٢٥٦ هـ. ق)، دار الفكر - بيروت.

- تاريخ بغداد أو مدينة السلام، لأبي بكر أحمد بن علي الخطيب البغدادي (ت ٤٦٣ هـ. ق)، المكتبة السلفية - المدينة المنورة.
- تاريخ جرجان، لأبي القاسم حمزة بن يوسف السهمي القرشي (ت ٤٢٨ هـ. ق)، عالم الكتب - بيروت، الطبعة الرابعة ١٤٠٧ هـ. ق.
- تاريخ دمشق، لأبي القاسم علي بن الحسن بن هبة الله المعروف بابن عساكر الدمشقي (ت ٥٧١ هـ. ق)، تحقيق: علي شيري، دار الفكر - بيروت، الطبعة الاولى ١٤١٥ هـ. ق.
- التبيان (تفسير التبيان)، لأبي جعفر محمد بن الحسن المعروف بالشيخ الطوسي (ت ٤٦٠ هـ. ق)، تحقيق: أحمد حبيب قصير العاملي، مكتبة الأمين - النجف الأشرف، الطبعة الاولى ١٣٧٦ هـ. ش.
- التحصين في صفات العارفين من العزلة والخمول، لأبي العباس أحمد بن محمد بن فهد الحلي الأسدي (ت ٨٤١ هـ. ق)، تحقيق ونشر: مؤسسة الإمام المهدي (عج) - قم.
- تحف العقول، لأبي محمد الحسن بن علي الحراني المعروف بابن شعبة (ت ٣٨١ هـ. ق)، تحقيق: علي أكبر الغفاري، مؤسسة النشر الإسلامي - قم، الطبعة الثانية ١٤٠٤ هـ. ق.
- الترغيب والترهيب من الحديث الشريف، لعبد العظيم بن عبد القوي المنذري الشامي (ت ٦٥٦ هـ. ق)، تحقيق: مصطفى محمد عمارة، دار إحياء التراث - بيروت، الطبعة الثالثة ١٣٨٨ هـ. ق.
- تفسير ابن كثير (تفسير القرآن العظيم)، لأبي الفداء إسماعيل بن عمر بن كثير البصري الدمشقي (ت ٧٧٤ هـ. ق)، تحقيق: عبد العظيم عنيوم ومحمد أحمد عاشور ومحمد إبراهيم البناء، دار الشعب - القاهرة.
- تفسير التبيان = التبيان.

- تفسير الطبري (جامع البيان عن تأويل آي القرآن)، لأبي جعفر محمد بن جرير الطبري (٣١٠ هـ. ق)، دار الفكر - بيروت، الطبعة الاولى ١٤٠٨ هـ. ق.
- تفسير العياشي، لأبي النضر محمد بن مسعود بن عياش السلمي السمرقندي المعروف
بالعياشي (ت ٣٢٠ هـ. ق)، تحقيق: السيد هاشم الرسولي المحلاتي، المكتبة العلمية - طهران، الطبعة الاولى ١٣٨٠ هـ. ق.
تفسير القرآن العظيم = تفسير ابن كثير.
- تفسير مجمع البيان، لأبي علي الفضل بن الحسن الطبرسي (ت ٥٤٨ هـ. ق) تحقيق: السيد هاشم الرسولي المحلاتي والسيد فضل الله اليزدي الطباطبائي، دار المعرفة - بيروت، الطبعة الثانية ١٤٠٨ هـ. ق.
- تفسير القمي، لأبي الحسن علي بن إبراهيم بن هاشم القمي (ت ٣٠٧ هـ. ق)، تحقيق:
السيد طيب الموسوي الجزائري، مطبعة النجف الأشرف.
- تنبيه الخواطر ونزهة النواظر (مجموعة ورام)، لأبي الحسين ورام بن أبي فراس (ت ٦٠٥ هـ. ق)، دار التعارف ودار صعب - بيروت.
- التوحيد، لأبي جعفر محمد بن علي بن الحسين بن بابويه القمي المعروف بالشيخ الصدوق (ت ٣٨١ هـ. ق)، تحقيق: هاشم الحسيني الطهراني، مؤسسة النشر الإسلامي - قم، الطبعة الاولى ١٣٩٨ هـ. ق.
- تهذيب الأحكام في شرح المقنعة، لأبي جعفر محمد بن الحسن المعروف بالشيخ الطوسي (ت ٤٦٠ هـ. ق)، دار التعارف - بيروت، الطبعة الاولى ١٤٠١ هـ. ق.
حرف الثاء
- ثواب الأعمال وعقاب الأعمال، لأبي جعفر محمد بن علي بن الحسين بن بابويه القمي
المعروف بالشيخ الصدوق (ت ٣٨١ هـ. ق)، تحقيق: علي أكبر الغفاري، مكتبة الصدوق - طهران.

- حرف الجيم
- جامع الأحاديث، لأبي محمد جعفر بن أحمد بن علي القمي المعروف بابن الرازي (القرن الرابع هـ. ق)، تحقيق: السيد محمد الحسيني النيسابوري، مؤسسة الطبع والنشر التابعة للحضرة الرضوية المقدسة - مشهد، الطبعة الأولى ١٤١٣ هـ. ق.
- جامع الأخبار أو معارج اليقين في اصول الدين، لمحمد بن محمد الشعيري السبزواري
- (القرن السابع هـ. ق)، تحقيق ونشر: مؤسسة آل البيت (عليهم السلام) - قم، الطبعة الأولى ١٤١٤ هـ. ق.
- الجامع الصحيح = سنن الترمذي.
- الجامع الصغير في أحاديث البشير النذير، لجلال الدين عبد الرحمن بن أبي بكر السيوطي (ت ٩١١ هـ. ق)، دار الفكر - بيروت.
- الجعفریات (الأشعثيات)، لأبي الحسن محمد بن محمد بن الأشعث الكوفي (القرن الرابع هـ. ق)، مكتبة نينوى - طهران، طبع في ضمن قرب الإسناد.
- جواهر الكلام في شرح شرائع الإسلام، للشيخ محمد حسن النجفي (ت ١٢٦٦ هـ. ق)،
- مؤسسة المرتضى العالمية - بيروت، الطبعة الأولى ١٤١٢ هـ. ق.
- حرف الحاء
- حلية الأولياء وطبقات الأصفياء، لأبي نعيم أحمد بن عبد الله الإصبهاني (ت ٤٣٠ هـ. ق)، دار الكتاب العربي - بيروت، الطبعة الثانية ١٣٨٧ هـ. ق.
- حرف الخاء
- الخرائج والجرائح، لأبي الحسين سعيد بن عبد الله الراوندي المعروف بقطب الدين

الراوندي (ت ٥٧٣ هـ. ق)، تحقيق ونشر: مؤسسة الإمام المهدي (عج) - قم، الطبعة الاولى ١٤٠٩ هـ. ق.

- الخصال، لأبي جعفر محمد بن علي بن الحسين بن بابويه القمي المعروف بالشيخ الصدوق (ت ٣٨١ هـ. ق)، تحقيق: علي أكبر الغفاري، مؤسسة الأعلمي - بيروت، الطبعة الاولى ١٤١٠ هـ. ق.

حرف الدال

- الدر المنثور في التفسير المأثور، لجلال الدين عبد الرحمن بن أبي بكر السيوطي (ت ٩١١ هـ. ق)، دار الفكر - بيروت، الطبعة الاولى ١٤١٤ هـ. ق.

- دعائم الإسلام وذكر الحلال والحرام والقضايا والأحكام، لأبي حنيفة النعمان بن محمد

ابن منصور بن أحمد بن حيون التميمي المغربي (ت ٣٦٣ هـ. ق)، تحقيق: آصف بن علي أصغر فيضي، دار المعارف - مصر، الطبعة الثالثة ١٣٨٩ هـ. ق.

- الدعوات، لأبي الحسين سعيد بن عبد الله الراوندي المعروف بقطب الدين الراوندي (ت ٥٧٣ هـ. ق)، تحقيق ونشر: مؤسسة الإمام المهدي (عج) قم، الطبعة الاولى ١٤٠٧ هـ. ق.

- الدمعة الساكبة في أحوال النبي والعترة الطاهرة، لمحمد باقر بن عبد الكريم البهبهاني (ت ١٢٨٥ هـ. ق)، مؤسسة الأعلمي - بيروت، الطبعة الاولى ١٤٠٩ هـ. ق.

حرف الذال

- ذخائر العقبى في مناقب ذوي القربى، لأبي العباس أحمد بن عبد الله الطبري (ت ٦٩٣ هـ. ق)، دار المعرفة - بيروت.

- حرف الرء
- ربيع الأبرار ونصوص الأخبار، لأبي القاسم محمود بن عمر الزمخشري
(ت ٥٣٨ هـ. ق)، تحقيق: سليم النعيمي، منشورات الرضي - قم، الطبعة الاولى
١٤١٠ هـ. ق.
- روضة الواعظين، لمحمد بن الحسن بن علي الفتال النيسابوري (ت ٥٠٨ هـ. ق)،
تحقيق: حسين الأعلمي، مؤسسة الأعلمي - بيروت، الطبعة الاولى ١٤٠٦ هـ. ق.
- حرف الزاء
- الزهد، لأبي عبد الرحمن بن عبد الله بن المبارك الحنظلي المروزي (ت ١٨١ هـ.
ق)،
تحقيق: حبيب الرحمن الأعظمي، دار الكتب العلمية - بيروت.
- حرف السين
- السرائر، لأبي جعفر محمد بن منصور الحلبي المعروف بابن إدريس (ت ٥٩٨ هـ.
ق)،
مؤسسة النشر الإسلامي - قم، الطبعة الثانية ١٤١٠ هـ. ق.
- سعد السعود، لأبي القاسم علي بن موسى الحلبي المعروف بابن طاووس
(ت ٦٦٤ هـ. ق)، منشورات الرضي - قم، الطبعة الاولى ١٣٦٣ هـ. ق.
- سلسلة الأحاديث الصحيحة، لمحمد ناصر الدين الألباني (معاصر)، المكتب
الإسلامي
- بيروت، الطبعة الرابعة ١٤٠٥ هـ. ق.
- سنن ابن ماجة، لأبي عبد الله محمد بن يزيد بن ماجة القزويني (ت ٢٧٥ هـ. ق)،
تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، دار إحياء التراث - بيروت، الطبعة الاولى
١٣٩٥ هـ. ق.

- سنن الترمذي (الجامع الصحيح)، لأبي عيسى محمد بن عيسى بن سورة الترمذي (ت ٢٧٩ هـ. ق)، تحقيق: أحمد محمد شاكر، دار إحياء التراث - بيروت.
- سنن الدار قطني، لأبي الحسن علي بن عمر البغدادي المعروف بالدار قطني (ت ٢٨٥ هـ. ق)، تحقيق: أبو الطيب محمد آبادي، عالم الكتب - بيروت، الطبعة الرابعة ١٤٠٦ هـ. ق.
- سنن الدارمي، لأبي محمد عبد الله بن عبد الرحمن الدارمي (ت ٢٥٥ هـ. ق)، تحقيق:
- مصطفى ديب البغا، دار القلم - دمشق، الطبعة الأولى ١٤١٢ هـ. ق.
- السنن الكبرى، لأبي بكر أحمد بن الحسين بن علي البيهقي (ت ٤٥٨ هـ. ق)، تحقيق:
- محمد عبد القادر عطا، دار الكتب العلمية - بيروت، الطبعة الأولى ١٤١٤ هـ. ق.
- سنن النسائي (بشرح الحافظ جلال الدين السيوطي وحاشية الإمام السندي)، لأبي عبد الرحمن أحمد بن شعيب النسائي (ت ٣٠٣ هـ. ق)، دار المعرفة - بيروت، الطبعة الثالثة ١٤١٤ هـ. ق.
- سنن أبي داود، لأبي داود سليمان بن أشعث السجستاني الأزدي (ت ٢٧٥ هـ. ق)، تحقيق: محمد محيي الدين عبد الحميد، دار إحياء التراث العربي - بيروت.
- سير أعلام النبلاء، لأبي عبد الله محمد بن أحمد الذهبي (ت ٧٤٨ هـ. ق)، تحقيق: شعيب الارنؤوط، مؤسسة الرسالة - بيروت، الطبعة العاشرة ١٤١٤ هـ. ق.
- حرف الشين
- شرح نهج البلاغة، لعز الدين عبد الحميد بن محمد بن أبي الحديد المعتزلي المعروف
- بابن أبي الحديد (ت ٦٥٦ هـ. ق)، تحقيق: محمد أبو الفضل إبراهيم، دار إحياء التراث - بيروت، الطبعة الثانية ١٣٨٧ هـ. ق.
- شعب الإيمان، لأبي بكر أحمد بن الحسين البيهقي (ت ٤٥٨ هـ. ق)، تحقيق: محمد
- السعيد بن بسيوني زغلول، دار الكتب العلمية - بيروت، الطبعة الأولى ١٤١٠ هـ. ق.

حرف الصاد

- صحيح ابن خزيمة، لأبي بكر محمد بن إسحاق السلمي النيسابوري المعروف بابن خزيمة (ت ٣١١ هـ. ق)، تحقيق: محمد مصطفى الأعظمي، المكتب الإسلامي - بيروت، الطبعة الثانية ١٤١٢ هـ. ق.

- صحيح البخاري، لأبي عبد الله محمد بن إسماعيل البخاري (ت ٢٥٦ هـ. ق)، تحقيق:

مصطفى ديب البغا، دار ابن كثير - بيروت، الطبعة الرابعة ١٤١٠ هـ. ق.

- صحيح مسلم، لأبي الحسين مسلم بن الحجاج القشيري النيسابوري (ت ٢٦١ هـ. ق)،

تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، دار الحديث - القاهرة، الطبعة الاولى ١٤١٠ هـ. ق.
- صحيفة الإمام الرضا (عليه السلام): المنسوبة إلى الإمام الرضا (عليه السلام)، تحقيق ونشر: مؤسسة الإمام

المهدي (عج) - قم، الطبعة الاولى ١٤٠٨ هـ. ق.

- الصحيفة السجادية، للإمام زين العابدين (عليه السلام)، تحقيق: علي أنصاريان، المستشارية

الثقافية - دمشق.

حرف الطاء

طبقات ابن سعد = الطبقات الكبرى.

- الطبقات الكبرى (طبقات ابن سعد)، لمحمد بن سعد كاتب الواقدي (ت ٢٣٠ هـ. ق)،

دار صادر - بيروت.

حرف العين

- عدة الداعي ونجاة الساعي، لأبي العباس أحمد بن محمد بن فهد الحلبي الأسدي (ت ٨٤١ هـ. ق)، تحقيق: أحمد موحدي، مكتبة وجداني - طهران.

- علل الشرائع، لأبي جعفر محمد بن علي بن الحسين بن بابويه القمي المعروف بالشيخ
الصدوق (ت ٣٨١ هـ. ق)، دار إحياء التراث - بيروت، الطبعة الاولى ١٤٠٨ هـ. ق.
- عمل اليوم والليلة، لأبي بكر أحمد بن محمد بن السني الدينوري (ت ٤٦٤ هـ. ق)،
تحقيق: حمدي عبد المجيد السلفي، مؤسسة الكتب الثقافية - بيروت، الطبعة الاولى
١٤٠٨ هـ. ق.
- عوالي اللآلي العزيزية في الأحاديث الدينية، لمحمد بن علي بن إبراهيم الأحسائي
المعروف بابن أبي جمهور (ت ٩٤٠ هـ. ق)، تحقيق: مجتبي العراقي، مطبعة سيد
الشهداء (عليه السلام) - قم، الطبعة الاولى ١٤٠٣ هـ. ق.
- عيون أخبار الرضا (عليه السلام)، لأبي جعفر محمد بن علي بن الحسين بن بابويه
القمي
المعروف بالشيخ الصدوق (ت ٣٨١ هـ. ق)، تحقيق: السيد مهدي الحسيني
اللاجوردي، منشورات جهان - طهران.
- حرف الغين
- غرر الحكم ودرر الكلم، لعبد الواحد الأمدي التميمي (ت ٥٥٠ هـ. ق)، تحقيق: مير
سيد جلال الدين المحدث الأرموي، جامعة طهران، الطبعة الثالثة ١٣٦٠ هـ. ش.
- حرف الفاء
- فتح الأبواب، لأبي القاسم علي بن موسى بن طاووس الحسني الحلبي (ت ٦٦٤ هـ.
ق)،
تحقيق: حامد الخفاف، مؤسسة آل البيت (عليهم السلام) - قم، الطبعة الاولى ١٤٠٩
هـ. ق.
- الفردوس بمأثور الخطاب، لأبي شجاع شيرويه بن شهردار الديلمي الهمداني
(ت ٥٠٩ هـ. ق)، تحقيق: السعيد بن بسيوني زغلول، دار الكتب العلمية - بيروت،
الطبعة الاولى ١٤٠٦ هـ. ق.

- فضائل الأشهر الثلاثة، لأبي جعفر محمد بن علي بن الحسين بن بابويه القمي المعروف
بالشيخ الصدوق (ت ٣٨١ هـ. ق)، تحقيق: غلامرضا عرفانيان يزدي، مكتبة داوري -
قم، الطبعة الاولى ١٣٩٦ هـ. ق.
- فضائل الصحابة، لأبي عبد الله أحمد بن محمد بن حنبل (ت ٢٤١ هـ. ق)، تحقيق:
وصي الله بن محمد عباس، دارالعلم - مكة المكرمة، الطبعة الاولى ١٤٠٣ هـ. ق.
- فقه الرضا، الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا (عليه السلام)، تحقيق: مؤسسة آل البيت
(عليهم السلام)،
المؤتمر العالمي للإمام الرضا (عليه السلام) - مشهد، الطبعة الاولى ١٤٠٦ هـ. ق.
- الفقيه (من لا يحضره الفقيه)، لأبي جعفر محمد بن علي بن الحسين بن بابويه القمي
المعروف بالشيخ الصدوق (ت ٣٨١ هـ. ق)، تحقيق: علي أكبر الغفاري، مؤسسة النشر
الإسلامي - قم، الطبعة الثانية ١٤٠٤ هـ. ق.
- فلاح السائل، لأبي القاسم علي بن موسى بن طاووس الحسني الحلبي (ت ٦٦٤ هـ.
ق)،
مكتب الإعلام الإسلامي - قم.
حرف القاف
- قرب الإسناد، لأبي العباس عبد الله بن جعفر الحميري القمي (ت ٣٠٤ هـ. ق)،
تحقيق
ونشر: مؤسسة آل البيت (عليهم السلام) - قم، الطبعة الاولى ١٤١٣ هـ. ق.
حرف الكاف
- الكافي، لأبي جعفر ثقة الإسلام محمد بن يعقوب بن إسحاق الكليني الرازي
(ت ٣٢٩ هـ. ق)، تحقيق: علي أكبر الغفاري، دار الكتب الإسلامية - طهران، الطبعة
الثانية ١٣٨٩ هـ. ق.

- الكامل في التاريخ، لأبي الحسن علي بن محمد الشيباني الموصلي المعروف بابن الأثير (ت ٦٣٠ هـ. ق)، تحقيق: علي شيري، دار إحياء التراث العربي - بيروت، الطبعة الاولى ١٤٠٨ هـ. ق.

- كشف الغمة في معرفة الأئمة، لعلي بن عيسى الإربلي (ت ٦٨٧ هـ. ق)، تصحيح: السيد

هاشم الرسولي المحلاتي، دار الكتاب الإسلامي - بيروت، الطبعة الاولى ١٤٠١ هـ. ق.

- كمال الدين وتمام النعمة، لأبي جعفر محمد بن علي بن الحسين بن بابويه القمي المعروف بالشيخ الصدوق (ت ٣٨١ هـ. ق)، تحقيق: علي أكبر الغفاري، مؤسسة النشر الإسلامي - قم، الطبعة الاولى ١٤٠٥ هـ. ق.

- كنز العمال في سنن الأقوال والأفعال، لعلاء الدين علي المتقي بن حسام الدين الهندي

(ت ٩٧٥ هـ. ق)، تصحيح: صفوة السقا، مكتبة التراث الإسلامي - بيروت، الطبعة الاولى ١٣٩٧ هـ. ق.

- كنز الفوائد، لأبي الفتح الشيخ محمد بن علي بن عثمان الكراجكي الطرابلسي (ت ٤٤٩ هـ. ق)، إعداد: عبد الله نعمة، دار الذخائر - قم، الطبعة الاولى ١٤١٠ هـ. ق.

حرف اللام

- لسان العرب، لأبي الفضل جمال الدين محمد بن مكرم بن منظور المصري (ت ٧١١ هـ. ق)، دار صادر - بيروت، الطبعة الاولى ١٤١٠ هـ. ق.

حرف الميم

- المجازات النبوية، لأبي الحسن محمد بن أبي أحمد الحسين بن موسى المعروف بالشريف الرضي (ت ٤٠٦ هـ. ق)، تحقيق: طه محمد الزيني، مكتبة بصيرتي - قم.

- مجمع البحرين، لفخر الدين الطريحي (ت ١٠٨٥ هـ. ق)، تحقيق: السيد أحمد الحسيني، مكتبة نشر الثقافة الإسلامية - طهران، الطبعة الثانية ١٤٠٨ هـ. ق. مجمع البيان في تفسير القرآن = تفسير مجمع البيان. مجموعة ورام = تنبيه الخواطر ونزهة النواظر.
- المحاسن، لأبي جعفر أحمد بن محمد بن خالد البرقي (ت ٢٨٠ هـ. ق)، تحقيق: السيد مهدي الرجائي، المجمع العالمي لأهل البيت (عليهم السلام) - قم، الطبعة الأولى ١٤١٣ هـ. ق.
- المحجة البيضاء في تهذيب الأحياء، لمحمد بن المرتضى المدعو بالمولى محسن الفيض الكاشاني (ت ١٠٩١ هـ. ق)، تحقيق: علي أكبر الغفاري، مؤسسة النشر الإسلامي - قم، الطبعة الثالثة ١٤١٥ هـ. ق.
- مختصر بصائر الدرجات، للحسن بن سليمان الحلبي (القرن التاسع هـ. ق)، انتشارات الرسول المصطفى - قم.
- مستدرک الوسائل ومستنبط المسائل، للحاج الميرزا حسين النوري (ت ١٣٢٠ هـ. ق)، تحقيق ونشر: مؤسسة آل البيت (عليهم السلام) - قم، الطبعة الأولى ١٤٠٨ هـ. ق.
- المستدرک على الصحيحين، لأبي عبد الله محمد بن عبد الله الحاكم النيسابوري (ت ٤٠٥ هـ. ق)، تحقيق: مصطفى عبد القادر عطا، دار الكتب العلمية - بيروت، الطبعة الأولى ١٤١١ هـ. ق.
- مسكن الفؤاد عند فقد الأحبة والأولاد، للشيخ زين الدين بن علي بن أحمد الجبعي العاملي المعروف بالشهيد الثاني (ت ٩٦٥ هـ. ق)، تحقيق ونشر: مؤسسة آل البيت (عليهم السلام) - قم، الطبعة الثانية ١٤١٢ هـ. ق.
- مسند إسحاق بن راهويه، لأبي يعقوب إسحاق بن إبراهيم الحنظلي المروزي (ت ٢٣٨ هـ. ق)، تحقيق: عبد الغفور عبد الحق حسين بر البلوشي، مكتبة الإيمان - المدينة المنورة، الطبعة الأولى ١٤١٢ هـ. ق.

- مسند الشهاب، لأبي عبد الله محمد بن سلامة القضاعي (ت ٤٥٤ هـ. ق)، تحقيق: حمدي عبد المجيد السلفي، مؤسسة الرسالة - بيروت، الطبعة الأولى ١٤٠٥ هـ. ق.
- مسند أبي يعلى الموصلي، لأبي يعلى أحمد بن علي بن المثنى التميمي الموصلي (ت ٣٠ هـ. ق)، تحقيق: إرشاد الحق الأثري، دار القبلة - جدة، مؤسسة علوم القرآن - بيروت، الطبعة الأولى ١٤٠٨ هـ. ق.
- مسند أحمد، لأحمد بن محمد بن حنبل الشيباني (ت ٢٤١ هـ. ق)، تحقيق: عبد الله محمد الدرويش، دار الفكر - بيروت، الطبعة الثانية ١٤١٤ هـ. ق.
- مسند الإمام زيد، المنسوب إلى زيد بن علي بن الحسين (عليهما السلام)، دار مكتبة الحياة - بيروت، الطبعة الأولى ١٩٦٦ م.
- مشكاة الأنوار في غرر الأخبار، لأبي الفضل علي الطبرسي (القرن السابع هـ. ق)، دار الكتب الإسلامية - طهران، الطبعة الأولى ١٣٨٥ هـ. ق.
- مشكاة المصابيح، لأبي عبد الله محمد بن عبد الله العمري الخطيب التبريزي (القرن الثامن هـ. ق)، تحقيق: محمد ناصر الدين الألباني، المكتب الإسلامي - دمشق.
- مصادقة الإخوان، لأبي جعفر محمد بن علي بن الحسين بن بابويه القمي المعروف بالشيخ الصدوق (ت ٣٨١ هـ. ق)، تحقيق ونشر: مؤسسة الإمام المهدي (عج) - قم، الطبعة الأولى ١٤١٠ هـ. ق.
- مصباح الشريعة ومفتاح الحقيقة، المنسوب إلى الإمام الصادق (عليه السلام)، الشارح: عبد الرزاق گيلاني، مكتبة الصدوق - طهران، الطبعة الأولى ١٤٠٧ هـ. ق.
- مصباح المتهدج، لأبي جعفر محمد بن الحسن بن علي بن الحسن الطوسي (ت ٤٦٠ هـ. ق)، تحقيق: علي أصغر مرواريد، مؤسسة فقه الشيعة - بيروت، الطبعة الأولى ١٤١١ هـ. ق.

- المصباح المنير في غريب الشرح الكبير للرافعي، لأحمد بن محمد المقرئ الفيومي (ت ٧٧٠ هـ. ق)، دار الهجرة - قم، الطبعة الثانية ١٤١٤ هـ. ق.
- المصباح في الأدعية والصلوات والزيارات، لتقي الدين إبراهيم بن علي العاملي الجبعي المعروف بالكفعمي (ت ٩٠٥ هـ. ق)، منشورات الرضي، وزاهدي - قم.
- المصنف في الأحاديث والآثار، لأبي بكر عبد الله بن محمد بن أبي شيبة العبسي الكوفي (ت ٢٣٥ هـ. ق)، تحقيق: سعيد محمد اللحام، دار الفكر - بيروت.
- المصنف، لأبي بكر عبد الرزاق بن همام الصنعاني (ت ٢١١ هـ. ق)، تحقيق: حبيب الرحمن الأعظمي، منشورات المجلس العلمي.
- معاني الأخبار، لأبي جعفر محمد بن علي بن الحسين بن بابويه القمي المعروف بالشيخ
- الصدوق (ت ٣٨١ هـ. ق)، تحقيق: علي أكبر الغفاري، مؤسسة النشر الإسلامي - قم، الطبعة الأولى ١٣٦١ هـ. ش.
- المعجم الأوسط، لأبي القاسم سليمان بن أحمد اللخمي الطبراني (ت ٣٦٠ هـ. ق)، تحقيق: طارق بن عوض الله وعبد الحسن بن إبراهيم الحسيني، دار الحرمين - القاهرة، الطبعة ١٤١٥ هـ. ق.
- المعجم الصغير، لأبي القاسم سليمان بن أحمد اللخمي الطبراني (ت ٣٦٠ هـ. ق)، تحقيق: محمد عثمان، دار الفكر - بيروت، الطبعة الثانية ١٤٠١ هـ. ق.
- المعجم الكبير، لأبي القاسم سليمان بن أحمد اللخمي الطبراني (ت ٣٦٠ هـ. ق)، تحقيق: حمدي عبد المجيد السلفي، دار إحياء التراث العربي - بيروت، الطبعة الثانية ١٤٠٤ هـ. ق.
- مفردات ألفاظ القرآن، لأبي القاسم الحسين بن محمد الراغب الأصفهاني (ت ٥٠٢ هـ. ق)، تحقيق: صفوان عدنان داودي، دار القلم - دمشق، الطبعة الأولى ١٤١٢ هـ. ق.

- مقتل الحسين (عليه السلام)، لموفق بن أحمد المكي الخوارزمي (ت ٥٦٨ هـ. ق)،
تحقيق: محمد
السماوي، مكتبة المفيد - قم.
- مكارم الأخلاق، لأبي علي الفضل بن الحسن الطبرسي (ت ٥٤٨ هـ. ق)، تحقيق:
علاء
آل جعفر، مؤسسة النشر الإسلامي - قم، الطبعة الأولى ١٤١٤ هـ. ق.
- الملهوف على قتلى الطفوف، لأبي القاسم علي بن موسى بن طاووس الحسيني
الحلي
(ت ٦٦٤ هـ. ق)، تحقيق: فارس تبريزيان، دار الاسوة - طهران، الطبعة الأولى
١٤١٤ هـ. ق.
- مناقب آل أبي طالب (المناقب لابن شهر آشوب)، لأبي جعفر رشيد الدين محمد بن
علي بن شهر آشوب المازندراني (ت ٥٨٨ هـ. ق)، المطبعة العلمية - قم.
- الموطأ، لأبي عبد الله مالك بن أنس الأصبحي (ت ١٧٩ هـ. ق)، تحقيق: محمد
فؤاد
عبد الباقي، دار إحياء التراث العربي - بيروت.
- حرف النون
- نثر الدر، لأبي سعيد منصور بن حسين الآبي (ت ٤٢١ هـ. ق)، تحقيق: محمد علي
قرنة، مركز تحقيق التراث - مصر، الطبعة الأولى ١٩٨١ م.
- نوادر الاصول في معرفة أحاديث الرسول، لأبي عبد الله محمد بن علي بن سورة
الترمذي (ت ٣٢٠ هـ. ق)، تحقيق: مصطفى عبد القادر عطا، دار الكتب العلمية -
بيروت، الطبعة الأولى ١٤١٣ هـ. ق.
- النهاية في غريب الحديث والأثر، لأبي السعادات مبارك بن مبارك الجزري المعروف
بابن الأثير (ت ٦٠٦ هـ. ق)، تحقيق: ظاهر أحمد الزاوي، مؤسسة اسماعيليان - قم،
الطبعة الرابعة ١٣٦٧ هـ. ش.

- نهج البلاغة، ما اختاره أبو الحسن الشريف الرضي محمد بن الحسين بن موسى الموسوي من كلام الإمام أمير المؤمنين (عليه السلام) (ت ٤٠٦ هـ. ق)، تحقيق: السيد كاظم المحمدي ومحمد الدشتي، منشورات الإمام علي (عليه السلام) - قم، الطبعة الثانية ١٣٦٩ هـ. ق.
حرف الواو
- وسائل الشيعة إلى تحصيل مسائل الشريعة، للشيخ محمد بن الحسن الحر العاملي (ت ١١٠٤ هـ. ق)، تحقيق ونشر: مؤسسة آل البيت (عليهم السلام) - قم، الطبعة الاولى ١٤٠٩ هـ. ق.
حرف الياء
- اليقين باختصاص مولانا علي (عليه السلام) بإمرة المسلمين، لأبي القاسم علي بن موسى الحلبي المعروف بابن طاووس (ت ٦٦٤ هـ. ق)، تحقيق: محمد باقر الأنصاري، مؤسسة دار الكتاب - قم، الطبعة الاولى ١٤١٣ هـ. ق.